

سُرخاب و سفیدآب

[سوالات بی پاسخ که از شیعه باید پرسیده شود].
(شیعه پاسخ نمی دهد)

(جلد اول)

نویسنده:
علی حسین امیری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۵سخنی از ناشر
۷مقدمه
۷حکومت نظامی
۹در پی حکومت بر نا اهلان!
۱۰خانه از پایه ویران است!
۱۰کودتای سفید
۱۱کودتایی در مسئولیت الهی
۱۲نام علی در قرآن
۱۵وصیت پیامبر در حق اهل بیت به چه معناست؟
۱۶امیر مؤمنان در پست نخست وزیری خلفاء پیش از خود
۱۷چه نیکو دشمنانی
۱۷پرسشهای حیران
۲۲ابوبکر در تیرس
۲۲تاویلی شاخ دار!
۲۳حضرت علی و مردم سالاری
۲۴بی رغبتی در خلافت
۲۴علی تقیه نمی کند
۲۵در زیر تیغ
۲۵حجتهای ساختگی
۲۵ایمان در خطر!

۲۶ دروغهای شاخدار
۲۷ حدیث قرطاس و اهانت به پیامبر
۲۹ حقایق پنهان
۳۰ دیانت و سیاست
۳۰ جامعه تا ابد نوپاست!
۳۱ دلیل برای دشنام!
۳۳ دیدار با امام زمان
۳۴ عمر در پی ابوبکر
۳۵ زبان عربی زیر سؤال
۳۵ تیری شکسته!
۳۶ عمر داماد علی
۳۶ زحمات پیامبر به باد فناء
۳۷ هجوم به خانه فاطمه
۳۷ دزدی از جیب آسمان!
۳۸ ملاقات با امام زمان
۴۱ تناقضات
۴۱ رقص و پایکوبی مردم در حکومت نظامی
۴۱ فصاحت دلیل است و بلاغت نه!
۴۲ روایت دشمن علی روی چشم!
۴۲ حکایت مجهول
۴۲ بر پیامبر حلال
۴۴ تو را چه به آتش در خرمن دشمن؟!
۴۴ ثروتمند گرسنه
۴۴ مجتهدان تازه به دوران رسیده

۴۵	امام زمان و سر و گردنی بالاتر از امیر مؤمنان.....
۴۶	حرف حسابی.....
۴۶	ایراد بی مورد.....
۴۶	تخلف یا احترام.....
۴۷	پیامبر یا امام؟.....
۴۷	مژده‌های خدا کجایند؟.....
۴۷	قرآن یا دیوان مدح و ثنا.....
۴۸	همبستگی کیان امت قبل از دفن رهبر.....
۴۹	زخم زبان به خود.....
۵۱	مطهری در پی راه چاره.....
۵۲	تقیه شکن.....
۵۲	اشتباه از امام یا از خدا.....
۵۳	آیا شرک شاخ و دم دارد؟.....
۵۳	کودتای نافرجام.....
۵۴	زندانی یا وزیر.....
۵۵	با دو تیر یک نشان.....
۵۸	کاسه‌ی داغتر از آتش.....
۵۹	شیعه یا خوارج.....
۶۱	علی و مشارکت در ظلم.....
۶۲	کودتاگران بی اطلاع!.....
۶۲	یک سوراخ و دو نیش.....
۶۴	مؤمنان کافر.....
۶۵	پیامبر در کنار گمراهان!.....
۶۵	اختراع بزرگ صفویان.....

- آتش در خانه وحی ۶۶
- از طلا شدن پشیمانیم ۶۶
- پاسخ علی گوش شنوا ندارد ۶۷
- اگر علی از قبر برخیزد! ۶۷
- یک سوزن بخود ۶۷
- قبر پرستی ۷۹
- چرا وصیت به اهل بیت ۸۰
- خطبه فدکیه ۸۱
- روایت خوارج ۸۱
- تحقیقی بدتر از تقلید ۸۲
- کشاف العیوب ۸۲
- شرک در صفات ۸۲
- یا ایها الذین آمنوا علی است! ۸۳
- امام قرآن است ۸۳
- گرمای سوزان روز غدیر ۸۴
- پاسخ: ۸۴
- احادیث تلخ در مذهب حیران ۸۸
- افسانه سوختن در کلبه‌ی بی در! ۱۰۰
- و برای حسن ختام به این حدیث از حضرت علی علیه السلام دقت کنید ۱۰۵
- نکته ای بسیار مهم: ۱۰۶
- توضیحی پیرامون نام این کتاب ۱۱۳**

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنی از ناشر

حمد و ثنا قیومی را که عقول بنی آدم از ادراک کنه ذات بیچون او عاجز است و آیات صنعش در ایجاد عالم ظاهر است، و شکر و سپاس آن قدیمی را که بر وحدت اُزلیت او در آثار قدرت و تکوین مکونات عالم دلیلهای و برهانهاست، آن خالق که به یک امر "کن" نور و ظلمت را در ترتیب ترکیب روح انسانی ازدواج پذیرانید، و ابناء آدم را به خلعت کرامت "ولقد کرّمنا بنی آدم" مشرف گردانید، و کمال ایشان را در معرفت ربوبیت و وحدانیت خود - جلت عظمته و علت کلمته - پیوست و توفیق بوجه کمال رفیق طایفه‌ای گردانید که مستعدان حال و طالبان اقبال بودند، و از برای ارشاد ابناء انسان انبیاء مرسل فرستاد تا نور حق از ظلمت باطل و نفس از زنگ شبهه و کدورت شرک بزدودند، و سرور ایشان در رسالت و خاتم ایشان در نبوت سید المرسلین و امام المتقین ابو القاسم محمد بن عبدالله - صلوات الله و سلامه علیه - از برای زیور نبوت و تاج رسالت از میان خلق برگزید....

از دم صبح ازل تا بقیام عرصات	بر سر و پای دلارای محمد صلوات
شکند تیغ زبانم همدم شاخ نبات	باد بر قامت رعناى محمد صلوات
فرض عینست می‌بگویم تا وقت ممات	دمدم بر گل رخسار محمد صلوات

این کتاب در حقیقت یک نامه محبت آمیزی است از شخصی که خداوند راه و رسم هدایت را بدو آموخت و از منجلاّب بدعتها و گمراهیها او را نجات داد.

در این کتاب او بر تپه‌ی نجات ایستاده و به پشت سر خود می‌نگرد. قوم و خویش خود را در گمراهیها می‌بیند. با یک چشم از فرط شادی و خوشحالی از نجات اشک سرد

می‌ریزد. و چشم دیگرش لبریز از بخار آتشین دل سوخته‌اش بر ملت مردمش است. و آه می‌کشد که " ... يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (یس ۲۶) بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ " (یس ۲۷) .. ای کاش قوم من بدانند. که بچه چیز بیامرزید مرا پروردگار من و ساخت مرا از نواختگان)

نویسنده کتاب با اسلوب بسیار ساده و عامیانه بدور از اصطلاحات و فلسفه گرائیها و سفسطه بازیهای آخوندها عقل و بیش هر آزاده‌ای را مورد خطاب قرار می‌دهد. نویسنده از مکر و حيله و از دروغ و نیرنگ و از بازی با سرنوشت مردم بیزار است. و می‌خواهد به همه یاد آور شود که روزی در مقابل دادگاه عدل الهی خواهند ایستاد. برای آنروز چه جوابی دارند؟ آیا تقلید کورکورانه از آخوندهای جاه طلب و مال پرست و دنیا دوست، و زیر پا نهادن عقل و منطق در آن روز خریداری خواهد داشت؟! نویسنده از خواننده کتابش جز بخود اندیشیدن و از عقل سراغ گرفتن هیچ نمی‌خواهد. او تلاش دارد دست تو را بگیرد و از باتلاق هلاکت بیرون کشیده در کنار خود روی تپه‌ی نجات قرار دهد..

در این کتاب هیچگونه سحر و جادوای نیست اما وردی است که طلسم جادوگران را درهم می‌شکنند....

مقدمه

سلام و درود بر پیامبر اسلام و خاندان پاکش و اصحاب گرانقدرش. معمولاً علما و مراجع شیعه به شبهات و سوالاتی که مخالفین ایشان طرح می کنند به نحوی پاسخ می دهند، البته در برابر سوالات صحیح و بجا پاسخهای درستی ارائه نمی دهند و معمولاً با سفسطه و بازی با کلمات یا رجوع به احادیث و روایات باب میل خود به پاسخگویی می پردازند، یا با رجوع به عقاید خود مثلاً با استفاده از حربه تقیه یا علم غیب یا مصلحتها و غیره... به تمامی سوالات پاسخ می دهند. ولی یک سری از سوالات هستند که هیچگونه پاسخی ندارند و علمای شیعه در برابر این سوالات تنها می توانند سکوت کنند و نمی توانند آنها را توجیه و تفسیر کنند. در این کتاب به شرح و بیان یک سری از سوالات می پردازیم تا خواننده گرامی متوجه شود مکتبی که آخوندهای شیعه به عنوان مکتب اهل بیت معرفی می کنند بی پایه و اساس است و دارای دروغها و خرافات فراوانی می باشد و در واقع با مکتب اهل بیت در تضاد کامل است. لازم به تذکر است که در مطرح نمودن سوالات از کتاب ارزنده آلفوس نوشته علیرضا حسینی نیز استفاده می کنیم و در این تحریر که تحریر دوم سرخاب و سفیدآب است سوالات جدیدتری اضافه شده به همراه پاورقی های بیشتر و توضیحاتی پیرامون مسئله حدیث که در انتهای کتاب آورده ایم.

حکومت نظامی

۱- علمای شیعه دائم بر این عقیده هستند که پس از رحلت پیامبر ﷺ خلافت الهی حضرت علی ﷺ توسط کودتای سقیفه بنی ساعده غصب شده است، و در واقع ابوبکر غاصب خلافت الهی علی بوده است، و کسانی که حق علی را غصب کرده اند پس از

رحلت نبی اکرم ﷺ خفقان شدیدی ایجاد نمودند و هیچکس جرات مخالفت با ایشان را نداشته است و محیط به شکلی بوده است که حتی حرمت دختر پیامبر ﷺ را نگه نداشته اند و به خانه او هجوم برده اند و باعث سقط جنین او شده اند و حضرت علی را نیز به زور و با طنابی به گردنش برای بیعت گرفتن به بیرون کشیده اند و غاصبان خلافت در مدینه و محیط آن زمان خفقان شدیدی ایجاد کردند.

حتی چنانچه به آخوندها بگویید: چرا کسی به حق الهی حضرت علی و غدیر خم اشاره ای نداشته؟ خواهید دید که همین پاسخها را خواهند داد و می گویند: ای آقا، در آن زمان درب خانه آتش می زدند و سیلی به گوش دختر پیامبر ﷺ می زدند و طناب به گردن علی انداختند، شما نمی دانید که ابوبکر و عمر و طرفداران ایشان در آن زمان چه خفقانی ایجاد کرده بودند.

پس از این توضیحات من سوال خود را طرح می کنم:
می شود بفرمایید این چه خفقانی بوده که حتی زنان می توانسته اند علیه خلیفه در مسجد خطبه بخوانند؟ منظورم خطبه فاطمه زهرا است که به عقیده شیعه پس از غصب خلافت حضرت علی در مسجد علیه ابوبکر ایراد شده.

این چه خفقانی بوده که زنان برای بیعت گرفتن به درب منزل انصار می رفته اند؟ چون شیعه بر این عقیده است که فاطمه زهرا به همراه حضرت علی به درب منازل انصار می رفته تا برای خلافت علی بیعت بگیرد.

این چه خفقانی بوده که پسر بچه ای ۱۰ ساله (امام حسن) به ابوبکر می گفته: از منبر پایین بیا؟

این چه خفقانی بوده که یک عرب به خلیفه (عمر بن خطاب) می گفته چنانچه بخواهی کج شوی با این شمشیر راست می کنیم؟

این چه خفقانی بوده که یک عرب خطاب به خلیفه (عمر بن خطاب) اعتراض می کرده که چرا سهم پارچه و لباس تو بلندتر از ماست؟

فراموش نکنید شیعیان در مورد خطبه فاطمه زهرا نمی توانند بگویند: حضرت فاطمه دختر نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده و می توانسته این کارها را بکند، چون از آن طرف می گویند به همین دختر ظلم و ستم فراوانی شده و به گوش او سیلی زده اند و درب منزل را آتش زده اند و باعث سقط جنین او شدند. پس او نیز در خفقان به سر می برده و در واقع از همه بیشتر در این خفقان بوده و از همه بیشتر به او ظلم شده است.

پس این تضادها را چگونه توجیه می کنید؟ اگر ابوبکر و عمر خفقانی ایجاد کرده بودند پس خطبه فاطمه زهرا و رفتن نزد انصار برای اخذ بیعت دیگر چیست؟

۲- سوال دیگر این است که یک حکومت باید چندین سال بر روی کار بیاید و طرفدار جمع کند تا پس از ایجاد شرایط لازمه بتواند ایجاد خفقان کند، پس چطور ابوبکر فوری پس از به دست گرفتن حکومت ایجاد خفقان کرده؟ آن هم در همان روز اول؟ او که هنوز بر سر کار نیامده بود و هنوز نمی توانسته خفقان ایجاد کند. چطور توانسته فوراً در همان ابتدای امر علیه بزرگانی چون علی و فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد خفقان کند؟ و همچنین علیه بقیه مردم و مخالفین؟ و آیا بقیه مردم به همین زودی خدمات حضرت علی را فراموش کرده بودند؟ مگر اینکه همان جوابهای احمقانه سابق را بدهید که همه مردم و صحابه از همان ابتدای بعثت نفرت و کینه علی را در دل داشته اند و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله این کینه ها را نشان داده اند!!! پس چنانچه همه مردم کینه حضرت علی را به دل داشته اند و اصحاب مرتد شده اند و بیعت خود در غدیر خم را فراموش کرده اند و در واقع دستور الهی مبنی بر خلافت حضرت علی را زیر پا گذاشته اند، پس با این اوصاف من سوال بعدی را مطرح می کنم:

در پی حکومت بر نا اهلان!..

۳- این مردمی که چنین بوده اند و مرتد شده اند و دستوری به این مهمی را زیر پا گذاشته اند، پس آیا حضرت علی می خواسته بر چنین مردمی حکومت کند و حق خود را از ابوبکر پس بگیرد؟ این چنین مردمی که لیاقت خلافت حضرت علی را ندارند و

چطور علی می خواسته بر آنها فرمانروایی کند؟ مردمی که از دستور الهی سرپیچی کرده بودند آیا به دستورات علی گردن می نهادند؟ پس چرا شما اینقدر سنگ خلافت را بر سینه می زنید؟ شما از یک طرف می گوید: صحابه مرتد شدند پس آیا علی می خواسته بر عده ای مرتد فرمانروایی کند؟ مردمی که از همان ابتدای بعثت کینه علی را در دل داشته اند و پس از رحلت پیامبر ﷺ این کینه‌ها را بروز داده اند، پس چطور علی می خواسته بر آنها حکومت کند؟ (شیعه می گوید: اصحاب پس از رحلت پیامبر ﷺ مرتد شده اند، ولی از طرفی می دانیم که اصحاب پس از رحلت نبی اکرم ﷺ با شورش اهل رده به مقابله پرداختند، پس طبق نظر شیعیان عده ای مرتد به جنگ عده ای مرتد دیگر رفته اند!!!!)

خانه از پایه ویران است!..

۴- مورد بعدی این است که طبق روایات متعددی که در کتب شیعه آمده پیامبر ﷺ علم غیب داشته (و حتی امامان)، و مرتب به علی سفارش می کرده که چنانچه خلافت را به تو ندادند سکوت و صبر پیشه کن و غیره، و در واقع به شخصیت واقعی ابوبکر و عمر و عثمان و عائشه و... آگاهی داشته است.

حال ما می پرسیم: پس چرا پیامبر ﷺ اینقدر این افراد را به خود نزدیک می کرده؟ و آیا علت به قدرت رسیدن ابوبکر و عمر و عثمان همین نزدیکی و خویشاوندی ایشان نبوده؟ پس نعوذ بالله اولین مقصر در غصب خلافت الهی حضرت علی خود شخص پیامبر بوده، چون زمینه به قدرت رسیدن ایشان را فراهم کرده است.

کودتای سفید

۵- شیعیان می گویند: در سقیفه بنی ساعده کودتا شد و حق علی غصب شد و حتی بر این نظر هستند که ابوبکر و عمر قبل از رحلت پیامبر ﷺ نیز به فکر غصب خلافت بوده اند و این عقیده از احادیث و روایات متعددی که در کتب ایشان بر علیه ابوبکر و

عمر ثبت شده به خوبی نمایان است و مرتب به حدیث قرطاس اشاره دارند که پیامبر ﷺ تقاضای قلم و دوات می کند تا جانشینی علی را متذکر شود و عمر از این موضوع مطلع می شود و اجازه این امر را نمی دهد چون از همان موقع به فکر غضب خلافت علی بوده است.

موضوعی که بین شیعه و سنی مشترک است این است که انصار در سقیفه جمع شدند تا خلیفه ای انتخاب کنند و این موضوع به اطلاع ابوبکر و عمر می رسد و ایشان خود را به سقیفه می رسانند.

حال ما می پرسیم: این چه کودتایی بوده که خود ابوبکر و عمر از آن بی اطلاع بوده اند؟ شما که می گوئید: ایشان از قبل نیز به فکر غضب خلافت بوده اند، پس چرا از ماجرای سقیفه بی اطلاع بوده اند؟ و تازه به آنها خبر داده اند تا به آنجا بروند.

شیعه خواهد گفت که چون انصار از قصد و نیت ابوبکر و عمر با خبر بوده اند زودتر به سقیفه رفته اند تا خودشان خلیفه ای را انتخاب کنند!!!

(جالب است که همه دنیا از قصد ابوبکر و عمر با خبر بوده اند ولی پیامبر ﷺ این موضوع را نمی دانسته و ابوبکر و عمر را مرتب به خود نزدیک کرده و اگر این موضوع را می دانسته چرا برای پس از رحلت خویش فکری نکرده تا خلافت الهی علی توسط ایشان غضب نشود؟!)

می پرسیم: چرا انصار در جریان انتخاب خلیفه در سقیفه و در مقابل مهاجرین نگفته اند: ما با علی بیعت می کنیم؟ اگر نمی خواسته اند ابوبکر خلیفه شود چرا در انتها با او بیعت می کنند؟

کودتایی در مسئولیت الهی

چطور انصار متوجه موضوع بوده اند و سریعاً به فکر سبقت گرفتن از ابوبکر و عمر افتاده اند ولی خود حضرت علی متوجه این موضوع مهم نبوده و برای حفظ خلافت الهی فکری نکرده؟ تازه به عقیده شیعه حضرت علی علم غیب هم داشته.

اگر بگویید: علی مشغول تدفین پیامبر ﷺ بوده، می گوئیم: موضوع خلافت الهی نیز از نظر شما بسیار مهم است و از نظر شما مسئله امامت بسیار بسیار مهم است و به نظر شما غضب خلافت الهی باعث انحراف در اسلام شده که باعث ضربات بسیاری شده و خواهد شد و حتی شهادت امام حسین در کربلا را نیز از نتایج همین غضب خلافت می دانید، پس چنانچه اصحاب از قبل به فکر کودتا بودند به طور حتم حضرت علی متوجه می شده (یا حتی پیامبر توسط علم غیب به او می گفته) و چنانچه خودش برای حفظ خلافت الهی به سقیفه نمی رفت لاقلاً شخصی دیگر را به عنوان نائب می فرستاد و به هر نحوی که بود جلوی به خلافت رسیدن ابوبکر را می گرفت.

واقعاً خنده دار است که خلافتی الهی که توسط خداوند اعلام شده و پیامبر ﷺ و ملائکه و علم غیب و غیره... پشتیبان آن بوده اند توسط دو نفر غضب شده است، دو نفری که شما اصلاً آنها را قبول ندارید.

تمامی این موارد نشان می دهد که ابوبکر و عمر سوء نیتی نداشته اند و از قبل به فکر کودتائی نبوده اند تا حضرت علی یا انصار متوجه باشند و زودتر اقدام کنند.

نام علی در قرآن

۶- سوال بعدی که بارها از شیعیان پرسیده شده و جوابی برای آن نداده اند این است که چرا در قرآن نامی از حضرت علی و خلافت و جانشینی او نیست؟ و همینطور نام امامان دیگر و امام زمان؟

جوابی که شیعیان می دهند این است که تعداد رکعات نماز نیز در قرآن نیست و برای فهم آن می بایست به سنت و احادیث رجوع کنیم و در رابطه با خلافت نیز به احادیث مختلف رجوع می کنیم!!!

در جواب می گوئیم: شما شیعیان قیاس را قبول ندارید و در اصول کافی از امام صادق حدیث دارید که ابوحنیفه را لعن کرده به خاطر قیاس کردنش و گفته که دین با

قیاس به دست نیاید. ولی خودتان در اینجا دست به قیاس می زنید و اصول مهم مذهب خود یعنی امامت را با فرعی از فروع دین یعنی تعداد رکعات نماز قیاس می کنید. جالب است که گاهی علمای شیعه می گویند: ما در اصول عقاید قیاس داریم و تنها در فروع دینی قیاس را باطل می دانیم ولی ناگهان می بینیم که در اینجا با فروع دینی نیز قیاس می کنند یعنی تعداد رکعات نماز؛ پس نتیجه می گیریم که شیعه هر جا به نفع خودش باشد قیاس می کند.

از همه مهمتر اینکه اصول دین در جای جای قرآن به طور صریح و روشن و واضح بیان شده تا کسی بهانه ای نداشته باشد؛ اصولی چون توحید و نبوت و معاد؛ ولی امامت که از اصول بسیار مهم دینی نزد شیعیان است و حتی آنرا از نبوت هم بالاتر می برند در قرآن بیان نشده و این اصل مهم چه ربطی به تعداد رکعات نماز دارد؟ در قرآن علاوه بر اصول دینی که بیان شده فروع دین نیز بیان شده؛ مثل نماز و زکات و حتی فروع فروع نیز بیان شده همچون وضو در سوره مائده آیه ۶ ولی امری که واضح است این است که ما باید برای فهم بعضی امور دینی به سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله مراجعه کنیم برای اموری چون تعداد رکعات و غیره؛ و اگر بنا بود در قرآن تمامی نکات ریز و فروع فروع نیز بیان شود می بایست کتابی حجیم در چندین جلد نازل می شد و در انتها باز برای عده ای از مراجع دینی سوالاتی باقی بود و هیچکدام بدون سوال نمی ماندند؛ کافی است شما سری به رساله‌ها و کتب تفسیری ایشان بزنید تا متوجه شوید.

پس قرآن موارد مهم و اساسی و اصولی را بیان نموده و راه بهشت و جهنم را به خوبی نشان داده و چنانچه مسئله امامت و خلافت و جانشینی حضرت علی اینقدر مهم بود حتماً بیان می شد.

پس می بینید که شیعه پاسخ نمی دهد و گاهی نیز جوابهای احمقانه‌ای می دهد همچون اینکه علت نبودن نام علی و مسئله خلافت به خاطر امتحان بوده و خداوند امت اسلامی را امتحان نموده و تنها ما شیعیان از عهده این امتحان بر آمدیم.

ما می گوئیم: آیا خداوند در آخرین کتاب و فرستاده خود چنین کاری می کند؟ و آیا خداوند در خود امر دین امتحان و شبهه ایجاد می کند؟ و با اینکار بهانه را به دست گمراهان می دهد تا در جهان آخرت بگویند ما متوجه نشدیم و دین الهی را به خوبی نفهمیدیم یا اینکه خداوند حجت را تمام می کند و آیات را به طور صریح و روشن و مبین و قابل فهم می فرستد تا کسی بهانه ای نداشته باشد.

آیا قرآنی که حجت است دارای امتحان و پیچیدگی است؟ اینکه دیگر حجت نمی شود؛ حجت یعنی بینه و دلیل روشن و آشکار.

پس موضوع امتحان که در قرآن نیز بیان شده مربوط به مال و فرزندان و... است نه مربوط به خود قرآن و خود دین و اصول مهم آن.

یکی دیگر از پاسخهای شیعیان این است که ذکر نام افرادی که در آینده خواهند بود (مثل امامان) باعث کینه و حسد و دشمنی نسبت به ایشان خواهد شد ولی دلیل ذکر نامهایی چون ذوالقرنین در قرآن این است که این اشخاص مربوط به گذشته بوده اند و از دنیا رفته اند و دیگر کسی نسبت به ایشان حسد و کینه و دشمنی پیدا نمی کند.

در جواب می گوئیم: در سورة الصف آیه ۶ آمده که حضرت عیسی علیه السلام به بنی اسرائیل می گوید: بعد از من پیامبری می آید که نامش احمد است.

پس چطور نام پیامبری که ۶۰۰ سال بعد می آمده بیان شده است ولی نام جانشین بلافصل آخرین پیامبر و یا نام امامان دیگر و امام زمان بیان نشده است؟

و اما در مورد حسد و کینه و دشمنی که شیعه به ان اشاره دارد واقعاً جای بسی خنده دارد چون دلیلی مسخره و بی پایه و اساس است، چون ما می گوئیم: چطور حسد و دشمنی نسبت به اهل بیت ایجاد نشده است؟ از نظر شما تمامی دشمنی ها نسبت به ایشان صورت گرفته و خود شما از همه بیشتر به این دشمنی ها اشاره دارید از ۲۵ سال خانه نشین شدن حضرت علی گرفته تا مضروب شدن حضرت فاطمه و سقط جنین او و

شهادت امام حسین در کربلا و همچنین شهادت امامان دیگر چون امام رضا و حتی غیبت مهدی به دلیل خطر کشته شدنش توسط حاکمان وقت. پس چه حکمتی در نبودن نام ایشان در قرآن است؟ دشمنی، کینه و حسد نسبت به ایشان ایجاد شده پس این دلیل شما مردود است.

وصیت پیامبر در حق اهل بیت به چه معناست؟

۷- در خطبه ۶۷ نهج البلاغه آمده که حضرت علی علیه السلام در مورد ماجرای سقیفه از یارانش می پرسد که انصار در سقیفه چه گفتند؟ و آنها پاسخ می دهند که انصار گفتند: زمامداری از ما و رهبری از شما مهاجرین انتخاب گردد پس حضرت علی علیه السلام فرمود: چرا با آنها به این سخن رسول خدا استدلال نکردید که آن حضرت درباره انصار سفارش فرمود: با نیکان آنها به نیکی رفتار کنید و از بدکاران آنها درگذرید و در این هنگام یارانش از حضرت علی علیه السلام پرسیدند: چگونه این سخن آنها را از زمامداری و خلافت دور می کرد که حضرت علی علیه السلام در پاسخ می گوید: اگر زمامداری و حکومت در آنان بود سفارش کردن در مورد آنها معنایی نداشت.

حال ما در اینجا طبق گفته خود حضرت علی علیه السلام می گوئیم: اگر خلافت فقط منحصر به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است پس چرا اینقدر پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد اهل بیت سفارش می کرده است (شیعه نیز دائم به این سفارشات اشاره دارد) اگر خلافت در بین اهل بیت می بود سفارش مکرر در مورد آنها معنایی نداشت، و به طور مثال ممکن بود مردم در غدیر خم یا جاهایی که شیعه معتقد است علی به عنوان خلیفه بلافصل معرفی می شده است به پیامبر صلی الله علیه و آله بگویند: تو می بایست سفارش ما را به علی بکنی نه سفارش او را به ما، چونکه او پس از تو خلیفه و حاکم بر ما خواهد شد و باید مراقب ما باشد. پس طبق این سخن حضرت علی علیه السلام نتیجه می گیریم که دستوری از سوی

خداوند یا پیامبر ﷺ مبنی بر خلافت در اهل بیت نبوده است، و شما نیز نمی توانید سخن حضرت علی ﷺ را قبول نکنید. در این مورد نیز شیعه جوابی ندارد.

امیر مؤمنان در پست نخست وزیری خلفاء پیش از خود

۸- حضرت علی ﷺ فرموده: مشورت دادن به ظالم همچون شرکت در ظلم اوست. ما می پرسیم: پس چرا خود علی دائم به عمر مشورت می داده است؟ و حتی به قول خود شما عمر بارها و حدود هفتاد بار گفته: چنانچه علی نبود عمر هلاک می شد، و طبق این سخن پس علی حداقل هفتاد بار به عمر مشورت داده است، و چطور دشمن اسلام و غاصب خلافت برای مشورت نزد او می آمده؟!

شما که معتقد هستید عمر غاصب خلافت بوده و ظالم بوده؛ پس چرا حضرت علی به او مشورت می داده است؟! شیعه خواهد گفت: حضرت علی به خاطر اینکه اسلام منحرف نشود به عمر مشورت می داده است.

در جواب می گوئیم: پس طبق این گفته اسلام منحرف نشده است چون حضرت علی با مشورت دادن جلوی انحراف آنرا گرفته و بنابراین تمامی ادعاهای شما مبنی بر تحریف اسلام به خاطر غصب خلافت علی مردود می شود. شیعه می گوید: آن جامعه ایده آل با خلافت علی درست می شده و به خاطر غصب خلافت نشده است.

می گوئیم: شما از طرفی می گوئید: اسلام بسیار بسیار منحرف شده ولی از این طرف می گوئید نخیر منحرف آن چنانی هم نشده و تنها آن جامعه ایده آل درست نشده؛ پس معلوم نیست شما چه می خواهید؟

چه نیکو دشمنانی

و چنانچه حضرت علی به عنوان وزیر و مشاور نتوانسته باشد جلوی انحراف اسلام را بگیرد پس چنانچه خودش هم خلیفه می شده نمی توانسته کاری بکند.

و سوال اصلی ما در اینجاست که اگر عمر ظالم بوده و دشمن اسلام بوده پس چرا برای پیشرفت و کمک به دین اسلام نزد علی می رفته تا از او مشورت بگیرد و این دشمن از کجا می دانسته که علی بهتر از دیگران به او مشورت می دهد؟! این سخن شما همچون این می باشد که بگوئیم: دزدی برای ساختن دستگاه دزدگیری نزد شخصی برود تا به او کمک کند دستگاه دزدگیر را بسازد. آیا هیچ دزدی چنین کاری می کند؟

اگر عمر دشمن اسلام بوده نزد علی نمی رفت تا برای کمک به اسلام از او کمک بگیرد از کسی که به نظر شما از همه برای اسلام بهتر بوده، پس ای کاش اسلام همیشه از این دشمنان داشته باشد.

پرسشهای حیران

۹- چرا در هیچ یک از نامه های حضرت علی به مخالفینش در ۳ جنگ نهروان، جمل و صفین اشاره ای به غدیر و سایر احادیث مورد نظر شیعه یا آیات قرآن که در خصوص علی است نشده است؟

۱۰- اولین کسی که خطبه فدک را نقل کرده احمد بن ابی طاهر است که این خطبه را در کتاب بلاغات النساء از قول زید بن علی نقل کرده در حالیکه زید بن علی ۱۲۰ سال قبل از ایشان شهید شده، پس این چه سندی است؟ و در ضمن خبر واحد هم می باشد.

۱۱- راوی خطبه شقشقیه عکرمه مولا ابن عباس است که از خوارج است و بر همین مذهب مرده است، از کی تا به حال شیعه روایت خوارج را قبول دارد؟ در ضمن خبر واحد هم می باشد.

۱۲- چرا پیامبر ﷺ پس از جنگ احد روی قبر حمزه سیدالشهدا هیچ ساختمانی بنا نکرد؟ و چرا پس از فتح مکه روی قبر حضرت خدیجه محبوبترین همسرش بنایی

نساخت؟ و حتی اگر خلفا را علی قول شما مغرض بدانیم چرا آنها برای عوام فریبی روی قبر پیامبر ﷺ گنبد و بارگاهی نساختند؟ وقتی که بیت المال هم سرشار از پول بوده است.

۱۳- در کتب شیعه داستانهای نقل شده مبنی بر رویت امام زمان توسط مراجع و علمای صالح شیعی (همچون مقدس اردبیلی) و از همان عالم شیعه در مورد جزیره خضرا مطالبی نقل شده است.

هم اکنون همه می دانند چنین جزیره ای وجود ندارد و حتی خود علمای شیعه نیز وجود آنرا منکرند و داستانها و روایات پیرامون این مسئله را رد می کنند.

حال می پرسیم: آیا رویت امام زمان نیز توسط این عالمان دروغ نمی باشد؟ و چطور کسی که با امام زمان در ارتباط بوده در مورد این جزیره اشتباه کرده و از امام زمان سوالی نکرده؟ پس این تضاد را چگونه توجیه می کنید؟

۱۴- چرا حتی یکی از آیات مورد استناد شیعه با آیه قبل و بعد آن نظر شیعه را تایید نمی کند؟ بلکه با حدیث و روایت باید منظور آنرا فهمید؟

۱۵- در سوره بقره آیه ۱۶۵ آمده:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾.

«بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند و آنها را همچون خدا دوست می دارند. اما آنها که ایمان دارند، محبت شان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهاشان)، شدیدتر است. و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند)، هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خداست و خدا دارای مجازات شدید است.»

پس چرا بیشتر شیعیان کربلا را بیشتر از مکه، مفاتیح را بیشتر از قرآن و تکیه را بیشتر از مسجد دوست دارند؟ ممکن است شما این حقیقت را رد کنید ولی خود شیعیان بهتر می دانند که ما راست می گوئیم یا دروغ^۱.

۱۶- حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین می گوید: به لشکریان معاویه ناسزا نگوئید و همینطور در قرآن آمده که به بت‌های مشرکین توهین نکنید.

پس می شود بفرمائید زیارت عاشورا و لعن و نفرینهای در آن چیست؟
آیا شما اهل سنت را از مشرکین زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بی ارزشتر می دانید که به مقدسات ایشان توهین می کنید؟

۱۷- چرا در شهرهای بزرگ ایران همچون تهران مسجدی برای اهل سنت نمی سازید؟ و چرا در این شهرها اجازه ساخت مسجد را به ایشان نمی دهید؟ آیا در کشوری که ادعای وحدت شیعه و سنی را دارد و رهبر خود را ولی امر مسلمین جهان می دانند نباید مسجدی برای اهل سنت که جمعیت بزرگ مسلمین هستند موجود باشد؟^۲

چنانچه در جواب بگوئید: ما شیعیان هم به مکه و مدینه می رویم و در مساجد اهل سنت نماز می خوانیم و مسجد مسجد است و مسجد که شیعه و سنی ندارد، باید بگوئیم: وقتیکه شما به مساجد اهل سنت می روید امری عادی است و کسی از اهل سنت با شما کاری ندارد ولی آیا اگر یک نفر سنی در مسجدی از شیعیان در تهران یا جایی دیگر بیاید و دست به سینه نماز بخواند بقیه مردم چگونه به او نگاه می کنند و آیا کاری با او ندارند و آیا او را مسخره نمی کنند؟

^۱ به عنوان مثال چندین شیعه را می شناسم که بارها و بارها به کربلا رفته اند و می گویند مکه را رها کن و بیا برو کربلا، کربلا بهتر است و صفایی دیگر دارد!!!

^۲ یا چرا شبکه ای در تلویزیون برای اهل سنت نمی گذارید؟ شما که خیلی خود را بر حق می دانید و نباید از این امور بترسید، البته چقدر من ساده هستم چون اینها سایتهای اینترنتی اهل سنت را هم فیلتر می کنند، آنوقت ما شبکه تلویزیونی می خواهیم.

۱۸- در قرآن مسلمین به پیروی دعوت شده اند: ۱- خطاب به پیامبر ﷺ آمده که پیروی کن از آنچه به تو وحی می شود. ۲- خطاب به سایر مسلمین پیروی از اصحاب ذکر شده است.

یعنی روش نشر دین در بلاد و نسل به نسل در طول تاریخ این است که پیامبر مطابق وحی عمل می کرده و اصحاب طبق روش پیامبر ﷺ و آیندگان طبق روش اصحاب، آیا ما این روش کاملاً عقلی و منطقی را رها کنیم و دنبال احادیثی برویم که یک مشت فاسدالمذهب دروغگو که اطراف امامان را گرفته بوده اند نقل کرده اند.

۱۹- حضرت علی علیه السلام صریحاً فرمان داده که بپیوندید به اکثریت و بیشتر مسلمانان (ملتزم شوید به سواد اعظم).

چرا به فرمان او عمل نمی کنید؟ و می گوئید اکثریت اعظم باید بپیوندند به تعداد کمتر؟

۲۰- سی سال است که برای اولین بار در تاریخ ایران تمامی شئون کشور در دست شما و عقاید شماست. چرا میزان تورم، بی عدالتی، تخریب وجهه ایرانیان در سطح بین المللی، دین گریزی جوانان، اعتیاد، بیکاری، طلاق، مشکل مسکن و ازدواج و غیره... نسبت به زمان قبل از انقلاب چندین برابر شده است؟

۲۱- آیا شما شیعیان حاضر به ایجاد وحدت با خوارج هستید؟ اگر حاضر به چنین کاری نیستید و می گوئید خوارج حضرت علی را لعن می کنند و دشمن او هستند، پس چطور انتظار دارید اهل سنت با شما متحد شوند؟ با اینکه شما ابوبکر، عمر، عثمان، عایشه و صحابه را لعن می کنید و با آنها دشمن هستید.

۲۲- شیعه معتقد است که حضرت علی از کودکی نیز به عنوان جانشین پیامبر ﷺ معرفی شده و به برای این ادعا به یوم الانذار اشاره دارد که پیامبر ﷺ خطاب به کسانی که دعوت کرده بود فرموده: هر کس از شما ایمان بیاورد او را به عنوان جانشین خود بر می گزینم، که فقط علی بر می خیزد و قبول می کند.

حال سوال ما این است که مگر مسئله ایمان آوردن معامله است که بگوئیم هرکس ایمان آورد فلان پست و مقام را دارد؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله هیچگاه چنین کاری می کرده که ای مشرکین هر کس ایمان بیاورد فلان مقام و منزلت را صاحب می شود، در قرآن نیز بیان شده که هرکس ایمان بیاورد به نفع خود کار کرده و هرکس ایمان نیاورد به خود ظلم کرده.

سوال بعدی اینکه مشرکین و افراد مقابل هنوز نبوت محمد صلی الله علیه و آله را قبول نداشته اند آنوقت آیا پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر جانشینی خود با آنها گفتگو می کرده است؟

۲۳- شیعه می گوید: مقام امامت و خلافت حضرت علی علیه السلام مقامی الهی است. ما می پرسیم: اگر این مقام الهی بوده پس چرا حضرت علی در جاهای مختلف این مقام را نکوهش کرده، مثلاً فرموده: خلافت از آب بینی بزغاله ای برای من کم ارزش تر می باشد (خطبه ۳ نهج البلاغه) و یا از لنگه کفشی برای من کم ارزش تر است. آیا مقام الهی شایسته اینگونه القاب است؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله هیچگاه چنین سخنانی در مورد نبوت خود گفته بود؟ در خطبه ۵ آمده که پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، عباس و ابوسفیان به حضرت علی پیشنهاد خلافت دادند و می خواستند با او بیعت کنند که در جواب آنان فرمود اینگونه زمامداری چون آبی بدمزه و لقمه ای گلوگیر است.^۳

^۳ شیعه می گوید: حضرت علی از نیت ابوسفیان آگاه بوده، چون ابوسفیان قصد داشته ایجاد جنگ و تفرقه کند، در جواب می گوئیم: اولاً: موضوع بر سر القابی است که حضرت علی به خلافت داده چون آب بدمزه و لقمه گلوگیر و ثانیاً: چنانچه امری به این مهمی از جانب خدا بوده که جزء اصول مهم دین است و ترک آن موجب انحراف اسلام می شده، پس علی می توانسته قیام کند و البته پس از آن اجازه دخالت و تفرقه اندازی به ابوسفیان ندهد و اگر امام هدایتگر مردم جهان نتواند چنین امور ساده سیاسی را انجام دهد و خداوند و فرشتگان و داشتن علم غیب هم به او کمکی نکند، پس معلوم می شود ادعاهای شما باطل است.

ابوبکر در تیرس

۲۴- در رابطه با شورش اهل رده شیعه دائم به ابوبکر و اصحاب ایراد می گیرد که چرا ایشان مانع الزکات را کشته اند و می گویند: ای وای بر آنها گوینده لا اله الا الله را کشتند!!!

باید گفت: در ج ۵۲ بحار الأنوار باب سیره و أخلاقه و عدد أصحابه در خبر دوم از حضرت صادق و موسی بن جعفر نقل کرده که اگر قائم قیام کند به ۳ چیز حکم می کند که احدی از ائمه و پیغمبران حکم نکرده اند، شیخ زانی را می کشد و مانع الزکاة را می کشد و ارث برادر به برادر دینی که در عالم اشباح برادر بوده اند، می رسد. از شیعیان می پرسیم: چرا امام زمان مانع الزکات را می کشد؟ از شیعیان می پرسیم: چرا حضرت علی ۴۰۰۰ نفر گوینده لا اله الا الله را در جنگ نهروان کشت؟ ۴۰۰۰ نفری که نه تنها لا اله الا الله می گفته اند بلکه حافظ سوره های قرآن هم بوده اند^۴.

تأویلی شاخ دار!

۲۵- حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۲ نهج البلاغه فرموده: «مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید». و فرموده: «من وزیر و مشاور باشم بهتر است تا خلیفه و حاکم» (یعنی تا کنون مشاور و وزیر خلفا بوده ام). در اینجا باز عالم شیعی می گوید: منظور حضرت علی از اینکه مرا رها کنید این بوده که شما توان عدل مرا ندارید!!! می پرسیم: چرا پیامبر صلی الله علیه و آله به کفار و مشرکین مکه این جملات را نگفت؟، طبق این عقیده، پیامبر صلی الله علیه و آله هم باید به اهالی مکه می گفته شما تحمل قوانین سخت اسلام را ندارید و توان از بین بردن

^۴ ۴۰۰۰ نفری که چون مسیلمه کذاب ادعای نبوت نداشته اند، ۴۰۰۰ نفری که سوره های جعلی نمی ساخته اند، برآستی اگر بنا به ایراد گرفتن باشد دست چه کسانی پرتر است؟ البته اهل سنت عاقل هستند و راه شیعیان را نمی روند و حضرت علی را قبول دارند و هیچگاه به او توهین نمی کنند، بنابراین باید گفت: آفرین بر اهل سنت.

بتهایی که اجداد شما می پرستیده اند را ندارید و تحمل خواندن نماز در پنج وقت را ندارید یا تحمل یک ماه روزه داری یا دادن زکات و یا بقیه قوانین اسلام را، مگر حضرت علی علیه السلام می خواسته چکار بکند؟، کارهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله در همان ابتدای بعثت با آن فرهنگ جاهلیت و تعصب مردم انجام داد بسیار سخت تر بود.

حضرت علی و مردم سالاری

۲۶- حضرت علی در نهج البلاغه نامه ۶ به معاویه فرموده: «همان کسانی با من بیعت کردند که با ابوبکر و عمر و عثمان با همان شرایط بیعت کردند پس آنکه در بیعت حضور داشته نمی تواند خلیفه ای دیگر انتخاب کند و آنکه غایب بوده نمی تواند بیعت مردم را نپذیرد. همانا شورای مسلمین از آن مهاجرین و انصار است.»

در مقابل این نامه علمای شیعه دوباره دست به تاویل و بازی با کلمات می زنند و می گویند: در این نامه حضرت علی با زبان خود معاویه با او صحبت می کرده است!!! چون معاویه امامت او از جانب خدا را قبول نداشته و شورای مسلمین را قبول داشته پس امام هم به شورای مهاجرین و انصار اشاره کرده است.

ما نمی دانیم چرا هر چه در احادیث و تاریخ به نفع شیعه است آنها فوری آن را می پذیرند، ولی هرچه به ضرر آنهاست فوری شروع می کنند به تاویل و تغییر دادن معنا و مفهوم آن، آیا به راستی اصول دین خدا نیازی به تاویل و تفسیر دارند؟ و اگر واقعاً شیعیان در این مسائل حق دارند پس چرا اینقدر در اثبات آنها توضیحات لازم است؟ چرا پیامبر صلی الله علیه و آله با زبان ابوجهل و ابولهب با آنها صحبت نکرد؟ و به طور صریح گفت: من از جانب خدا برای هدایت مردم و نابودی بتها آمده ام، اگر واقعا امامت از سوی خدا بوده نباید در تبلیغ آن کوتاهی کرد، تازه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله شرایط بسیار سخت تر و تعداد یاران او کمتر بوده تا در زمان حضرت علی که خود خلیفه بوده است، و از همه اینها گذشته گیریم که در این نامه حضرت علی با زبان خود معاویه صحبت کرده، اما حضرت

علی علیه السلام همین سخنان را در مدینه نیز خطاب به تمامی مردم گفته است، آیا آنجا هم داشته در پرده سخن می گفته؟ یا به زبان مردم آنجا سخن می گفته؟، در نهج البلاغه در خطبه ۱۷۳ در مورد ویژگیهای رهبر اسلامی فرموده: «اگر شرط انتخاب رهبر حضور تمامی مردم باشد هرگز راهی برای تحقق آن وجود نخواهد داشت، بلکه آگاهان دارای صلاحیت و رای و اهل حل و عقد رهبر و خلیفه را انتخاب می کنند که عمل آنها نسبت به دیگر مسلمانان نافذ است، آنگاه نه حاضران بیعت کننده حق تجدید نظر دارند و نه آنان که در انتخابات حضور نداشتند حق انتخابی دیگر خواهند داشت».

بی رغبتی در خلافت

۲۷- حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۰۵ در جواب طلحه و زبیر فرموده: «به خدا سوگند من به خلافت رغبتی نداشته و به ولایت بر شما علاقه ای نشان نمی دادم و این شما بودید که مرا به آن دعوت کردید و آن را بر من تحمیل کردید».

می پرسیم: آیا کسی نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر وی تحمیل کرده بود؟ یا خود پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خدا مامور بدان بود؟، پس چرا حضرت علی علیه السلام در این جا نسبت به خلافت الهی فرموده: علاقه ای بدان نداشتیم و شما آنرا بر من تحمیل کردید؟ پس نتیجه می گیریم که دستوری از جانب خداوند نبوده، و گرنه اولین مقصر خود حضرت علی می شود که در گرفتن آن کوتاهی کرده و شما مطمئن باشید اگر دستوری از جانب خداوند بود حضرت علی علیه السلام اجازه نمی داد احدی آنرا پایمال کند و همینطور اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله آن دستور را انجام می دادند و به کسی اجازه نافرمانی در امر الهی را نمی دادند.

علی تقیه نمی کند

۲۸- طبق خطبه ۸ نهج البلاغه تقیه در بیعت رد می شود، در این خطبه حضرت علی در مورد بیعت حضرت زبیر فرموده: «زبیر می پندارد با دست بیعت کرده نه با دل، پس

به بیعت با من اقرار کرده ولی مدعی انکار بیعت با قلب است، بر او لازم است بر این ادعا دلیل روشنی بیاورد یا به بیعت گذشته بازگردد». پس بیعت علی با ابوبکر، عمر و عثمان تقیه نبوده است.

در زیر تیغ

۲۹- در جریان هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه حضرت علی در رختخواب پیامبر می خوابد و از طرفی شیعه معتقد است که پیامبر ﷺ از قبل و در یوم الانذار علی را به عنوان جانشین خود معرفی کرده بود.

حال سوال ما اینجاست که وقتی مشرکین به داخل منزل پیامبر ﷺ ریختند تا او را بکشند و بجایش جانشین او را در رختخواب دیدند پس چرا اقدام به قتل جانشین او نگرفتند؟ چون جانشین هرکس بسیار مهم است، و پس از شخص مذکور امور را به دست خواهد گرفت، مخصوصاً در مورد پیامبر ﷺ و حضرت علی، چونکه پیامبر بیش از پنجاه سال داشته و علی جوانی در حدود بیست ساله بوده و پس از او مدتها حکومت می کرده است.

حجتهای ساختگی

۳۰- حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۰ نهج البلاغه فرموده: «حجت خدا با پیغمبر ما محمد ﷺ تمام شد» (تمت بنبينا محمد حجت)، پس چرا شیعه امامان را حجت می داند؟

۳۱- آیا اگر حدیث و روایت را از شیعه بگیریم دیگر چیزی برای گفتن دارد؟

ایمان در خطر!

۳۲- در روایتی از شیعیان نقل شده که حضرت علی از پیامبر در مورد فضیلت ماه رمضان سوال می کرد که پیامبر ﷺ اندوهگین می شود و می گوید: گویا بدترین خلق

را می بینم که در این ماه تو را به شهادت می رساند و...، حضرت علی می پرسد: آیا در آن هنگام ایمان من به سلامت خواهد بود یا خیر؟ که پیامبر ﷺ جواب مثبت می دهد. سوال ما این است که چطور امام معصوم از درستی ایمان خود سوال می کند؟ مگر شخص معصوم کافر از دنیا می رود یا ناقص الایمان؟ چطور امام هدایتگر مردم جهان نمی داند خودش با ایمانی سالم به آن دنیا می رود یا خیر؟ این چگونه امام، خلیفه من عندالله، معصوم و هدایتگر است؟ چطور امام مسئله ای به این مهمی را نمی دانسته؟ مگر علم غیب نداشته؟ مگر در اصول کافی حدیثی نیست مبنی بر اینکه امامان قاتل خود را می شناسند و از زمان مرگ خود باخبرند و حتی به اختیار خویش می میرند، پس چرا حضرت علی از پیامبر می پرسیده، مگر خودش نمی دانسته؟

دروغهای شاخدار

۳۳- در احادیث مورد قبول شیعه آمده که تعیین کنندگان وقت ظهور کذاب و دروغگو هستند، سوال ما این است که چرا مراجعی چون آیت الله بهجت در هنگام قنوت خود گفته که قاتل امام زمان به دنیا آمد یا آخوندها و مراجع دیگر نیز گهگاه تعیین وقت می کنند و سر مردم را گرم می کنند، مثلاً در جریان جنگ آمریکا با عراق می گفتند: در احادیث آمده که در آخرالزمان در عراق جنگی صورت می گیرد که بر سر طلای سیاه است و آن نفت است، یا می گویند: سفیانی در ارتش فلان کشور دیده شده است و مزخرفات دیگر، پس آیا این تعیین کنندگان وقت ظهور جزء کذابین نیستند و چرا مراجع دیگر آنها را رسوا نمی کنند؟ البته دلیل آن روشن است چون امام زمانی وجود ندارد و شما به این بهانه حکومت را در دست گرفته اید و زمام عقل و دین مردم را در اختیار دارید.

۳۴- در اصول کافی باب صفة العلم حدیثی آمده به این عنوان: همانا پیامبران درهم و دینار ارث ننهادند. پس چرا شیعه دائماً به فدک و ارث فاطمه از پدرش اشاره می کند؟

حدیث قرطاس و اهانت به پیامبر

۳۵- شیعه دائم به حدیث قرطاس اشاره دارد که در آن پیامبر ﷺ تقاضای قلم و دوات می کند و...، اما سوالات:

- چطور پیامبر در آن ۲۳ سال به یاد این مطلب نبوده و در هنگام رحلت به یاد آن افتاد؟ آیا معقول است امری مهم را تا آن لحظه به تاخیر انداخت؟ آیا بهتر نبوده که اولاً: پیامبر ﷺ پس از جریان غدیر خم در مدینه (در پایگاه خلافت) نیز برای علی اخذ بیعت کند در صورتیکه چنین نکرده، ثانیاً: برای مدتی علی را خلیفه کند و خودش هم نظارت داشته باشد یا او را پیش نماز کند و امور مهم را به او بدهد تا این امر در ذهن مردم جا بگیرد و امری عادی باشد، در صورتیکه پیامبر چنین نکرده.

- کی و کجا پیامبر ﷺ به خاطر سخن کسی مطلب و دستور الهی را بیان نمی کند؟^۵ چطور پیامبر ﷺ از ابوجهل، ابولهب و مشرکین مکه نترسید و سخنانی بزرگتر از این گفت، از نابودی بتها و خدایان کعبه و باطل بودن تثلیث در مسیحیت و غیره...، و چنانچه شیعه بگوید در روایات دیگر ما آمده که پیامبر پس از بیرون رفتن اصحاب سخن خود را به علی گفته، باید بگوییم: بحث ما در مورد این حدیث است نه احادیث دیگر،

^۵ شیعه این سخنان را در مورد غدیر خم هم بیان می کند که جبرئیل چند بار آمد و دستور خلافت علی را داد ولی پیامبر در ابلاغ آن مردد بود تا آیه آمد که چنانچه بیان نکنی مانند این است که رسالت خویش را انجام نداده ای و در غدیر خم این امر صورت می گیرد، البته جالب اینجاست که وقتی نوبت به ابلاغ مطلب اصلی می شود پیامبر از کلمه مولی استفاده می کند که ۲۷ معنی دارد و تاکنون بین شیعه و سنی بر سر معنای خلافت نزاع است، آیا شخص فصیحی چون پیامبر اینگونه عمل می کند؟!، آن هم با دستور الهی.

- شما که بر این امر تاکید دارد و در کتبی چون سلیم بن قیس هلالی^۶ آمده و در ضمن امر الهی باید به همه ابلاغ شود و مگر اصحاب پیامبر ﷺ از مشرکین مکه بدتر بوده اند؟
- شما که می گوئید: عمر گفته: پیامبر هذیان می گوید، و با این سخن او بین طرفداران علی و اصحاب دیگر کشمکش ایجاد شده، پس در واقع یاران علی نیز در جلوی پیامبر ﷺ صدای خود را بالا برده اند و درگیر شده اند و مقصر هستند.
- مگر به عقیده شما دو ماه قبل از این جریان پیامبر ﷺ حضرت علی را به عنوان جانشین خود معرفی نکرده بود؟ مگر برای او بیعت نگرفته بود؟ پس تکرار آن برای چه بوده؟ و کسانی که دستور الهی را زیر پا بگذارند و بیعت خود را بشکنند آیا به نوشته پیامبر اهمیت می دهند؟
- پیامبر ﷺ امی و بیسواد بوده، ولی در این حدیث فرموده: قلم و دوات بیاورید تا بنویسم (اكتب) در صورتیکه باید می گفته املاء کنم (املی).
- پیامبر ﷺ که سخن خود را نگفته پس شما از کجا فهمیدید که منظور او بیان خلافت علی بوده؟ شاید منظورش ابوبکر بوده؟ و همانطور که قبلاً نیز گفتم نمی توانید به سلیم بن قیس و کتب دیگر اشاره کنید و بگویید در آنجا پیامبر سخن خود را گفته.
- اصول دین می بایست در قرآن به طور صریح بیان شوند نه اینکه با حدیث ثابت شوند و تازه در این حدیث هم پیامبر ﷺ چیزی نگفته، پس این چه اصولی است؟ این چه اصولی است که به خاطر سخن یکنفر (عمر به عقیده شیعه) بیان نمی شود؟
- طبق این حدیث پیامبر ﷺ چیزی را که موجب هدایت امت بوده و از گمراهی آنها جلوگیری می کرده، نگفته است، پس یعنی همه مسلمین گمراه هستند؟

^۶ کتاب سلیم بن قیس مملو از دروغ است و خود علمای شیعه هم آنرا رد کرده اند علمایی چون شیخ مفید، کافی است خودتان آنرا بخوانید تا به مزخرفاتش پی ببرید ولی ظاهراً خرافایون و تفرقه افکنان خیلی این کتاب را دوست دارند، چون دکان خوبی برای آنهاست.

حقایق پنهان

۳۶- چرا هیچ وقت آخوندها بالای منبر موارد زیر را به شیعیان نمی گویند با اینکه خودشان این موارد را قبول دارند:

- جمله **أشهد أن علياً ولي الله و أشهد أن علياً حجة الله** جزء اذان و سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیست، و ما تنها برای تبرک می گوییم!!^۷

- عزاداری و سینه زنی و زنجیر زنی جزء سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیست و جزء آداب و رسوم خود ما می باشد.^۸

- گذاشتن مهر در نماز جزء سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیست و در زمان نبی اکرم چنین چیزی نبوده و ما به خاطر سجده بر خاک این مهر را اختراع کرده ایم.^۹

- چرا به مردم نمی گوئید که نام هیچ یک از امامان در قرآن نیست؟ همینطور نام فاطمه زهرا.

- چرا در مورد ازدواج ام کلثوم دختر فاطمه زهرا با عمر بن خطاب و ازدواج دو دختر از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله با عثمان، سخنی نمی گوئید؟

- چرا به مردم نمی گوئید که مولوی، سعدی، خیام، عطار نیشابوری، نظامی، سنائی، ابن سینا، غزالی و بسیاری دیگر از مشاهیر ایرانی دارای مذهب اهل سنت بوده اند؟

^۷ نمی دانم از کی بدعتها هم متبرک شده اند؟!!!

^۸ البته این ادعا نیز باطل است چون همه مردم این امور را به نام دین و اهل بیت می دانند و هر چیز هم که جزء آداب و رسوم باشد صحیح نیست چون نوحه سرایی در اسلام باطل است و جزء اعمال جاهلی به شمار می رود و شیعیان کشورهای عربی نیز این امور را انجام می دهند، پس آیا جزء آداب رسوم آنها نیز می باشد؟

^۹ واقعاً خنده دار است که پیامبر صلی الله علیه و آله از تکنولوژی پیچیده تبدیل خاک به مهر بی اطلاع بوده و آنرا به علی نیاموخته ولی از طرفی می گویند: علوم گذشته و آینده در سینه امامان است!!!

و البته دلیل بیان نکردن این موضوعات روشن است، چون ممکن است در ذهن یکی از شیعیان جرقه ای بخورد و بخواهد خودش به فکر تحقیق بیفتد و در آن هنگام مشت شما باز خواهد شد و پول خمس تعطیل خواهد شد و دکان شما بسته خواهد شد و صدها اتفاق ناگوار دیگر به وقوع می پیوندد.

دیانت و سیاست

۳۷- آخوندها و مراجع شیعه دائم می گویند: دیانت ما عین سیاست ماست^{۱۰}، سوال ما این است که چرا نام خلیج فارس را خلیج اسلامی یا خلیج مسلمین نمی گذارید؟ مگر شما جمهوری اسلامی نیستید؟ چرا در اینجا به سیاست و منافع دیگر می چسبید و به دیانت کاری ندارید؟

جامعه تا ابد نوپاست!

۳۸- پس از انقلاب و حتی هم اکنون و پس از گذشت سی سال از آن، بارها و بارها دیده شده که آخوندها و حتی جناب خامنه ای^{۱۱} بر بالای منبر گفته است: هنوز جامعه ما بطور کامل اسلامی نشده است و ما باید بیشتر تلاش و کوشش به خرج دهیم تا معایب خود را رفع کنیم.

واقعاً که ما نمی دانیم به این مغرضان چه بگوئیم؟ به جناب خامنه ای باید گفت: چطور مکتب تشیع پس از گذشت ۱۴۰۰ سال کار آکادمیک در حوزه ها و توسط علمای مختلف خود و همینطور با داشتن حکومت‌های مختلفی چون صفویه و آل بویه و همینطور پس از گذشت سی سال از انقلاب خود در ایران و داشتن حکومت ولایت فقیه باز هم

^{۱۰} البته بهتر است بگویند: دیانت ما نردبانی برای سیاست ماست.

^{۱۱} حتی جناب خامنه ای در تلویزیون می گفت: ما برای گرفتن حکومت انقلاب نکرده ایم بلکه برای برقراری اسلام انقلاب کرده ایم!!!، ظاهراً جناب ولی فقیه فراموش کرده که دیانت ایشان عین سیاست ایشان می باشد و شعار اصلی انقلاب یکی بودن دین با سیاست است، حال چطور برای دین و اسلام انقلاب صورت گرفته نه برای سیاست و حکومت؟! از قدیم گفته اند: دروغگو کم حافظه است.

نتوانسته اسلام واقعی را پیاده کند؟ و هنوز دارای معایبی می باشد، آنوقت شما از صبح تا شام نشسته اید و به حکومت ابوبکر، عمر و صحابه ایراد می گیرید که چرا در تعداد تکبیرها یا موارد دیگر اختلاف کردند؟! یا چرا فلان کار را درست انجام ندادند؟!

آیا اسلام نوپایی که در آنوقت وجود داشته باید از هرگونه لغزشی بر کنار می بوده است؟ ولی حکومت شما پس از سی سال نتواند اسلام واقعی را پیاده کند.

البته ای کاش حکومت شما تنها معایبی جزئی داشت، در صورتیکه ما می دانیم تنها کار شما خرابکاری و به انحطاط بردن اسلام و ترویج خرافات بوده است نه معایبی جزئی.

دلیل برای دشنام!

۳۹ - علمای شیعه برای توجیه لعن و نفرینهایی که می کنند روایاتی را از کتب اهل سنت بیرون می کشند همچون اینکه روزی در مقابل پیامبر ﷺ شخصی به ابوبکر توهین کرد و ناسزا گفت و پیامبر ﷺ سکوت کرده و مانع این امر نشده است!!^(۱۲).

۱۲- این روایت مخالف است با روایتی که در صحیح بخاری آمده که رسول خدا ﷺ بخاطر خشمگین شدن ابوبکر صدیق ﷺ به خشم آمدند. عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ ﷺ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ أَخِذًا بِطَرْفِ ثَوْبِهِ حَتَّى أَبْدَى عَنْ رُكْبَتِهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «أَمَّا صَاحِبُكُمْ فَقَدْ غَامَرَ». فَسَلَّمَ وَقَالَ: إِنِّي كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَ ابْنِ الْخَطَّابِ شَيْءٌ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، ثُمَّ نَدِمْتُ فَسَأَلْتُهُ أَنْ يَعْفِرَ لِي فَأَبَى عَلَيَّ، فَأَقْبَلْتُ إِلَيْكَ، فَقَالَ: «يَعْفِرُ اللَّهُ لَكَ يَا أَبَا بَكْرٍ» ثَلَاثًا. ثُمَّ إِنَّ عُمَرَ نَدِمَ فَأَتَانِي مُنْزِلَ أَبِي بَكْرٍ، فَسَأَلَ: أَأَنْتَ أَبُو بَكْرٍ؟ فَقَالُوا: لَا. فَأَتَانِي إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَسَلَّمَ فَجَعَلَ وَجْهَ النَّبِيِّ ﷺ يَتَمَعَّرُ حَتَّى أَشْفَقَ أَبُو بَكْرٍ، فَحَنَّا عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَاللَّهِ أَنَا كُنْتُ أَظْلَمَ مَرَّتَيْنِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي إِلَيْكُمْ فَقُلْتُمْ كَذَبْتَ وَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ، وَوَأَسَانِي بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ، فَهَلْ أَنْتُمْ تَارِكُوا لِي صَاحِبِي؟» مَرَّتَيْنِ، فَمَا أُودِي بَعْدَهَا. (بخاری: ۳۶۶۱)

ترجمه: ابو درداء ﷺ می گوید: نزد نبی اکرم ﷺ نشسته بودم که ابوبکر ﷺ آمد در حالی که گوشه لباسش را گرفته و به اندازه ای بالا زده بود که زانویش، دیده می شد. نبی اکرم ﷺ فرمود: «دوست شما، خود را دچار مشکلی کرده است». ابوبکر سلام کرد و گفت: بین من و پسر خطاب بگو مگو پیش آمد. او را خشمگین کردم. سپس پشیمان شدم و از او خواستم تا مرا ببخشد. ولی او نبخشید. بدینجهت، خدمت شما

بنابراین، این نشان می دهد که لعن، نفرین و توهین به ابوبکر اشکالی نداشته و ما نیز می توانیم اینکار را انجام دهیم، هر چند که این روایت دروغ است و اساسی از صحت به خاطر مخالفت با روایتی که در کتاب صحیح بخاری اهل سنت آمده است تناقض دارد ولی متأسفانه روافض به دروغ و تهمت ناروا به هیچ کس ابایی ندارند.

سوال: طبق قرآن پیامبر ﷺ برای مسلمین الگو و اسوه حسنه است، ما می پرسیم: اعراب و اشخاصی که در زمان پیامبر ﷺ به دین اسلام روی می آوردند یا حتی مسلمین فعلی و کسانی که می خواهند پیامبر ﷺ را اسوه خویش قرار دهند آیا دچار گمراهی نمی شوند؟! چون از طرفی می بینند که پیامبر ﷺ توهین و ناسزا به ابوبکر را خوب می داند ولی از طرفی دیگر دختر همین ابوبکر را به همسری قبول می کند و اموال او را در راه اسلام خرج می کند و همراه او از مکه به مدینه هجرت می کند و اینقدر او را به خود نزدیک می کند که حتی افراد تازه وارد او را با پیامبر ﷺ اشتباه می گرفتند، و به علت همین دوستی نزدیک او با پیامبر ﷺ بوده که صحابه او را به عنوان جانشین پیامبر ﷺ قبول می کنند، وگرنه مسلمین دیگری نیز در آن زمان بوده اند همچون کسانی که در فتح مکه مسلمان شدند، ولی بطور حتم آن دوستی و نزدیکی خاص ابوبکر را نداشته اند.

رسیدم. رسول خدا ﷺ فرمود: «ای ابوبکر! خداوند تو را ببخشد». و این جمله را سه بار تکرار کرد. سر انجام، عمر نیز پشیمان شد و به خانه ابوبکر رفت و پرسید: ابوبکر اینجاست؟ گفتند: خیر. آنگاه، نزد نبی اکرم ﷺ آمد و سلام کرد. با دیدن او، چهره پیامبر خدا ﷺ داشت دگرگون می شد. ابوبکر ترسید (که مبدا رسول خدا ﷺ به او چیزی بگوید) لذا دو زانو نشست و گفت: یا رسول الله! سوگند به خدا که من کوتاهی کرده‌ام. و این جمله را دو بار، تکرار کرد. نبی اکرم ﷺ فرمود: «همانا خداوند مرا به سوی شما مبعوث کرد. شما مرا تکذیب کردید و ابوبکر مرا تصدیق کرد و با جان و مالش، مرا همراهی نمود. آیا دوستم را برایم می گذارید؟» و این جمله را دو بار تکرار نمود. بعد از آن، هیچ کس ابوبکر را اذیت نکرد. (مصحح)

پس آیا اینها تناقض نیست؟ آیا پیامبر ﷺ شخصی را دائم به خود نزدیک می کرده ولی ناگهان در جایی دیگر او را طرد می کرده است؟! آیا این امور عقلی و منطقی است؟! (برای شیعه هست)

مورد بعدی اینکه پیامبر ﷺ در مورد اشخاصی که به خودش نیز توهین می کرده اند سکوت اختیار می کرده و صبر پیشه می کرده، چون همانطور که گفتیم اسوه و الگوی مسلمین دیگر بوده است.^{۱۳}

مورد بعدی اینکه چرا شما بطور گزینشی عمل می کنید و احادیث مورد پسند خود را بیرون می کشید؟! احادیث فراوان دیگری نیز موجود هستند که پیامبر ﷺ مردم را از ناسزا گفتن به اصحابش منع کرده و این در مورد حضرت ابوبکر نیز صادق است، و حتی احادیث بسیاری در مدح حضرت ابوبکر وجود دارند ولی ظاهراً چشمان شیعه آنها را نمی بیند و البته آیات قرآن نیز گواه این امر هستند و در آیات بسیاری از مهاجرین و انصار تمجید شده است.

مورد دیگر اینکه علمای شیعه توجه داشته باشند که چنانچه شخصی ابوبکر را در حضور پیامبر ﷺ مورد سرزنش قرار داده در واقع اینکار را در برابر رحمة للعالمین انجام داده نه در برابر خمینی یا خامنه ای که چنانچه کسی نگاه چپ به این افراد بکند حسابش با کرام الکاتبین است.

دیدار با امام زمان

۴۰- سوال بعدی پیرامون رویت امام زمان است.

^{۱۳} در دوران خلافت ابوبکر و عمر نیز بارها می شده که شخصی به ایشان اعتراض می کرده و البته ایشان منطقی برخورد می کرده اند.

در مجلات داخلی ایران مرتب می خوانیم که افراد بسیاری در قم یا جاهای دیگر پیدا شده اند که ادعای مهدویت داشته اند و این افراد کذاب توسط نیروهای قضایی دستگیر و روانه زندان شده اند.

حال می پرسیم: آیا رویت مهدی که در گذشته توسط شیعیان صورت گرفته و داستانهای آن نیز در کتب مختلفی ثبت شده، آیا احتمال نمی دهید که آن افراد نیز اشخاصی کذاب بوده اند و آن فرد شیعی را فریب داده اند؟! فراموش نکنید که در گذشته دستگاههای قضایی خیلی پیشرفته نبوده اند تا این کذابین را دستگیر کنند.

عمر در پی ابوبکر

۴۱- شیعیان مرتب خطاب به اهل سنت می گویند: طبق عقیده شما چرا پیامبر ﷺ جانشینی تعیین نکرده ولی ابوبکر تعیین کرده و عمر را بجای خود گذاشته؟! سوال ما این است که شما شیعیان منکر قیاس هستید و در کتب خود (مثل اصول کافی) احادیثی دارید همچون اینکه امام شما ابوحنیفه را لعن کرده (بخاطر قیاس کردنش) و دین با قیاس به دست نیاید و قیاس عمل شیطان است و... حال می پرسیم که؛ پس چرا خودتان قیاس می کنید؟ چرا ابوبکر را با پیامبر ﷺ قیاس می کنید؟ چرا غیر نبی را با نبی قیاس می کنید؟ و لازم به تذکر است که مردم با حضرت عمر بیعت کرده اند و باعث خلافت او شده اند نه اینکه به زور و بطور انحصاری عمر توسط ابوبکر خلیفه شده باشد. پیامبر ﷺ فرستاده خدا بوده و کاری را بدون اذن الهی انجام نمی داده، آن هم کاری به این مهمی، یعنی جانشینی و خلافت.

هر عمل پیامبر ﷺ بنام دین تمام می شده و چنانچه خطایی از خلفای بعدی سر می زده، همه مردم آنرا از دید اسلام، قرآن و پیامبر ﷺ می دیده اند، همچون زمانی که خالد بن ولید به اشتباه اقدام به کشتن عده ای کرد و پیامبر ﷺ از این عمل اندوهگین شد و از آن اظهار برائت کرد.

از همه گذشته، چرا حضرت علی جانشینی انتخاب نکرد؟ و به هنگام رحلت فرمود: هرکاری خواستید بکنید.

زبان عربی زیر سؤال

۴۲- وقتی به علمای شیعه بگوییم: در آیه ولایت که مور ادعای شماست، ﴿الَّذِينَ﴾ آمده، و ﴿الَّذِينَ﴾ جمع است، و چطور برای یک نفر (حضرت علی) آمده است؟ در جواب می گویند: این جمع برای تکریم و احترام به حضرت علی بوده است، نه جمعی که چند نفر بوده باشند!!!

می پرسیم: پس چطور این تکریم در مورد پیامبر اسلام نیست؟ و در بسیاری از آیات قرآن با انت (تو) یا ضمیر «ک» و... به او خطاب شده است، آیا شما علی را بالاتر از پیامبر اسلام می دانید؟!!!

تیری شکسته!

۴۳- علمای شیعه می گویند: آیا قهر کردن حضرت فاطمه با ابوبکر دلیل بر نامشروع بودن خلافت ابوبکر نیست؟ و آیا این دلیل بر خلافت الهی علی و حقانیت او نیست؟

سوال: از علمای شیعه می پرسیم: مگر شما امامت و خلافت حضرت علی را جزء اصول دین نمی دانید؟ و مگر امور مربوط به دین از قرآن و سنت به دست نمی آید؟ پس می شود بفهمانید که قهر کردن فاطمه چه ربطی به اثبات امامت علی دارد؟! شما می بایست این ادعای دینی خود را از کتاب و سنت به اثبات برسانید، نه از قهر کردن فلان با فلان. شما قصد دارید از هر چیزی که شده خلافت علی را بیرون بکشید.

عمر داماد علی

۴۴ - ام کلثوم دختر حضرت علی به همسری عمر بن خطاب در آمده است (به تواتر در کتب مختلف ثبت شده، حتی کتب شیعه همچون: کافی، بحار الانوار، تهذیب و تاریخ یعقوبی).

سوال: مگر در اسلام نیامده که با هم کفو خود ازدواج کنید؟ پس چرا حضرت علی به این قانون اعتنایی نداشته است؟!

فراموش نکنید که دختر گرفتن از شخصی با دختر دادن به او تفاوت دارد و دختر دادن بسیار مهمتر است. (شما می توانید از اهل کتاب دختر بگیرید، ولی نمی توانید به آنها دختر بدهید).

زحمات پیامبر به باد فناء

۴۵ - شیعه معتقد است که پس از رحلت نبی اکرم ﷺ بیشتر اصحاب ایشان مرتد شدند، چونکه دستور مهم خلافت و جانشینی حضرت علی را زیر پا گذاشتند و در سقیفه بنی ساعده جمع شدند و ابوبکر را به خلافت برگزیدند.

شیعیان در واقع ابوبکر و عمر و عثمان را غاصب خلافت الهی میدانند و همینطور ظالم و ستمکار و به همین خاطر ایشان را لعن و نفرین می کنند و بغض و کینه ایشان را به دل دارند و معتقد هستند که همیشه باید امامی من عندالله و حجتی از جانب خدا بالای سر مردم باشد تا امت اسلامی به انحراف نروند.

سوال: طبق این عقیده حاصل دسترنج پیامبر اسلام در ۲۳ سال زحمت و مجاهدت و نزول وحی و فرشتگان، فقط عده ای خاص و اندک شده است و شیعه از طرفی دیگر معتقد است که همیشه باید حجتی از جانب خدا برای مردم وجود داشته باشد، با این تفاسیر ما می پرسیم که چنانچه امام زمان شما و حجت الهی شما نیز ظهور کند و مانند پیامبر اسلام بر مردم حکومت کند، باز چه تضمینی می دهید که در انتهای کارش اصحاب و یارانی مرتد تحویل اجتماع ندهند؟!!!

وقتی پیامبر اسلام با آن عظمتش و با آن کمکی که از جانب وحی الهی و فرشتگان داشته در انتها یارانش مرتد شده اند، پس دیگر چه انتظاری از مهدی صاحب الزمان شما می رود؟ آیا او بالاتر و برتر از پیامبر اسلام است؟! آیا او کارش را بهتر از پیامبر اسلام انجام می دهد؟! آیا او دارای معجزات و امدادهای بیشتری از جانب خداست؟! آیا این تحقیر مقام پیامبر ﷺ نیست؟!!!

هجوم به خانه فاطمه

۴۶- یکی از دلایل دشمنی شیعیان با عمر بن خطاب، خلیفه دوم، بخاطر یک سری از روایات است، و طبق آن شیعیان معتقدند که عمر و اطرافیان او به خانه ای که فاطمه در آن بوده، هجوم برده اند و درب منزل را سوزانده اند و باعث شهادت فاطمه زهرا و حتی جنین داخل شکمش شده اند که نامش محسن بوده است.

سوال: لطفاً صحت این روایت را ثابت کنید و فراموش نکنید منظور ما تنها و تنها اثبات موارد زیر بطور کامل است نه چیزی دیگر که بصورت مبهم و گوشه و کنایه باشد:

۱- آتش زدن منزل یا درب منزل.

۲- سقط جنین.

۳- شهادت فاطمه زهرا بخاطر این هجوم.

حتی روایاتی که در کتب اهل سنت پیرامون این مسئله موجود است و علمای شیعه نیز دائم به آنها اشاره دارند تنها تهدید به سوزاندن منزل را بیان می کنند نه اینکه اینکار عملی شده باشد و همچنین سقط جنین و شهادت فاطمه نیز در آنها نیست.

در ضمن لطف کرده و به کتبی چون سلیم بن قیس هلالی اشاره نکنید، چون در چند قرن بعد ظهور یافته (قرن چهارم) و علمایی چون شیخ مفید آنرا رد کرده اند.

دزدی از جیب آسمان!

۴۷- شیعه معتقد است که خلافت الهی حضرت علی، غصب شده است.

سوال: اگر این منصب، منصبی الهی است، پس چگونه قابل غضب شدن است؟

مگر کسی می توانسته نبوت پیامبر ﷺ را غضب کند؟!؟

علاوه بر اینکه شیعه، امامت را بالاتر از نبوت می داند. اگر امامت منحصر به وجود شخصی خاص است و توسط خداوند به او اهدا می شود، پس آیا شخصی دیگر میتواند این مقام را از او بگیرد؟!؟

لازم به تذکر است که شیعه خلافت و امامت را جدا از هم نمی داند و نمی تواند بگوید که خلافت علی غضب شده ولی امامت او پابرجا بوده و منصب امامت را داشته است، و در واقع پس از رحلت نبی اکرم ﷺ، امام بوده است.

به اعتقاد شیعه، خلافت و امامت علی با هم بوده و هر دو الهی بوده و از جانب خداوند اهدا شده، پس تنها متعلق به خود حضرت علی بوده نه شخصی دیگر.

در واقع شیعه مقام خلافت را تنها برای کسی می داند که منصب امامت را نیز داشته باشد، پس خلافت جزئی از همان امامت است و چیزی جدا از آن نیست و تنها امامی معصوم و من عندالله می تواند خلیفه شود، پس چطور این منصب امامت و خلافت غضب شده است؟!؟

ملاقات با امام زمان

۴۸- طبق داستانهایی که در کتب شیعه ثبت شده، عده ای از شیعیان و علما توانسته اند که امام زمان را ببینند.

سوال: مگر این افراد قبلاً مهدی را دیده بودند که متوجه شده اند او مهدی است؟ و اگر خود مهدی خودش را معرفی کرده، پس مگر نمی دانید که شهادت فرد در مورد خودش قابل قبول نیست؟ از کجا معلوم که شخصی حقه باز نبوده که آن فرد شیعی را فریب داده و رفته؟

در ضمن این اشخاص در زمان زنده بودن نمی توانسته اند ادعای رویت مهدی را بکنند.

مورد معجزات و کرامات مهدی نیز مردود هستند و نمی توان به آنها استناد کرد، چون بطور خلاصه:

اولاً: این داستانها پس از مرگ این اشخاص جمع آوری شده اند و صحت و سقم آنها مشخص نیست و از کجا معلوم که دروغ نباشند؟ خود آن افراد نیز نمی توانسته اند این داستانها را بنویسند و در جایی پنهان کنند، چون ممکن بوده به دست مردم بیفتد و او را کذاب بخوانند. اگر هم نوشته اند و در جایی گذاشته اند و بعد از اینکه مرده اند توسط شخصی دیگر انتشار داده شده، پس دوباره می گوئیم که شهادت فرد در مورد خودش قابل قبول نیست.

ثانیاً: معجزه مخصوص انبیاء بوده برای اثبات نبوت خویش و بخاطر اینکه در قرآن ذکر شده اند ما نیز به آنها ایمان داریم و شما نمی توانید معجزات مهدی را با آیات قرآنی و معجزات انبیاء قیاس کنید.

ثالثاً: این داستانها و روایات، جزء اخبار واحد هستند و با خبری واحد برای کسی معجزه ثابت نمی شود. معجزات انبیاء در حضور مردم بوده تا باعث ایمان آوردن آنها شود، معجزات مهدی در وسط بیابان برای شخصی شیعه بوده که او را هم قبول داشته و ما نمی دانیم فایده این معجزات چه بوده است؟!

رابعاً: برخی از این داستانها ادعای داشتن علم غیب برای مهدی می کنند که مخالف با آیات قرآن است که حتی پیامبر ﷺ غیب نمی دانسته (اعراف/ ۱۸۸ و انعام/ ۵۰) و بنابراین مردود هستند.

خامساً: متن و محتوای بسیاری از این روایات دارای خرافات است و نمی تواند مورد پذیرش قرار بگیرد (و یا در مورد خمس هستند که البته دلیل آن روشن است).

سادساً: از کجا معلوم که این کارهای خارق العاده معجزه بوده و نوعی سحر و جادو و یا شعبده نبوده است؟

شما که همراه آن شیعه نبوده اید تا این موضوع را بفهمید؟

آن شیعیان که دانشمند نبوده اند و یا علم جادوگری یا شعبده بازی نداشته اند تا متوجه شوند. ساحران فرعون با علم سحر آشنا بوده اند و فوری متوجه می شوند که کار حضرت موسی سحر نیست و معجزه است، در زمان پیامبر ﷺ نیز در میان مردم فصاحت کلام رواج داشته است، و قرآن نیز دارای فصاحت و بلاغت است و معجزه می باشد و به همین خاطر کافران نتوانستند مانند آنرا بیاورند.

پس نمی توان رویت مهدی توسط دیگران را قبول کرد (البته دلیل آن روشن است، چون چنین شخصی وجود ندارد، یعنی محمد بن الحسن العسکری).

تناقضات

رقص و پایکوبی مردم در حکومت نظامی

۱-

الف: یک جا می نویسند: وقتی ابوبکر به همراه اطرافیانش از سقیفه به سمت مسجد مدینه می رفتند اطرافیان او هر کس را در راه می دیدند می زدند و با زور بیعت می گرفتند!! و این اخذ بیعت در جوی آکنده از ترس و رعب و تهدید، بعمل آمد.

ب: در جایی دیگر می گویند: ای وای! چرا هنوز آب غسل بدن پیامبر خشک نشده با انتخاب ابوبکر هلهله و شادی براه انداخته و در کوچه ها جشن و پایکوبی می کردند؟

ج: بالاخره معلوم نیست جشن و پایکوبی و شادی بوده یا ترس و خفقان و ارباب و تهدید و کتک کاری؟ براستی مردم چرا پس از قتل حضرت عثمان با آن وضع فجیع، شادی کنان و هلهله کنان برای بیعت به سمت خانه حضرت علی رفتند؟ و آیا نعوذ بالله حضرت علی که کاملاً با قتل حضرت عثمان مخالف بود در این هلهله و شادمانی نقشی داشت؟ که اگر هلهله ای در سوگ نبی اکرم بوده باشد ابوبکر را در آن شریک بدانیم؟

فصاحت دلیل است و بلاغت نه!

۲-

الف: محقق شیعه می گوید: زیارتنامه عاشورا قطعاً متعلق به معصوم است برای این که این زیارتنامه از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار است. ب: خطبه علی علیه السلام در ستایش از حضرت عمر رضی الله عنه (لله بلاء فلان) بنا به عقیده شیعه متعلق به علی نیست هر چند از فصاحت بالایی برخوردار بوده و دقیقاً مانند لحن و شیوه کلام علی علیه السلام باشد.

روایت دشمن علی روی چشم!

۳- خطبه شقشقیه با اینکه خبر واحد است و راوی آن عکرمه (از خوارج) صحیح است - خطبه لله بلاد فلان در ستایش از حضرت عمر رضی الله عنه، صحیح نیست زیرا خبر واحد است و راوی آن مغیره!!!

حکایت مجهول

۴- در تمام داستانها و سخنانی که از آن روزگاران (پس از رحلت پیامبر) در کتابها نقل شده حتی یک مورد اشاره به غصب خلافت و زیر پا گذاشتن آیه قرآن و فرمان پیامبر ﷺ نیست؟ و اگر موضوع خفقان را پیش می کشید چگونه اصل واقعه غدیر توسط ۱۱۰ نفر از اصحاب نقل شده است؟ زیرا اگر به زعم شما این واقعه مستقیماً مربوط به خلافت بوده حتی یک نفر هم نباید جرات نقل آنرا داشته باشد. آیا این دو مطلب با یکدیگر در تناقض نیستند؟

بر پیامبر حلال

۵- وقتی می خواهند بگویند: منظور خداوند در آیه غار پیامبر ﷺ بوده که از ناحیه خدا آرامش بر او فرستاده شد و نه ابوبکر^{۱۴}. می گویند: پیامبر ﷺ هم مانند بقیه

^{۱۴} منظور از آیه غار آیه ۴۰ سوره مبارکه توبه است که جانبی از هجرت را به تصویر کشیده. در این تصویر مشرکان بالای غار کوچک و سرباز "نور" که پیامبر و یارش ابوبکر در آن پناه گرفته اند می رسند. ابوبکر از اینکه مبدا مشرکان پیامبر را دستگیر کرده مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار دهند و یا بقتل برسانند بسیار ناراحت و اندوهگین می شود. و با ناراحتی به پیامبر خدا - صلی الله علیه و سلم - میگوید: یا رسول خدا اگر کسی از آنان به زیر پایش نگاه کند ما را خواهد دید. پیامبر خدا بدو می فرماید: ناراحت مباش "لا تحزن" چرا که خدا با ماست! این آیه از ابوبکر بنام یار و دوست - صاحب - پیامبر خدا نام می برد. و ابوبکر تنها کسی است که قرآن بدین صراحت مقام و رتبه‌ی والا و نشان فخری بر شانه او نهاده است...

انسانها بشر بوده و ناراحت می شده و... و به آیه: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ اشاره می کنند ولی وقتی می خواهند جریان قلم و دوات خواستن پیامبر ﷺ را پیش بکشند می گویند: چرا عمر گفت این مرد هذیان می گوید و مگر قرآن نگفته: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ و پیامبر با خداوند در ارتباط بوده و موید به تاییدات الهی بوده و...

۶- در آیه غار ضمیر (ه) ﴿وَأَيَّدَهُ﴾ (یعنی یک نفر) به پیامبر بر می گردد. الذین در آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ﴾ یعنی جمع به علی بر می گردد. ولی اگر الذین می تواند خطاب به

حال چگونه چین شخصی که قرآن او را یار و غمخوار پیامبر معرفی نموده، و این آیه کریمه تا روز قیامت بر زبانهای مردم چون یک گواهی و شهادت آشکاری است بر صلاح این شخص. بنا به عقیده شیعه تمام عمرش را در نفاق بسر برد و با وفات پیامبر از دین مرتد شد و... و چون این آیه بصورت بسیار روشن و آشکاری با عقیده شیعه در تضاد بود. و شیعه هم جرأت تصحیح عقائد خود و بازگشت بسوی حق را نداشتند تصمیم گرفتند تیشه به ریشه آیه زنند و آنرا بصورتی بسیار ابلهانه تأویل و تفسیرها کنند. که همه این تفسیرهایشان با عقل و نقل و منطق و قواعد و اسلوب عربی قرآن کاملاً مخالف است. از جمله آن تفسیرها اینکه: پیامبر نگران و اندوهگین شد خداوند که دوست او در سفر بود به دوستش که (پیامبر باشد) گفت: نترس که خدا با ماست!!!!...

و آیه کریمه چنین است: إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٥﴾

(گر نصرت ندهید پیغامبر را چه باک هر آئینه نصرت داده است او را خدا آنگاه که بیرون کردندش کافران دویم دو کس آنگاه که این دو کس در غار بودند آنگاه که میگفت یار خود را اندوه مخور هر آئینه خدا با ما است پس فرو فرستاد خدا تسکین خود را بر پیغامبر و قوت دادش به لشکریایی که ندیدید آنرا و ساخت سخن کافران را فروتر و سخن خدا همونست بلند و خدا غالب درستکار است)

یک نفر باشد چرا «ه» ﴿وَأَيَّدَهُ﴾ نباید خطاب به دو نفر باشد؟! یا خطاب به یک نفر یعنی ابوبکر؟

تو را چه به آتش در خرمن دشمن؟!

۷- شما در جایی می گوئید: پس از نبی اکرم همه مردم مرتد شدند به جز ۳ نفر. و در جای دیگر می گوئید: علت عدم پرداخت زکات و شورش علیه ابوبکر این بود که خلافت او را قبول نداشتند ولی سوال اینجاست: همه به جز ۳ نفر که بنا به اعتراف شما مرتد شده بودند. آیا مرتدین این همه غم دین داشته اند که حاضر شده اند به خاطر چیزی که به آن اعتقاد ندارند خودشان را به کشتن بدهند؟! آیا خنده دارتر از این، لطیفه ای شنیده‌اید؟ و خنده دارتر اینکه این مرتدان رفته اند و با عده ای مرتد دیگر جنگیده اند!!!!

ثروتمند گرسنه

۸- حضرت علی و فاطمه همیشه در فقر بوده اند. و به عقیده شیعه سوره «هل أتى» در مدح آنان نازل شده که سه روز غذا نداشتند و غذای خود را به یتیم و فقیر و اسیر دادند به نحوی که حسن و حسین (که کودک بودند) به حالتی نزدیک به مرگ رسیده بودند. سؤال: اتاق فاطمه که داخل مسجد بوده پس در جریان اخذ بیعت اجباری حضرت علی را از کجا به کجا بستند و بردند و حضرت فاطمه از کجا در راه آمدند به مسجد برای ایراد خطبه فدکیه و...؟ پاسخ شیعه: نه، حضرت علی یک خانه دوم هم کنار قبرستان بقیع داشته اند!!/ وقتی سائل وارد مسجد شد حضرت علی انگشتی خود را که بسیار گران قیمت بود (قیمت یکسال خراج یمن !!!) به او بخشید. و آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ﴾ در مدح و تعیین ایشان به خلافت نازل شد. به هر حال ایشان فقیر بودند یا ثروتمند؟ و برای اینهمه تناقض چه پاسخی دارید؟ شاید تقیه!!!!

مجتهدان تازه به دوران رسیده

۹- افرادی که از اول عمر همراه پیامبر ﷺ بوده و در هر غم و سختی یار و یاور او بوده و با او رابطه خویشاوندی داشته و از طرف او سمتهای متعددی را داشته اند و پس از او خلیفه شده اند نمی توانند حکم حکومتی صادر کنند ولی کسانی که یک شبه مجتهد شده اند می توانند مثلاً خلاف نظر شورای نگهبان حکم حکومتی صادر کرده و کاندیداهای رد صلاحیت شده ریاست جمهوری را تایید کنند! یا حکم اعدام صادر کنند یا حکم تخریب مسجد بدهند و...

امام زمان و سر و گردنی بالاتر از امیر مؤمنان

۱۰- الف: وقتی حضرت ابوبکر خلیفه شده بود بسیاری ادعای پیامبری کرده بودند و بسیاری از قبایل نیز شورش کردند و هر لحظه بیم حمله قبایل راهزن به مدینه می رفت و مدینه در جوی از تهدید و رعب فرو رفت و... ابوبکر با سیاست و مصلحت جویی خاص خود نه تنها شورش رده را سرکوب بلکه چنان تثبیتی به مرکزیت اسلام داد که حضرت عمر توانست در زمان حکومتش سه امپراطوری را به زانو درآورد.^{۱۵} ب: شیعه معتقد است علت عدم موفقیت حضرت علی قتل عثمان بود ولی آیا اگر ایشان به جای ابوبکر خلیفه شده بودند مشکلات شدیدتری پیش رو نداشتند؟ ج: شیعه معتقد است وقتی امام زمان ظهور می کنند جهان مملو از ظلم و جور است و ایشان موفق به پیروزی و تسلط بر جهان می شوند (در حالیکه باید در ابتدا امامت خود را ثابت کنند چیزی که برای حضرت علی ثابت شده بود علاوه بر اینکه حضرت علی یاران بسیاری نیز داشته و...) آیا این تناقض نیست که امام زمان در شرایط بسیار سخت تر و با یاوران کمتر موفق می شوند ولی حضرت علی موفق نشدند؟ و اگر قضا و قدر و خواست خدا را مطرح می کنید حریف شما نیز در مقابل، همین پاسخ را می دهد.

^{۱۵} ابوبکر با این کار خود باز هم خدمت بزرگی به اسلام نمود و این را نیز به خدمات قبلی خود اضافه کرد و از نظر اینجانب بهترین نمره و امتیاز را می توان به حضرت ابوبکر رضی الله عنه داد.

حرف حسابی...

۱۱- در کتب شیعه به حد تواتر این روایت وجود دارد که: پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه مردم مرتد شدند به جز ۳ یا ۵ نفر، از سوی دیگر این مطلب نیز به حد تواتر در کتب شیعه وجود دارد که بیشتر انصار و عده زیادی از سران اصحاب خواستار بیعت با علی بوده و حتی تا مدتی با ابوبکر بیعت نکردند.^{۱۶} اکنون اگر این دو مطلب (ارتداد همه به جز ۳ نفر و علاقه همه به علی به جز چند نفر) تناقض نیست پس چیست؟ و اگر هم توجیه می‌کنید که بیعت آنها با ابوبکر موجب ارتداد است اولاً طبق عقیده شما عده ای از این افراد تا مدتی بیعت نکردند و در ثانی حضرت علی هم بیعت کردند پس نعوذ بالله...

ایراد بی مورد

۱۲- در حدیث است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همراه حضرت عمر رضی الله عنه و حضرت ابوبکر رضی الله عنه و حضرت عثمان رضی الله عنه بر روی کوهی بودند. کوه شروع به لرزیدن کرد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای کوه، نلرز که بر تو نبی و صدیق و دو شهید است. شیعه با تمسخر می پرسد: مگر کوه می‌لرزد؟ ولی وقتی دیوار کعبه (یعنی خانه خدا) برای تولد طفلی از هم باز می شود و دوباره هم بسته می‌شود پس چرا نباید کوه زیر پای پیامبر خدا فقط بلرزد؟^{۱۷}

تخلف یا احترام

۱۳- الف: سنی می گوید: در جریان صلح حدیبیه حضرت علی رضی الله عنه اطاعت امر پیامبر را در پاک کردن نام ایشان نکرد و پیامبر صلی الله علیه و آله با انگشت مبارک خودشان نام خود

^{۱۶} به عنوان مثال، شیخ شرف الدین (عالم شیعه) در الفصول المهمة نام ۲۵۰ نفر از سران اصحاب را آورده که طرفدار علی بوده اند.

^{۱۷} خرافات و چرندیات کتب شیعه (غلات و صفویه) در دنیا نظیر ندارد، آنوقت خنده دار است که همین شیعیان وقتی با مذاهب دیگر اسلامی روبرو می شوند از سختگیرترین منتقدان خواهند شد.

را پاک کردند. شیعه پاسخ می دهد که عمل حضرت علی از شدت احترام و علاقه به نبی اکرم بوده است. ب: شیعه می گوید: چرا عمر و ابوبکر از جیش اسامه تخلف کردند؟^(۱۸) سنی می گوید: از شدت علاقه نگران حال پیامبر اکرم ﷺ بوده اند. ولی شیعه این موضوع را قبول نمی کند. آیا این تضاد در نقد و تجزیه و تحلیل یک مساله نیست؟

پیامبر یا امام؟

۱۴- الف: حضرت محمد ﷺ آخرین نبی هستند. ب: حضرت علی امام اول تعیین شده از جانب خدا هستند. ج: مقام امامت از مقام نبوت بالاتر است. د: حضرت محمد آخرین پیامبر، مقام حضرت علی بالاتر از مقام نبوت!!!!

مژده های خدا کجایند؟

۱۵- خداوند و رسول اکرم سه مژده به مسلمانها دادند. خداوند وعده حفظ قرآن از نابودی و سرکوب شورش رده و پیامبر اکرم وعده فتح سه امپراطوری توسط مسلمانها را به آنها داد. جالب است که هر سه این مژده ها به دست حضرت عمر ﷺ و حضرت ابوبکر ﷺ و تحت فرماندهی و پافشاری و سیاستمداری آنها عملی شد!

قرآن یا دیوان مدح و ثنا

۱۶- الف: عمر احادیث پیامبر را سوزاند تا فضایل علی را کتمان کند. ب: حضرت عمر رضی الله عنه آیات قرآن را جمع آوری کرد تا جلوی نابودی آن گرفته شود. ج: شیعه معتقد است ۳۰۰ آیه قرآن در ستایش علی و مقدار زیادی از آیات قرآن نیز در

^{۱۸}- قابل ذکر است که حضرت ابوبکر صدیق ﷺ در لشکر اسامه ﷺ نبودند، اما عمر ﷺ، بنابر درخواست ابوبکر صدیق از اسامه ﷺ که عمر ﷺ را اجازه بدهد که در مدینه با ایشان باشد که به وی نیاز داشتند، و اسامه درخواست ایشان را قبول کرد. (مُصحح)

نکوهش عمر و ابوبکر است^{۱۹}. اکنون آیا مورد ج با مورد الف و ب در تناقضی مسخره نیست؟

همبستگی کیان امت قبل از دفن رهبر

۱۷- الف: چرا مردم، پیامبر اکرم را دفن نکرده به سرعت ابوبکر را به خلافت انتخاب کردند؟ ب: پیامبر به هر حال افراد متعددی را جهت تدفین داشتند. چرا مردم، عثمان را به خاک نسپرده و همانوقت برای بیعت به طرف خانه حضرت علی هجوم آوردند؟^{۲۰}

۱۸- ازدواج حضرت عمر با ام کلثوم دختر علی و فاطمه یک رسم عادی و پیش پا افتاده بوده و چندان موضوع مهمی نیست/ ولی ازدواج علی با فاطمه... (فکر می کنم نیازی به توضیح نباشد).

۱۹- دولتی که تمام اصول خود را بر مبنای مذهب می داند و مذهب خود را بهترین مذهب جهان و سیاست خود را عین دیانت خود می داند، با بدترین و گمراه ترین مکاتب فکری یعنی ملحدین و کسانی که خداوند را قبول ندارند (یعنی بدتر از مشرکین مکه) با چین و شوروی و کوبا گرم ترین روابط تجاری و سیاسی را دارند آیا این با مبانی فکری و عقیدتی و حتی فقهی آنها مبنی بر ممنوعیت رابطه با چنین دولی در تناقض نیست و اگر مساله مصلحت را پیش می کشید پس چرا ۱۴۰۰ سال به حضرت عمر و حضرت ابوبکر انگ بدعت می زدید؟ به هر حال شما با قیاس مخالفید از کجای احادیث و آیات قرآن چنین حکمی را استخراج کردید؟

^{۱۹} آیاتی دیگر را نیز به امام زمان مرتبط می کنند.

^{۲۰} جالب اینکه در سال ۱۳۶۸ ش وقتی آیت الله خمینی وفات کرد. خبر وفاتش را برای چند روز بتأخیر انداختند، تا آیت الله خامنه‌ای را - پس از جنجالهایی در کادر رهبری و مجلس خبرگان رهبری و اختلافات شدیدی بین مراجع که خود را حقدارتر از خامنه‌ای می دانستند و او مرجع بشمار نمی آوردند و... - بعنوان رهبر انقلاب معرفی کردند، سپس آیت الله خمینی را دفن کردند!!!...

۲۰- در حدیث کساء می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ام سلمه گفت: اهل بیت فقط و فقط این چهار نفرند (علی - فاطمه - حسن و حسین) و ام سلمه را حتی با تمام خوبی و نیکی و اصراری که دارد جز اهل بیت ندانستند ولی در جایی دیگر می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سلمان منا أهل البيت»: سلمان از اهل بیت ما است! براستی هیچ زنی در کل تاریخ ۱۴ قرن که تا کنون از اسلام گذشته به اندازه خدیجه نقش موثر و مهمی در اسلام، نداشته است ولی شیعه او را جز اهل بیت نمی داند! براستی چرا؟

۲۱- افرادی مانند تیجانی می گویند: علت شورش رده این بوده که مردم سایر قبایل خلافت ابوبکر را قبول نداشتند! ولی مسلمان که بودند پس چرا ابوبکر آنها را می کشت؟ سؤال اینجاست: آیا آن ۴ نفری که مردم قبائل دور آنها جمع شده بودند و ادعای پیامبری داشتند به خاطر مخالفت با ابوبکر ادعای پیغمبری کردند؟؟ سؤال جالبتر: حضرت علی می توانستند همراه با قبیله بنی هاشم و کمکهای ابوسفیان به آنها پیوسته و خلافت را پس بگیرند. آری، وقتی یک به اصطلاح دانشمند درباره مسائل تاریخی اینگونه قضاوت می کند چه انتظاری از مداحان و مردم عادی می رود؟ براستی خوارج هم که مسلمان آن هم از نوع خیلی دو آتش بودند چرا حضرت علی در عرض یکساعت ۴ هزار نفر از آنها را کشت؟

زخم زبان به خود

۲۲- برخی از نویسندگان شیعه مانند تیجانی یکسری از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مطرح می کنند مبنی بر اینکه ایشان فرمودند: پس از هیچ پیامبری امت اختلاف نکردند مگر اینکه بدترین افراد زمام کار را به عهده گرفتند و یا اینکه پس از من حاکمان بدی روی کار می آیند و از اینگونه احادیث... سؤال اینجاست:

■ حضرت علی علیه السلام و امام حسن و سران جمهوری اسلامی نیز پس از نبی اکرم به قدرت رسیدند، پس نعوذ بالله...

■ پس از پیامبر ﷺ چه کسی مخالفت کرد؟ حتی حضرت علی علیه السلام در پاسخ عباس که ایشان را تحریک به عدم بیعت با ابوبکر می کند می فرمایند: اِنِّی اُکْرِه عَنْ اخْتِلَافٍ: من از اختلاف بیزارم. یعنی حضرت علی نیز مخالفتی (در حد فرموده نبی اکرم و درجه مخالفت یعنی کشت و کشتار) نکردند.

۲۳- شیعه عدم بیعت حضرت علی را تا مدت زمانی اندک نوعی مخالفت قلمداد می کند/ حضرت علی به عباس در مورد بیعت می فرمایند: اِنِّی اُکْرِه عَنْ اخْتِلَافٍ: من از اختلاف بیزارم. آیا این دو عقیده متناقض نیست؟

۲۴- متاسفانه شیعه و نویسندگان آن به جای اینکه در یافتن علل وقایع تاریخی پاسخهای حضرت علی را سرمشق خود قرار دهند که هم به زعم خودشان به آن حضرت عشق می ورزند و هم آن حضرت در همان مکان و زمان زندگی کرده اند به جای اینکار به تحلیلهای من درآوردی بسنده می کنند. مثلاً این تحلیل همیشگی آنها که علت مشکلاتی که برای علی در زمان خلافتش پیش آمد خرابکاریهای خلفای قبلی بود! ولی پاسخ را از زبان خود آن حضرت بشنوید: شخصی به آن حضرت می گوید: چرا در زمان خلفای قبلی چنین مسائلی پیش نمی آمد که در زمان خلافت شما پیش آمده؟ حضرت پاسخ می دهد: آنها بر اشخاصی مثل من حکومت می کردند و من بر اشخاصی مثل تو! این سخن دقیقاً منطبق با آیات قرآن است که می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ

حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱) «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه خودشان را تغییر دهند». این یعنی اینکه هیچگاه یک نفر نمی تواند عامل خوشبختی یا بدبختی ملتی شود و جو عمومی و فرهنگ کلی جامعه عامل اساسی و تعیین کننده است. ولی نویسنده شیعه تلاش می کند همه گناهان را به گردن حضرت عمر و حضرت ابوبکر بیندازد. ایکاش نویسنده شیعه در تجزیه و تحلیل وقایع نیم نگاهی نیز

به سخنان حضرت علی می انداخت هر چند اینگونه هم راهی برای کوبیدن حضرت عمر و ابوبکر نخواهد داشت.

مطهری در پی راه چاره

۲۵- مطهری در کتاب سیری در امامت برای رهایی از تناقضات متعددی که در این زمینه گریبانگیر محققین شیعه شده پس از ۱۴۰۰ سال کشمکش، راه حل تازه ای ارائه داده و می گوید: متکلمین شیعه اشتباه می کردند که امامت را همان خلافت می دانستند! خلافت، جزئی از امامت است، و وظیفه مهمتر امام، تفسیر و توضیح و تبیین دین است!!!! ولی:

■ آیا می شود هر از چندگاهی برای رهایی از سئوالات بی پاسخ، موضع خودمان را عوض کنیم؟

■ این سخن مطهری مخالف نص صریح قرآن است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده: ۳) می بینید چقدر تایید و تاکید دارد که امروز دین کامل و تمام شد. همه اینها برای این است که کسی هوس نکند پس از پیامبر ﷺ به بهانه تکمیل و تفسیر دین، چیزی جدیدی بیاورد و موجب بدعت شود. که متأسفانه آوردند و شد... (توسط تفکرات ابن سبأ یهودی) و مگر در همان ابتدای قرآن در سوره بقره آیه ۲ نمی خوانیم: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾، لاریب یعنی نبودن شک، ظن و تردید و شما چیزی را که در آن شک دارید توجیه و تفسیر می کنید نه چیزی را که روشن، مبین، واضح و بدون شک و شبهه باشد.

■ مخالف کامل با اصل خاتمیت است.

■ فهرست نام امامان تا ۱۵۰ سال می شود آیا اتفاقی که در طول هزاران سال عمر بشر نیفتاد می توانست در عرض چند نسل بیفتد؟ آن هم با آن شرایط بیسوادی و عدم وجود وسایل ارتباط جمعی؟

■ در زمان امامان شیعه مواردی مانند: بیمه، مصرف مواد مخدر، قرصهای اکستازی، ارتباط تجاری و سیاسی با دول مشرک و کافری چون چین و شوروی و کوبا، شبیه سازی و... وجود نداشته. پس آیا باید سلسله امامان و مفسران دین تا روز قیامت ادامه داشته باشد. و اگر بحث اجتهاد را پیش می کشید پس گناه حضرت ابوبکر و حضرت عمر چیست؟

■ مطهری به خوبی متوجه این تناقض (شان حکومتی امام) شده و می گوید شان اصلی امام، تفسیر و توضیح دین و مقام معنوی امام است و شان حکومتی فرع آن است! خوب، این که مشکلی را حل نمی کند. ما نیز این سخن را قبول داریم، ولی تمام دعوی بر سر خلافت است و اینکه شما طبق کدامین دلیل، معتقد به وجود نص هستید؟

تقیه شکن

۲۶- شیعه زیارتنامه عاشورا را منتسب به امام محمد باقر می داند. از سویی دیگر شیعه رواج تقیه و جواز آنرا متعلق به دوران امام محمد باقر و امام صادق می داند. این زیارتنامه مملو از نفرین و لعن (۱۸ بار لعن) به خصوص علیه خلفای اول و دوم و سوم است آیا چنین چیزی با اصل تقیه در تعارض نیست؟ زیرا این دو امام به قول شیعه مرتب سفارش به پنهان کاری و عدم درگیری با دیگر فرق مسلمان میکرده اند. و زیارتنامه نیز چیزی است که به صورت اوراد و اذکار در سفر و حضر و در خانه و در کربلا و مسجد و... خوانده می شده. پس این چه سفارشی به تقیه بوده است؟ (مگر اینکه قبول کنیم این زیارت ساخته و پرداخته غالیان است).

اشتباه از امام یا از خدا

۲۷- شیعه معتقد است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نام ۱۲ امام را به ترتیب تا امام زمان بیان کرده اند. امام صادق علیه السلام فرزند ارشد خود یعنی اسماعیل را به عنوان امام معرفی کردند

ولی پس از فوت او فرمودند در این مورد، بداء حاصل شد^{۲۱} و پس از آن فرزند سوم خود را معرفی کردند. این امر باعث پیدایش فرقه ضاله اسماعیلیه شد که کردند آنچه کردند. بگذریم. چگونه است که امام صادق علیه السلام از حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بی اطلاع بوده اند؟

آیا شرک شاخ و دم دارد؟

۲۸- آنچه در فرهنگ توده شیعه جریان دارد بسیار قویتر است از آنچه نویسندگان شیعه در کتابهایشان می نویسند. شیعیان یکجا با سوز و گداز این آیه زیبا را می خوانند: ﴿أَمَّنْ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ و جایی دیگر، همراه با آقای ذاکر (مداح) فریاد می زنند: می خام امشب رو بخونم واستون از سر احساس که چرا هر کی گرفتار می شه میاد پیش عباس. براستی آیا هنگام گرفتاری طبق آیه قرآن باید خداوند را صدا زد یا حضرت ابوالفضل را؟ و آیا باید به سراغ خداوند رفت یا به سراغ حضرت عباس؟ و آیا شرک، شاخ و دم دارد؟ و اگر اینها شرک نیست پس شرک چیست؟

کودتای نافرجام

۲۹- شیعه این داستان را قبول دارد که ابوسفیان به حضرت علی علیه السلام در جریان انتخاب ابوبکر گفت: اگر بخواهی مدینه را از سواره و پیاده علیه ابوبکر پر می کنم ولی حضرت علی به او گفت: برو من نیازی به سواره و پیاده تو ندارم. شیعه در جایی دیگر معتقد است که حضرت علی علیه السلام از برخی افراد خواست تا سر خود را بتراشند و هنگام سحر برای قیام علیه ابوبکر به در خانه ایشان بیایند که این افراد خلف وعده کردند و... عجیب است شیخ شرف الدین علت عدم اشاره حضرت علی به ماجرای غدیر را حفظ و

^{۲۱} بداء یکی از عجائب عقیده شیعه است. آنها بر این ادعایند که خداوند اسماعیل را بعنوان امام پس از پدرش مقرر نموده بود. ولی ناگهان متوجه شد که اسماعیل وفات کرد! اینجا بود که خداوند دریافت - العیاذ بالله - اشتباه کرده، و فرزند دیگر امام صادق را به امامت برگزید!!!

رعایت مصلحت می داند ولی در این داستان، حضرت علی از ۴۰ نفر خواسته اند که علیه حکومت شمشیر بکشند!!!! و از آن طرف کمک ابوسفیان را رد می کند!! براستی علت اینهمه تناقضات درهم و برهم چیست؟

زندانی یا وزیر

۳۰- شیعه می گوید: حضرت علی ۲۵ سال خانه نشین شدند ولی:

- چگونه است که حداقل دو بار در تاریخ ثبت شده که ایشان دو بار هر بار به مدت یکماه در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه جانشین او در مدینه بوده اند؟^{۲۲}
- چگونه دخترشان را در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه به عقد خلیفه در می آورند؟

- چگونه امام حسن و امام حسین در جنگهای ایران شرکت داشته اند؟
- ما می دانیم حضرت عمر رضی الله عنه به هیچ یک از صحابه سرشناس که دارای پایگاه قبیله ای بالا بوده اجازه خروج از مدینه را نمی داده و می گفته: هر چه در زمان رسول الله در راه اسلام شمشیر زده اید صوابش کافی است. و این اجازه عدم خروج یا عدم اجازه شرکت در جنگها مختص حضرت علی نبوده است.
- حضرت علی قسم یاد کرده بودند پس از رحلت نبی اکرم تا قرآن را (برای خودشان) جمع نکنند از خانه خارج نشوند.

- شور و نشاط و جنگجویی یک جوان تا سن ۳۰ یا ۳۵ است و ما می دانیم حضرت علی در زمان رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله حداکثر ۳۳ سال داشته اند. پس مقایسه و انتظار اینکه ایشان مانند زمان جوانی خود از خانه خارج شوند یک قیاس باطل و اشتباه است.

^{۲۲} و در واقع حضرت علی به عنوان وزیر و مشاور خلفا عمل می کرده است.

با دو تیر یک نشان

- ۳۱- شیعه از یکسو ضعف اخلاقی و فساد قدرت و ظلم و ستم پادشاهان ساسانی و تبعیضات طبقاتی و... را علت شکست سپاه ایران می داند و از سوی دیگر می گوید حضرت ابوبکر و عمر حکومتی خفقان زا و دیکتاتوری داشته اند پس علت پیروزی آنها بر ایران چه بود؟ ضمن اینکه یکی از علل اینکه پیامبر ﷺ باید حتماً در غدیر جانشین معرفی می کردند را حضور دو ضلع قدرتمند و خطرناک ایران و روم در مرزهای کشور اسلامی می دانند ولی شما که می گوید دربار ایران رو به انحطاط و ضعف بوده است.
- ۳۲- به عقیده شیعه ظهور امام زمان نیاز به زمینه سازی و شرایط مناسب دارد، حضرت علی علیه السلام باید خلیفه بلافصل پیامبر ﷺ می شد هر چند زمینه فرهنگی اعراب، سن پیرمردها را برای رهبری قبول می کرد و هر چند حضرت علی سران و جنگجویان بسیاری از قبایل را از دم تیغ گذرانده بود.
- ۳۳- به سخن نگاه کن نه به گوینده (حضرت علی) / علم را فراگیر حتی از منافق (حضرت علی) / واعظ شیعه: فقط سخنان و عقاید ما حق است و فقط سخنان مرا بشنوید و فقط کتابهایی خاص مورد تایید است و فقط باید پیرو آقا بود.
- ۳۴- شفاعت (با مفهومی و معنای وسیعی که نزد شیعه به عنوان اصل دارد و نه با معنای واقعی آن که امری فرعی و استثنایی است) با این سخن نبی اکرم در تضاد کامل است: ای فاطمه، کار کن و کار کن، فکر نکن من می توانم برای تو کاری کنم، هر کاری کردی خودت برای خودت کرده ای^{۲۳}.
- ۳۵- ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ تمام اصحاب به جز سه نفر پس از پیامبر اکرم مرتد شدند: آیا اینها تناقض نیست؟

^{۲۳} در قرآن بارها و بارها به عملوا الصالحات تاکید شده، یعنی انجام اعمال صالح، ولی شیعیان به شفاعت دلخوش کرده اند.

۳۶- الف: اختلافات بعدی در امت اسلام به خاطر عملکرد نادرست خلفای سه گانه بوده است. ب: تمام فرق و مذاهب اسلامی با وجود تشتت آراء در اعتقاد به قرآن و صحت آن متفق القولند. و حسب تواتر قطعی موجود در تاریخ این حضرت ابوبکر و عمر و عثمان بودند که قرآن را جمع آوری و از خطر تحریف و پراکندگی نجات دادند.

۳۷- اگر امامت با بیعت منعقد نمی شود چرا می گوئید: در غدیر خم با علی بیعت کردند؟ و اگر با بیعت منعقد می شود چرا حضرت علی از مردم کوفه برای امام حسن، بیعت نگرفتند؟ و حتی در پاسخ به آنها می فرماید: خود دانید خواستید با حسن بیعت کنید نخواستید نکنید!!

۳۸- طبق نص صریح آیات قرآن باید رفتار پیامبر ﷺ برای مسلمین الگو باشد اکنون ببینیم با عقاید شیعه می توان چنین کرد:- پیامبر ﷺ دیگران را به کرات به رعایت عدالت به خصوص بین همسران و فرزندان خود سفارش کرده اند ولی خودشان نعوذ بالله خلاف این عمل کرده و دو تا از دخترانشان را به ازدواج بدترین آدم (اول پسران ابولهب و سپس: عثمان) و دیگری را به ازدواج بهترین انسان (علی) در می آورند! اکنون من به عنوان پیرو باید در مورد فرزندانم پارتی بازی کنم یا عدالت؟ پیامبر اکرم ﷺ مرتباً دیگران را سفارش به انتخاب دوست خوب و با ایمان و نشست و برخاست با صالحین کرده اند ولی خودشان بر خلاف این همیشه با بدترین و ظالمتترین!! انسانها همسفر و مونس و همدم و یار و همراه بوده اند و حتی با آنها نسبت خانوادگی برقرار می کرده اند!! (حضرت عمر و ابوبکر و عثمان و سایر اصحابی که به قول شیعه پس از رحلت نبی اکرم مرتد شدند!) اکنون من به عنوان یک پیرو طبق سخن پیامبر ﷺ عمل کنم یا طبق عمل ایشان؟! آری، اگر طبق عقائد منحرف و ضاله غالیان و احمقها بروی به جایی نمی رسی و مسلماً پیامبر عزیز ما و خاندان با معرفت و بزرگوار ایشان میان حرف و عملشان هیچ تضاد و تفاوتی نبوده است و نفاق و دورویی کار کسانی است که تمامی شئون آنها با مصلحت و تقیه و توریه طی می شود.

۳۹- محقق شیعه در مقام جدل سؤال می کند: اگر حق با علی بود پس حضرت عمر و ابوبکر باطل بودند، من بر همین مبنا سؤال می کنم: آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جامعه عرب را در زمان رحلت خود از نظر فرهنگی و اخلاقی ساخته بود یا نه؟ اگر بگویی: بله، می پرسم: پس چگونه جامعه خوب دست به انتخاب بد زد؟ و فرد خوب را رها کرد! و اگر بگویی: نه، می پرسم: چرا از جامعه بد، انتظار داری دست به انتخاب خوب بزنند؟ و گناه فرد منتخب چیست؟ مگر حضرت علی علیه السلام نمی گوید: هر ملتی ناچار از داشتن امیریست حتی ستمگر. و چگونه انتظار داری اسلام، دینی انسان ساز باشد وقتی پیامبرش به زنده بودنش نتوانست مردم و حتی نزدیکان خود را هدایت کند! و اگر بگویی: نمی توان درباره همه جامعه اینگونه قضاوت کرد و افراد یک جامعه در طیفهای متفاوتی قرار دارند. من می پرسم: پس چگونه است که فرد منتخب توسط همین طیفهای متفاوت در یک طیف کاملاً باطل قرار می گیرد؟! نگاه کنید هر پاسخی بدهید دچار تناقض می شوید. زیرا سؤال غیر منطقی و پاسخهای غیر منطقی تر، راهی جز تناقض در پیش رو ندارد.

۴۰- اولی: چرا تا پیامبر صلی الله علیه و آله زنده بود کسی مخالفتی نکرد ولی به محض رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ناگهان همه در سقیفه جمع شده و از فرامین آن حضرت، سرپیچی کردند؟ دومی: تا پیامبر صلی الله علیه و آله زنده بود کسی جرات مخالفت نداشت ولی به محض رحلت ایشان، حسدهای دیرین مجال بروز یافت. اولی: آنها که همیشه مطیع محض فرامین پیامبر صلی الله علیه و آله و دستورات الهی بودند. پس چرا در این یک مورد خاص، مخالفت کردند؟ دومی: نخیر، شیخ شرف الدین در کتاب خود، دهها مورد از تخلفات آنها در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله را آورده است !!! اولی: لطفاً می شود تکلیف ما را روشن کنید: آنها با رحلت پیامبر، جرات مخالفت پیدا کردند یا در زمان حیات ایشان هم جرات مخالفت داشتند و مخالفت می کردند!!!!

۴۱- شیعه پاسخ بسیاری از شبهات دوران خلفاء را در قالب کلمات مصلحت یا تقیه بیان می‌کند. ممکن است روابط و مناسبات فی مابین حضرت علی علیه السلام و خلفاء را حمل بر این دو کلمه کرد ولی در مورد پیامبر چه می‌گویید؟ زیرا او با تمام خانواده‌اش (قبیله قریش) درگیری ایجاد کرد و هیچ رعایت مصلحت هم نکرد! از همه آنها برید و به مدینه رفت و رعایت مصلحت نکرد! با اینکه در مکه در ضعف و اقلیت هم بود! یا چرا حضرت علی در مورد معاویه بنا بر توصیه ابن عباس رعایت مصلحت نکرد تا در زمان مناسب او را برکنار کند؟

کاسه‌ی داغتر از آتش

۴۲- اولی: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله در گرمای غدیر مردم را نگهداشت که بگوید: علی را دوست داشته باشید؟ دومی: ولی عجیب است که پیامبر اکرم ۱۲۰ هزار نفر مسلمان را به قول شما در آن گرمای زیاد نگهداشت تا موضوع خلافت حضرت علی علیه السلام را اعلام کند ولی با تمام این مقدمات و... وقتی موقع بیان اصل مطلب فرا می‌رسد از کلمه ای برای بیان این موضوع مهم استفاده می‌کنند که دارای ۲۷ معنی مختلف است. براستی پیامبر در ابلاغ و تفسیر کدام یک از آیات الهی در پرده و به کنایه سخن گفتند که این بار دومشان بوده باشد؟ آن هم موضوع به این مهمی!! و اگر اینچنین نیست پس این اختلاف ناشی از چیست؟

۱. آخرین روزهای حیات پیامبر اکرم، اولین‌ها در اسلام! (حسب عقیده شیعه):
- ۱- پیامبر اکرم برای اولین بار در طول عمر گهربار خود در ابلاغ یک آیه (آیه ابلاغ) دچار شک و تردید و ترس از مردم می‌شوند!!!
- ۲- پیامبر صلی الله علیه و آله برای اولین بار پیام خدا را در پرده ای از ابهام و با کلمه ای که دارای ۲۷ معنی متفاوت است بیان می‌کنند.
- ۳- پیامبر صلی الله علیه و آله برای اولین بار و با وجود اینکه قرآن ایشان را امی (بیسواد) معرفی کرده، درخواست قلم و کاغذ می‌کنند تا چیزی بنویسند که مردم تا قیامت گمراه نشوند.

- ۴- حضرت عمر برای اولین بار می تواند نقطه نظراتش را به کرسی بنشانند.
- ۵- پیامبری که قبل از آن می گفت: اگر می دانستم بیش از هفتاد بار طلب آمرزش برای منافقین موثر است چنین می کردم برای اولین بار لعن و نفرین می کنند آن هم نزدیکترین مسلمانان به خودش را!! (در صورتیکه پیش از این خداوند، پیامبر را در حادثه بئر معونه از لعن و نفرین حتی قاتلین مسلمانها منع کرده بود).
- ۶- برای اولین بار در تمامی تاریخ بشری در فاصله بین ۲ ساعت یاران از جان گذشته تبدیل می شوند به مرتد و ظالم و یاور غاصب!!!

شیعه یا خوارج

- ۴۳- سلطان الواعظین در کتاب شبهای پیشاور^{۲۴} مکرر به این نکته اشاره می کند که تمامی کین توزیها از جانب سنی هاست و شیعه هیچ تحریکی در طول تاریخ انجام نداده

^{۲۴} کتاب شبهای پیشاور بیش از ۸۰ سال پیش توسط شخصی بنام سلطان الواعظین شیرازی نگاشته شده است. در این کتاب این نویسندهی دروغو ادعا نموده که در شهر پیشاور پاکستان با تعداد بسیار زیادی از علمای مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت مناظراتی داشته که در نهایت همه را شکست داده و تعداد بسیار زیادی از آنها به دین حق - که بگمان نویسنده کتاب - دین تشیع اثنا عشری است گرویده اند!! این حادثه بطور کامل خیالاتی و دروغی محض است. و نویسنده کتاب نمی دانسته که نه تنها در پیشاور بلکه در همه پاکستان مذهب فقهی مردم تنها حنفی است و اثری از مذهب شافعی و حنبلی و مالکی در این کشور نیست تا او با آنها مناظره کند.

نقطه دیگری که پرده از دروغ پردازی این نویسنده برمی کشد این است که او فرق بین مذاهب فقهی و عقیدتی را تشخیص نداده. مذاهب چهارگانه اهل سنت مدرسه های فقهی هستند که همه در عقیده با هم مشترکند و هیچ اختلافی در بین آنها نیست. در حالیکه اختلاف آنها با مذهب شیعه اختلافی عقیدتی است. و شیعه عقائدی برای خود تراشیده که هیچگونه اساس و مدرکی از قرآن و سنت پیامبر اکرم ندارد. چون قضیه امامت و معصوم بودن امامها و تعداد آنها و تحریف قرآن و عقیده بداء که طعن بسیار تندی است بر ذات پاک خداوند متعال و بسیاری از قضایای خرافاتی دیگر..

اهل سنت غالباً به کتابهایی از این قبیل که هدفشان شهرت یافتن است هیچ توجه‌ای نمی‌کنند چرا که اهتمام دادن به این کتابهایی که خود گواه بر دروغ بودن خود هستند بگونه‌ای آنها را مطرح می‌سازد. از این رو با وجود اهتمام بالغ حکومت ایران به این گونه کتابها و ترجمه آنها به زبانهای مختلف جهان غالباً علمای اسلام به آنها توجه نمی‌کنند، چون هدف دعوتگران اسلامی از نگاشتن بالا بردن سطح فهم ملت‌های مسلمان از دینشان و دعوت کافران به اسلام است. و اگر آنها وقت و قلمشان را بر رد زدن به این کتابهای پوچ ضایع کنند در حق بسیاری دیگر از قضایای مهم دعوت اسلامی کوتاهی خواهند کرد. البته با وجود همه اینها یکی از روشنفکران شیعه که سالها پیش پس از بحث و پژوهشها و مطالعات زیاد به مذهب اهل سنت گرویده و از ترس جان خود به خارج از ایران هجرت نموده، و محمد باقر سجودی نام دارد کتابی بنام "روزهای پیشاور" بزبان فارسی در رد کتاب شبهای پیشاور نگاشته است.

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_news.php?rowID=118

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=533

آقای سجودی که از متن جامعه شیعه ایران برخواسته است، چون دلش برای قوم و خویش و ملتش می‌سوزد از باب دلسوزی و شفقت و مهر این کتاب را نگاشته تا پرده از مکر و حيله آخوندهای حقود و دروغگوی شیعه برکشد. البته این دوست دانشمندی که خداوند او را براه حق هدایت نموده کتابهای دیگری نیز چون "نضاد در عقیده" و "چرا نام علی در قرآن نیامده" و غیره به رشته تحریر درآورده است که برخی از آنها به عربی نیز ترجمه و چاپ شده‌اند و در سایتهای انترنتی در دسترس هستند.

این طرفند دروغگویی و اتهام شیعه طرفندی پیش پا افتاده و شناخته شده است. یکی از علمای آنها که عبد الحسین موسوی نام دارد سالها با پوست دوستی و وحدت اسلامی شیخ الأزهري سليم البشري را در مصر به بازی گرفت. و در نهایت کتابی بنام "المراجعات" ۲۰ سال بعد از وفات شیخ أزهري چاپ نمود و در آن ادعا کرد که شیخ أزهري قبل از وفاتش به عقائد شیعه پیوسته و باطل بودن مذهب اهل سنت را اعلام داشته و با مذهب شیعه از جهان رفته!! و البته چون این دروغ بسیار گنده بود شاگردان شیخ ازهري و دوستان او را که با تمام کرم و سخاوت از این میهمان ایرانی نمک بد حرام در مصر پذیرایی می‌کردند آزرده و آنها کتابهایی در رد کتاب مراجعات تألیف نمودند.

شخص دیگری بنام محمد حسینی قزوینی سالها خود را با دکتر احمد الغامدی در سعودی نزدیک نمود. و دکتر غامدی که استاد دانشگاه ام القرا مکه مکرمه است با سینه‌ای گشاده از این میهمان ایرانی خود استقبال و پذیرایی نمود. ولی این آخوند کینه توز شیعه بجای اینکه جواب نیکی را با نیکویی دهد کتابی به فارسی در ایران منتشر ساخت و در آن ادعاهایی دروغین کرد و خود را رستم دستانی معرفی نمود که

است. براستی برای انسان، جای تعجب است چه کسانی از صبح تا شب (حتی در اماکن مقدس در عربستان) در حال خواندن زیارت جعلی عاشورا و لعن خلفای آنها هستند؟ چه کسانی همه ساله در عیدالزهره عمر کشان راه می اندازند. چه کسانی ورد زبان صبح تا شبشان لعنت بر عمر است؟ براستی اگر جماعتی حضرت علی را لعن کنند رفتار شیعه با آنها چگونه است؟ و آیا شیعیان حاضر به ایجاد وحدت با خوارج هستند؟ پس باز می فهمیم که چقدر سنی ها خوب هستند.

علی و مشارکت در ظلم

۴۴- حضرت علی علیه السلام می فرمایند: کمک به ظالم مانند شرکت در ظلم اوست و... چرا حضرت علی علیه السلام دو بار هر بار به مدت یکماه جانشین حضرت عمر در مدینه می شوند؟ تا حضرت عمر به شام و فلسطین سرکشی کند. چرا عمار یاسر و سلمان فارسی در زمان خلفاء، حاکم کوفه و مدائن می شوند؟! چرا حضرت علی علیه السلام آنقدر به حضرت عمر مشورت می دهد که فقط حضرت عمر ۷۰ بار گفته: «لولا علی لهلك عمر»؟! چرا فرزندان حسن و حسین را برای دفاع از حضرت عثمان می فرستد؟! و چرا پس از قتل حضرت عثمان وقتی مردم برای بیعت با ایشان هجوم می آورند می فرماید: من وزیر و مشاور باشم برای شما بهتر است تا امیر (یعنی در این ۲۵ سال مشاور بوده ام) (البته تنها و به قول خود شیعه امام رضا علیه السلام در رابطه با پذیرش ولایتعهدی فرموده اند بین کشته شدن و اینکار مخیر شدم و یعنی به طور کلی ایشان با اجبار وادار به اینکار شدند ولی حضرت علی و دیگران در مصادیق فوق، اجباری نداشته اند)؟!

توانسته استاد جامعه ام القرا را در مناظرات خاموش در پشت درهای بسته شکست دهد... این آخوند ساده لو گمان می کرد چون کتابش به فارسی است و در ایران نشر می شود خبرش به گوش دکتر غامدی نخواهد رسید. اما از بخت شوم آقای قزوینی خبر دروغهایش به دکتر غامدی رسید. و او نیز در کتابی بعنوان "الحوار الهادی" پرده از حقیقت این آخوند دروغگو برکشید.

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=461

کودتاگران بی اطلاع!

۴۵- می گویند: حضرت عمر و ابوبکر در جریان سقیفه (توطئه، کودتا، دسیسه و... کرده اند) ولی ما در تمامی کتب تاریخ می خوانیم که به آن دو نفر خبر می رسد که انصار در سقیفه برای انتخاب خلیفه جمع شده اند و آن دو نفر نیز با سرعت خود را به آن محل می رسانند این چه توطئه ای بوده که خود آنها هم از آن، بی خبر بوده اند؟ (ایکاش مردم ما با شنیدن هر سخنی، اندکی به سلولهای خاکستری مغز خود فشار وارد می کردند!! و سریع هر حرفی را قبول نمی کردند)

یک سوراخ و دو نیش

۴۶- مگر پیامبر ﷺ نفرموده اند: آدم عاقل و یا مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود؟ چگونه است که حضرت علی ﷺ با وجود پیمان شکنی (در غدیر خم، البته بنا به زعم شیعه) باز هم ۲۵ سال بعد حاضر می شوند با مردم بیعت کنند؟ (که باز می بینیم طلحه و زبیر و خوارج و... پیمان شکنی کردند) و آن حضرت با چه اعتمادی بیعت کردند؟ و چرا در گله و شکایت خود از بیعت شکنان در کوفه به این نکته اشاره نمی کنند که این کار امروز و بار اول شما نیست و شما در اینگونه امور سابقه دارید؟^{۲۵}

۲. اهداف و نیات پلید و شوم حضرت عمر و ابوبکر از به دست گرفتن قدرت چه بوده است؟

- چپاول بیت المال و ساختن کاخهای سر به فلک کشیده و خریدن غلامان و کنیزکان و پوشیدن لباسهای فاخر و خوردن غذاهای لذیذ!!! (همان کاری که اکثر مسئولین حداقل در اندیشه آند).

^{۲۵} بعضی خرافیون می گویند: عثمان دختران پیامبر را کتک می زده و باعث مرگ ایشان شده است و ما می پرسیم: مگر پیامبر ﷺ نفرموده که انسان عاقل (یا مومن) از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود؟ پس چطور خود پیامبر ﷺ بعد از اینکه دختر اول را به عثمان می دهد دوباره دختری دیگر را به همسری او می دهد تا او کتکش بزند و باعث مرگش شود.

- اعطای حکومت ولایات به پسران و برادران و نزدیکان قبیله خود!!! (همان باند بازی خودمان)

- اعطای منصب خلافت به فرزندان یا اقوام خود (برای پس از خود)^{۲۶}.

- اجرا نکردن حدود الهی بر نزدیکان خود!!! (همان پارتی بازی خودمان).

- عدم جمع آوری قرآن و سعی در نابودی و یا تحریف آن!!! (همان کاری که دارد اتفاق می افتد).

- بسط و گسترش ندادن اسلام به کشورهای همسایه!!! (همان کاری که در زمان ما عکسش اتفاق افتاد و می بینیم آمریکا دور تا دور ایران را در پنجه خود گرفته).

- گوش نکردن به مشورتها و نصایح افرادی چون: حضرت علی علیه السلام!!! (کدام یک از ما حتی به یک حدیث علی عمل کرده ایم؟)^{۲۷}.

- نداشتن خطر جانی و کشته نشدن در این مقام و منصب!!! (همان محافظها و بادی گاردها و...)

- از ترس جانم می ترسم ادامه دهم!!!

- در حيله گر بودن و کتمان حق کردن و تعصب و عاظ و نویسندگان، همین بس که حتی یک نفر از شیعیان نمی دانند حضرت عمر، داماد حضرت علی و پدر زن رسول خدا بوده است! یعنی چیزهایی که قطعی و حتمی است ولی دری که می گویند حضرت عمر به پهلوی فاطمه زد و در هیچ کتاب غیر شیعی نیامده را همه می دانند. یعنی یک چیز دروغ غیر قطعی. پس به من حق بدهید که در دروغ بودن سایر سخنان و عقاید شما نیز شک کنم.

^{۲۶} به شهادت تاریخ عمر و ابوبکر حتی به یک نفر از افراد قبیله خود سمتی ندادند.

^{۲۷} حتی اگر به یک شیعه بگویی یک حدیث از فلان امام را فقط بازگو کن شاید عاجز باشد حال عمل کردن به آن حدیث پیشکشش.

مؤمنان کافر!

۴۷- از یکی از حضرات پرسیدم: مگر طبق صریح آیات قرآن، خداوند نفرموده: از کسانی که هجرت کردند و در جنگ بدر حاضر بودند و در بیعت رضوان حضور داشتند خدا راضی است^{۲۸} و بهشت را بر آنها وعده داده و حضرت عمر و ابوبکر نیز در تمام این موارد حضور، آن هم حضور حساس و سرنوشت ساز داشته اند؟ ایشان پاسخ دادند: خداوند می گوید: مومنین و آنها مومن نبودند. من پاسخ دادم: چه بی ایمانی جالبی که به پیامبر دختر می دهد تمام اموالش را در راه اسلام خرج می کند در خطرات و سختی های هجرت، تنها همراه پیامبر است و... ایشان باز هم گفتند: به هر حال، ایمان نداشته اند!! من گفتم: آیا قبول دارید که بهترین تفسیر قرآن، تفسیر آیه به آیه است. گفتند: بله، گفتم: مگر در قرآن نیامده که مومنان باید از مومنان دوست بگیرند و فقط با مومنان رفت و آمد داشته باشند. چطور تاریخ را که می خوانی نام حضرت عمر و ابوبکر و علی و عمار یاسر را همه جا در کنار نام پیامبر می بینی؟ مگر در قرآن نیامده که فقط مومنین حق تعمیر و آبادانی مساجد را دارند چطور پیامبر به ابوبکر اجازه می دهند که زمین مسجد بخرد و برده های تازه مسلمان شده را از جیب خودش در راه خدا بخرد و آزاد کند و هزینه جنگها (به خصوص جنگ تبوک) را بدهد و در این جنگ علمدار هم باشد و چطور پیامبر ﷺ یک نفر بی ایمان را سال قبل از آن، امیر حجاج مومن کرد و در آخرین روزهای حیاتش امام جماعت مسجد؟ و... و چطور در ابتدای آیه ای می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا

^{۲۸} خداوند می فرماید: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (الفتح ۱۸) (هر آینه خوشنود شد خدا از مسلمانان وقتی که بیعت میکردند با تو زیر درخت پس دانست آنچه در دل ایشان است پس فرود آورد اطمینان دل بر ایشان و ثواب داد ایشانرا فتحی نزدیک).

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ...^{۲۹} و شما می گوید: منظور عمر و ابوبکر بوده اند در صورتیکه در ابتدای آیه به مومنان خطاب شده. فبهت الذی کفر.

پیامبر در کنار گمراهان!

۴۸- من از کار پیامبر ﷺ در عجبم!! آقایان علمای ما باهوشند و زیرک و با مطالعه کتب تاریخی متعدد و احادیث بحارالانوار و کتاب سلیم ابن قیس، متوجه بد بودن و منافق بودن و ظالم بودن و خیانتکار بودن برخی از صحابه شدند. آن عرب بیچاره بدوی جاهلی بیسواد ساده دل که این چیزها را نمی دانسته، چرا پیامبر ﷺ آنها را (نعوذبالله) فریب داد و اینقدر حضرت عمر و ابوبکر را به خود نزدیک کرد؟ تا جایی که گاه، غریبه ها بین تشخیص پیامبر ﷺ و ابوبکر دچار اشتباه می شدند، دختر آنها را به زنی می گرفت به آنها دختر می داد، آنها را طرف شور و مشورت خود قرار داده و... حسب نگاه شما شخص پیامبر ﷺ با اتخاذ چنین روشی نعوذبالله اولین کسی بود که موجبات گمراهی امت خود و ایجاد اطمینان در آنها نسبت به حضرت عمر و ابوبکر را فراهم نمودند! اکنون با عنایت به این نکته که شما پیامبر اکرم را دارای علم غیب و معصوم از هر خطایی می دانید، آیا یافتن پاسخ برای سؤال من بسیار دشوار و غیر ممکن نمی شود؟

اختراع بزرگ صفویان

۴۹- از کارهای بسیار جالب و دیدنی پتروشیمی صفویه این است که تبصره را اصل می کند و اصل را حذف!!! در قرآن، ملاک رستگاری در: عمل خوب و ایمان به خداست،

^{۲۹} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (الحجرات ۲) ای مسلمانان بلند مکنید آوازه‌ای خود را بالای آواز پیغمبر و بلند نگوئید با او سخن را مانند بلند گفتن بعضی شما با بعضی برای احتراز از آنکه نابود شود عملهای شما و شما خبردار نباشید).

ولی در پتروشیمی صفویه اصل را در شفاعت نشان می دهند در حالیکه شفاعت، تبصره ای بیش نیست! اصل بر عمل توام با تعقل و تفکر است ولی اینجا اصل را در دعای توام با نذر و نیاز می دانند! اصل بر انتخاب توام با تحقیق و تعقل است ولی اینجا اصل را پیروی همراه با تقلید و تبعید نشان می دهند و کسی چه می داند با این روال شاید خداوندی که اصل را در روز قیامت بر رحمت و بخشایش خود قرار داده به تبصره رجوع کرده و در روز قیامت، آقایان را روانه جهنم کند، ان شاء الله.

آتش در خانه وحی

۵۰- یکی از جملات تکراری و بسیار خنده آور نویسندگان شیعه این است که با آه و ناله می گویند که ای وای، دار و دسته ابوبکر پس از رحلت نبی اکرم به خانه وحی حمله کردند و خانه وحی را به آتش کشیدند و حرمت خانه وحی را ریختند در حالیکه ما می دانیم بدن مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه عایشه رضی الله عنها (یعنی دختر ابوبکر) بوده و در همانجا نیز به خاک سپرده شده است!!! و همه از جمله حضرت فاطمه و علی در اتاق عایشه بوده اند و عایشه نیز اختیار اتاقش را داشته که درش را بروی هر کس می خواهد ببندد و یا باز کند (گر چه در جای خودش ثابت می کنیم اتفاقات آن دوره دربی نداشته و فقط یک پارچه جلوی آن آویزان بوده است!!!)

از طلا شدن پشیمانیم

۵۱- حضرت عمر ادعای صدور اسلام را نداشت ولی ظرف مدت فقط ۱۰ سال، اسلام را به تمام جهان متمدن آن روز صادر کرد به نحوی که ۱۴۰۰ سال تا زمان ما دوام آورده. آقایان نیز با ادعای صدور اسلام به جهان، خونها به زمین ریخته و میلیاردها دلار از ذخایر کشور را بر باد فنا داده و در عوض نه تنها اسلام را صادر نکردند و نه تنها بدترین چهره را از اسلام در جهان ترسیم کردند بلکه کم کم داریم به جایی میرسیم که

اسلام حتی در داخل کشور نیز دستخوش تحریف و نابودی قرار گرفته است!! و زبان حال انسانهای دلسوخته این مرز و بوم نیز اینچنین است:

از طلا گشتن پشیمان گشته ایم مرحمت فرموده ما را مس کنید.

پاسخ علی گوش شنوا ندارد

۵۲- یکی از آقایان با خشم، سؤال می کرد: چرا حضرت عمر، معاویه را در شام پرو بال داد؟ من به او گفتم: برادر عزیز، اتفاقاً حضرت عثمان نیز همین سؤال شما را از حضرت علی می پرسد آیا شما پاسخ حضرت علی علیه السلام را قبول دارید یا نه؟ آن شخص جواب نداد (مطمئن باشید حتی اگر حضرت علی زنده هم شود، این آقایان زیر بار حرف حق نمی روند) من ادامه دادم: حضرت علی به عثمان پاسخ می دهند: "مگر تو نمی دانی که معاویه از یرفا غلام حضرت عمر، بیشتر از خود عمر می ترسید؟" و آن دوست عزیز همچنان به من نگاه می کرد!!

اگر علی از قبر برخیزد!

۵۳- حضرت علی علیه السلام - یعنی امامی که شیعه مقام او را بالاتر از همه امامان حتی امام حسین می داند - در زمان حیات و خلافتش مردم شهر انبار را که دنبال ایشان فقط راه افتاده بودند سرزنش می کند و می فرماید: چه زشت است رنجی که پایانش آتش دوزخ است!!! آنگاه افرادی مثل من باید با روحانیون (عوام که جای خود دارد) بر سر تحریم قمه زنی بحث و جدل کنیم!! یعنی کوبیدن با شمشیر به فرق سر در سوگ و حب امام حسین!! خدا و کیلی با روشی که از حضرت علی سراغ داریم اگر ایشان یا امام حسین زنده می شدند به ما چه می گفتند؟

یک سوزن بخود

۵۴- دوستی می گفت: این مطالب که به نفع شیعه است در کتب اهل سنت هم نوشته شده. به او گفتم: آیا تمام مطالبی که در کتب شیعه وجود دارد صحیح و درست

است؟ گفت: نه حتی در کتب قدیمی و معتبری مانند اصول کافی نیز روایات دروغ و جعلی وجود دارد. گفتم: پس چرا کتب اهل سنت باید از این عیب مبرا باشد. گفت: زیرا این مطالب به نفع ما و به ضرر آنهاست. گفتم: مگر آنها دشمن علی هستند یا ایشان را قبول ندارند؟ و در اینجا دوستم به فکر فرو رفت.

۵۵- آقای تیجانی در کتب گرانقدر و علمی خود!!! به ابوبکر تاخته اند که چرا مرتدین را کشته است و می‌گوید: ابوبکر طبق حدیث پیامبر اکرم، حق نداشته گوینده لا اله الا الله را بکشد ولی عجیب است که این محقق گرانقدر فراموش کرده که حضرت علی در یکروز ۴۰۰۰ نفر عابد متقی حافظ قرآن را از دم تیغ گذراند فقط برای اینکه نخواست برای حفظ ظاهر هم که شده یک کلمه توبه کند! براستی اگر بنا بر گرفتن ایراد باشد دست چه کسانی پرتتر است؟^{۳۰}

۵۶- یکی از دوستانم به عقاید من مرتب ایراد می‌گرفت. روزی به او گفتم: آیا تو می‌توانی بدون استفاده از روایات تاریخی حتی نیم آیه از قرآن در تایید عقایدت بیاوری؟ گفت: نه، گفتم: روحانیون می‌گویند در هر علمی باید به خبره آن علم رجوع کرد و در علوم فقهی به رساله‌ها رجوع کرد و... ما می‌دانیم که قبلاً در حوزه‌ها حتی یک واحد تاریخ تدریس نمی‌شده شما یک استاد تاریخ از دانشگاه بیاور تا من با او بحث کنم. جالب است که بدانید سالها از این مباحثه می‌گذرد ولی دوستم هنوز موفق به پیدا کردن آن استاد تاریخ نشده است!!!

^{۳۰} در ج ۵۲ بحارالانوار باب سیره و أخلاقه و عدد أصحابه در خبر دوم از حضرت صادق و موسی بن جعفر نقل کرده که اگر قائم قیام کند به ۳ چیز حکم می‌کند که احدی از ائمه و پیغمبران حکم نکرده اند، شیخ زانی را می‌کشد و مانع الزکاة را می‌کشد و ارث برادر به برادر دینی که در عالم اشباح برادر بوده اند، می‌رسد، پس چطور امام زمان مانع الزکات را می‌کشد؟

۵۷- مذهبیون در ایران مرتباً دعایی را می خوانند از این قرار: اللهم أصلح كل فاسد من أمور المسلمين: خداوندا، اصلاح کن در امر فاسدی از امور مسلمین را. چرا در عمل اگر کسی قصد کوچکترین اصلاحی را آنهم فقط در حد حرف و سخن را داشته باشد سرو کارش با کرام الکاتبین می شود. ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾. (شعراء: ۲۲۷).

۵۸- شما طبق حدیثی می گوئید: علی خیر البشر (علی بهترین بشر است. البته در اینکه حضرت علی فردی بسیار والا با کمالاتی بی حد بوده اند شکی نیست ولی چرا ما باید مقام نبی اکرم و سایر پیامبران الهی را پایین بیاوریم؟ و اگر اینها غلو نیست پس غلو چیست؟) در قرآن کریم خطاب به نبی اکرم آمده: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾: بگو من نیز بشری مانند شما هستم. پس چرا پیامبر ﷺ به جای بشر خیر بشر نبوده اند؟ یعنی چرا خداوند نفرمود: بگو من بهترین بشر هستم!!

۵۹- چرا شیعه در سه قرن اول هجری، اجتهاد را باطل می دانست (و آنرا فقط در حوزه صلاحیت معصوم می دانست) ولی پس از آن، باب اجتهاد را یکسره در فقه باز کرد؟

۶۰- مردی از حضرت علی قبل از جنگ جمل می پرسد: آیا امکان دارد طلحه و زبیر و عایشه بر باطل باشند؟ حضرت علی به او می فرمایند: تو اشتباه کردی از آنجا که فکر می کنی افراد، ملاک تشخیص حق و باطلند. ولی حق و باطل را ملاکی است که افراد با آن سنجیده می شوند. سؤال:

- چرا حضرت علی در پاسخ به این مرد، نمی فرمایند: علی مع الحق و الحق مع علی؟!!!!

- چرا در این حدیث (علی مع الحق) بر خلاف عقیده حضرت علی ایشان ملاک حق معرفی شده اند؟ (ولی شیعه قصد دارد از این حدیث برداشت معنای عصمت بدون احتمال ذره ای خطا بدهد که البته فقط خداوند اینگونه است).

- چگونه شخص پرسشگر از این حدیث (علی مع الحق) بسیار مهم و معروف بی خبر بوده است؟ که سؤال می کند حق با کیست؟^{۳۱}

۶۱- پیامبر اکرم دو دعا را مرتب می خوانده اند: «ربنا لا تكلنا إلى أنفسنا طرفة عين أبدا»: خدایا، مرا حتی برای یک لحظه به خود وامگذار. و دیگر این دعا: خدایا بر حیرت من بیفزا. اکنون بیان بفرمایید: چرا دعای اول با اعتقاد به عصمت تکوینی (یعنی عدم امکان ذاتی و سرشتی حتی خطا و اشتباه) در خصوص نبی اکرم و مورد دوم با داشتن علم غیب در تضاد است؟ (کسی که از همه چیز و همه جا با خبر است از چه چیز باید در حیرت باشد!!)

۶۲- آیا این جمله که: لا موثر فی الوجود الا الله یعنی کسی جز خدا نمیتواند در این مسائل تأثیری داشته باشد با اعتقادات شما به توسل و وساطت تضادی وجود ندارد؟ و همچنین آیات بیشماری مانند: «أَمَّنْ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...».

۶۳- آیا توحید که هدف اصلی است بین اینهمه قبر و مقبره و دعا و زیارتنامه و مرشد و شیخ و مجتهد و خرافه و تعصب گم نمی شود؟

۶۴- علت رواج و قرائت روز و شب زیارت عاشورا که در آن ۱۸ بار کلمه لعن بکار رفته چیست؟ این روایت، خبر واحد است و فقط از سه طریق، روایت شده که در دو طریق آن، اسامی افراد غالی وجود دارد و طریق سوم نیز یک نفر مشکوک به غلو در سلسله روایت وجود دارد؟ آیا لعن، روش خدا و پیامبر ﷺ و ائمه بوده است؟ (در ابتدای زیارت که راوی از قول امام باقر می گوید: ثواب قرائت این زیارت هزار هزار حج و هزار و هزار شهید و... است اندیشه های غلو به خوبی موج می زند) و چگونه است که پیامبری که فرموده: من برانگیخته نشده ام لعن کننده بلکه دعوتی دارم همراه با رحمت

^{۳۱} احادیثی که شیعیان نقل می کنند بیشتر خبر واحد هستند و در غیر اینصورت هم تنها برداشتی که می توان از آنها داشت پیرامون فضائل حضرت علی است نه خلافت بلافصل او از جانب خدا.

(إني لم أبعث لعانا...) چگونه این حدیث به قول شما قدسی را نقل می کند که در آن ۱۸ بار نزدیکترین و وفادارترین یاران خود را لعنت کرده است!!! و چگونه است که علی در نبرد صفین به یاران خود می گوید به سپاهیان شام توهین نکنید و چرا در قرآن آمده که به خدایان کافران توهین نکنید و چرا و چرا و چرا؟

۶۵- شما می گوید: این زیارت، حدیث قدسی است و از طریق پیامبر ﷺ به حضرت علی و سپس بقیه امامان، منتقل شده است. چرا با وجود تصریح به نام ابن زیاد در این زیارت، حضرت علی به پدر او سمتها و اختیارات فراوانی در حکومت خویش داده اند؟

۶۶- لطفاً روند تدریجی شکل گرفتن نیابت خاصه به نیابت عامه و پس از آن ولایت فقیه و در نهایت ولایت مطلقه فقیه را در ادوار مختلف تاریخی بیان بفرمایید؟ و اعمالی که طرفداران این نوع دیکتاتوری با مخالفان و منقدان و مصلحان انجام می دهد را تشریح و توجیه کنید!!

۶۷- علت تشابه فکری و حتی ظاهری بسیار فراوان، میان خوارج با افراد مصطلح به حزب اللهی و گروه کاوه و ابوذر و... در ایران، چیست؟

۶۸- علت تشابهات حیرت انگیز، میان فریسیان و روحانیون یهود با حزب اللهی ها و روحانیون در چیست؟^{۳۲}

۶۹- اگر خلافت، به قول شما غصب نمی شد که کار به غیب شدن امام زمان نمی کشید برای این تناقض چه سفسطه ای را بیان می کنید؟

۷۰- چرا اهل سنت، امت واحدند و حتی ۴ گروه آنها پیرو ۴ مجتهدند (یعنی اینکه با هم اختلاف عقیدتی ندارند بلکه فقط اختلاف فقهی دارند مانند پیروان دو مجتهد در

^{۳۲} علتش وجود چند چیز مشترک میان اینهاست: حماقت، تعصب، لجاجت، تک بعدی و گاهی نیز سگ بعدی، غیر قابل تغییر بودن، مقاومت شدید در برابر سخن حق، نداشتن عقل و هرچه خوبان همه دارند تو تنها داری.

شیعه) ولی شیعه پس از قتل عثمان، تا کنون به هزار و یک فرقه تقسیم شده و هزار و یک دروغ و خرافه و هزار و یک تفرقه و دشمنی با سایر مسلمین؟

۷۱- در فرهنگ گذشته شیعه، اعتقاد به تحریف قرآن و حذف نام علی از آیات قرآن و ولایت مطلقه امامان بر زمین و زمان و مشارکت آنها در اداره خلقت با خداوند و... به شدت و عمق هر چه تمامتر، وجود داشته که البته اکنون، بسیار کمرنگ شده. اکنون، چه تضمینی وجود دارد که سایر اعتقادات شما درست باشد؟ و به مرور زمان کمرنگ نشود.

۷۲- چرا اهل سنت در این ۱۴ قرن هر گونه اندیشه ای را در خودش جذب کرد و به نوعی اصلاح کرد و پذیرفت (مانند عقاید اشاعره و معتزله و...) ولی نتوانسته با شیعه کنار بیاید؟^{۳۳} آیا این به خاطر آن نیست که عقاید شیعه در تضاد کامل با دو اصل اساسی اسلام یعنی توحید و سنت است (زیرا دشمنی شیعه با اصحاب است و سنت رسول الله از طریق همین اصحاب و با جانفشانی آنها دست به دست گشته و به ما رسیده است).

۷۳- آیا عزاداری (به این شیوه) نوعی اعتراض به خداوند نیست؟ و اینگونه عزاداری چه جایگاهی در سنت نبوی و علوی داشته است؟ و مگر نه اینکه پیامبران اصلاً آمدند تا با مراسمات و آداب و رسوم خرافی مبارزه کنند؟

۷۴- ساختن و آبادانی قبور، چه جایگاهی در سنت نبوی و علوی داشته است؟

۷۵- خداوند در یکصد آیه از قرآن کریم از اصحاب پیامبر ﷺ، تمجید کرده است ولی شیعه معتقد است همه اصحاب، به جز سه یا پنج نفر پس از نبی اکرم مرتد شدند، تکلیف چیست؟

۷۶- چرا ام کلثوم با قاتل مادرش فاطمه (یعنی حضرت عمر) حاضر به ازدواج شد؟ (در کافی حدیث صریحی در تایید این که ام کلثوم، دختر علی همسر عمر، بوده است وجود دارد)

^{۳۳} چون عقاید شیعه مانند سنگریزه هستند و به هیچ عنوان با اهل سنت حل نمی شوند.

۷۷- چرا در تاریخ یعقوبی (شیعه) می خوانیم که پیامبر ﷺ در گوش محسن، اذان گفت و این نام را برای او انتخاب کرد و او در خردسالی بر اثر بیماری درگذشت؟ (شما می گوئید: حضرت عمر یا قنفذ قاتل او بوده اند!!!!)

۷۸- چرا خرافات هندی و عراقی و اسرائیلیات یهودی و خرافات یهودی و مسیحی در فرهنگ ایرانی شدت و نمود بیشتری دارد تا در فرهنگ اهل سنت؟ آیا این به خاطر زمینه مستعد و روحیه زودباور ایرانی ها نیست؟

۷۹- بیشترین ظلم و ستم در تاریخ، نسبت به اهل بیت از جانب مدعیان تشیع بوده است، امام حسین را همان مردم کوفه که همیشه دم از حب اهل بیت می زدند کشتند. حضرت علی توسط یکی از افراد سپاه خودش و شیعیان خیلی تندرو خودش، شهید شد. و.. پس شیعه به چه کسی معترض است؟

۸۰- یکی از اعتراضات مکرر شما بر اهل سنت این است که قرآن در کنار امام باید فهمیده شود و قرآن به تنهایی قابل فهم نیست. سؤال اینجاست: اکنون که امامی در قید حیات نیست قاعدتاً باید به احادیث این امامان رجوع کنیم. معتبرترین و قدیمی ترین کتاب شیعه در این زمینه اصول کافی است. ولی علامه برقی (مجتهد شیعه) کتابی نوشته به نام بت شکن و در این کتاب اکثر احادیث کافی را (حتی با استناد به نظرات مجلسی خرافی) مخالف قرآن و یا از نظر سلسله روات ضعیف و ناموثق تشخیص داده است پس تکلیف، چیست؟ همچنین مسائل مستحدثه روزافزون که در احادیث نیست را چه باید کرد؟

۸۱- آیا بین امامت منصوص با خاتمیت، تعارض جدی وجود ندارد؟ با عنایت به اینکه شیعه مقام امامت را بالاتر از نبوت می داند آیا این تعارض شدیدتر نمی شود؟ اگر هم می گوئید: به خاطر عدم آمادگی مردم، لازم بوده امامت امتداد رسالت باشد چرا خداوند مثل هزاران سال قبل، نبی نفرستاد؟ و چرا پس از حضرت عیسی تا رسالت حضرت محمد ﷺ یک دوره ۶۰۰ ساله بدون حتی یک پیامبر و یا امام داریم که نه

زمین به آسمان می آید و نه آسمان به زمین. پس امان زمین و زمان در آن دوران، که بوده؟! و همچنین: هادی مردم؟ در آخر: چرا حتی همین امامت که ۲۴۰ سال طول کشید هم جواب نداد؟

۸۲- بسیاری از آیات قرآن، مخالف وجود علم غیب در انسان است، پاسخ شما چیست؟ (مثل اعراف/۱۸۸).

۸۳- دهها آیه قرآن، می گوید: ای پیامبر، به مردم بگو من مزد و اجر رسالت از شما نمی خواهم اگر خلافت به صورت موروثی در خاندان دختر ایشان باشد و فدک را نیز به ایشان داده باشند تکلیف این آیات چه می شود؟

۸۴- لطفاً نقش خواجه نصیر الدین طوسی شیعه را در حمله هولاکو خان مغول به بغداد و کشتار یک میلیون نفر از مسلمانان آنجا را بیان نمایید؟

۸۵- تمامی آیاتی که در آن کلمه منافق و منافقین آمده مربوط به ده سال آخر اقامت پیامبر ﷺ در مدینه بوده و در آیات مکی (یعنی دوران ۱۳ ساله اقامت پیامبر در مکه) حتی یک بار هم کلمه منافق وجود ندارد به کدامین دلیل، شیعه برخی از مهاجرین را مشمول منافقین می دانند؟ آیا شیعه عالمتر از خداوند است؟

۸۶- لطفاً نظر خود را درباره این حدیث متواتر نبی اکرم بیان فرمایید: خداوند لعنت کند یهود و نصاری را که قبر پیامبرانشان را قبله و مسجد قرار دادند!!

۸۷- چرا پیامبر ﷺ در نماز از مهر استفاده نمی کرده اند؟ آیا نعوذ بالله ایشان از تکنیک تبدیل خاک به مهر بی اطلاع بوده اند؟ یا اینکه وسایل آنزمان اجازه تولید چنین محصول استراتژیک را نمی داده است؟

۸۸- چرا پیامبر اکرم ﷺ روی قبور شهدای احد به خصوص حمزه، ساختمانی بنا نمی کنند؟ یا روی قبر پسرش ابراهیم یا روی قبر حضرت خدیجه یا شهدای بئر معونه و غیره...

۸۹- آیا شباهتی بین عمل فراعنه در آبادانی و ایجاد عمارت بر روی قبور (اهرام مصر) و اهتمام یهودیان و مسیحیان و هندیها به آبادانی قبرستانها با عقاید شیعیان در این زمینه وجود ندارد؟

۹۰- شما می گوئید نبی اکرم فرموده اند: نام فرزندی از ایشان که قیام می کند همانم ایشان و نام پدرش نام پدر ایشان (عبدالله) است، چرا نام پدر امام مهدی، حسن است نه عبدالله؟

۹۱- امام در سیاق قرآن به معنای الگو است شما چگونه از آن برداشت خلافت می کنید؟

۹۲- شما در مورد بدعتگذار بودن خلفاء زیاد قیل و قال براه می اندازید لطفاً بیان فرمایید در زمان حیات رسول خدا کدام یک از موارد زیر وجود داشته:

۹۳- وجود اصنافی به نام مرجع تقلید، ولی فقیه، روحانی و اینکه مردم حتماً باید مقلد افرادی خاص باشند؟ (چرا ملاصدرا با تقلید مخالف بوده است و چرا علماء او را از شهر بیرون می کنند؟)

ساختن و تعمیر و آباد کردن قبرها و احداث بنا روی آنها.

وجود چیزی به نام مهر.

عزاداری (به جز گریه) و وجود دهه های اول و دوم و سوم و خودآزاری و زنجیر زنی و سینه زنی و براه انداختن کاروانهای خیابانی و قمه زنی و...

وجود جمله أشهد أن علی ولی الله در اذان. (در حالیکه شیخ صدوق در من لایحضر الفقیه غالیان را لعنت کرده که این جمله را - تیمنا و تبرکاً - وارد اذان کرده اند! آیا شیخ صدوق عالم نمی دانسته غالیان این جمله را از جهت تیمن و تبرک وارد اذان کرده اند!! یا اینکه او هنوز به این توجهیات کلامی شیعه آشنایی نداشته است؟)

۹۴- در اصول کافی حدیثی هست که زراره در آن روش وضو گرفتن را از امام محمد باقر توضیح می دهد. سؤال: ۱- زراره تا آن روز چگونه وضو می گرفته مگر پدر و مادرش سنی بوده اند؟^{۳۴} ۲- مگر امام محمد باقر روزی حداقل ۵ بار وضو نمی گرفته اند و او نمی دیده؟

۹۵- خمس (یعنی دریافت یک پنجم منافع سالیانه از مردم و نه یک پنجم غنایم جنگی) براستی چرا حتی یک روایت معتبر تاریخی (در کتب قدیمی مانند سیره ابن اسحاق یا تاریخ طبری و حتی تاریخ یعقوبی شیعه) وجود ندارد که پیامبر اکرم در ده سال حکومت در مدینه و حضرت علی در ۵ سال خلافتشان از مردم (کسبه و بازرگانان و کشاورزان و دامداران) به عنوان خمس، سود منافع سالیانه را دریافت کرده باشند ولی به کرات روایاتی را می بینیم که خمس غنایم جنگی را دریافت کرده اند؟ (خلفاء هم که از گرفتن خمس منافع بدشان نمی آمده ولی چرا این کار را انجام نمی داده اند در اینجا که دیگر ظلمی به اهل بیت وارد نمی شده؟!!!)

۹۶- قرائت زیارتنامه های موجود در مفاتیح توسط اصحاب (به خصوص زیارات عاشورا و دعای ندبه و دعای عهد و...) آیا وجود داشته است؟

۹۷- توسل اصحاب پیامبر ﷺ به قبر حضرت حمزه یا قبر پدر و مادر نبی اکرم، آیا وجود داشته است؟

۹۸- لعن و نفرین بتها و خدایان کافران. آیا وجود داشته؟

۹۹- پیامبر ﷺ به حضرت حمزه لقب سیدالشهداء را دادند ولی شما این لقب را به امام حسین ﷺ داده اید (البته من، خاک پای امام حسین هم نمی شوم ولی بحث بر سر بدعت و نوآوری است اگر خوب است چرا برای دیگران بد است و اگر بد است چرا شما انجام می دهید؟)

^{۳۴} فراموش نکنید به عقیده شیعه، زراره جزء یاران خاص و نزدیک امام بوده نه از اشخاص دور به امام.

۱۰۰- ارتباط با دولتهای مشرک و کافری که خدا را قبول ندارند و حتی مبادلات گسترده تجاری با آنها. مگر این کار طبق نص صریح قرآن و احادیث متواتر، گناه کبیره و حرام نیست؟

۱۰۱- آیا پرداخت ۲۴٪ سود سالانه در برخی موسسات و بانکهای ایرانی سود است یا ربا؟ اگر مضاربه یا هر چیز دیگر است چرا همیشه سود است و هیچگاه خبری از ضرر نیست؟ و چرا حتی در بانکهای ملل کفار چنین بهره هایی داده نمی شود؟

البته برای اثبات عقاید خود به تفسیر از آیات قرآن، اشاره نکنید یا به یک خبر واحد جعلی بلکه باید در کتب معتبر تاریخی نوشته شده باشد که چنین مواردی (به تواتر) در زمان حیات رسول خدا وجود داشته و مورد تایید ایشان بوده است. اشاره به کتب متاخر و جعلی بحار و منتهی الآمال و.... نیز بیهوده است.

۱۰۲- حضرت علی وقتی ابن عباس را برای گفتگو به سوی خوارج می فرستد می گوید: با آنها با آیات قرآن مجادله نکن زیرا آیات قرآن تاب تفسیرها و برداشتهای گوناگون را دارد بلکه با آنها از سنت نبوی دلیل و حجت بیاور برای همین من در مورد کل سئوالات این بخش از روحانیون می خواهم که از سنت متواتر و قطعی نبوی دلیل بیاورند.

۱۰۳- بیان فرمایید: آیا وظیفه مجمع تشخیص مصلحت نظام، چیزی جز تصویب قوانین خلاف شرع و خلاف اسلام است؟ (یعنی همان بدعت) (زیرا این مجمع قوانینی که شورای نگهبان تشخیص داده خلاف شرع است و به مجلس برگردانده را تصویب می کند!)

۱۰۴- در زمان حکومتهای قبلی در ایران هر گاه حاکم یا شاهی می خواسته از قوانین اسلام سرپیچی نماید روحانیون و علماء با انتقاد و سخنرانی و... او را سر جای خود می نشانده اند. آیا علت ضعف و انحطاط اخلاقی و سیاسی فعلی در جامعه ایران آن نیست که روحانی نمی تواند علیه روحانی حاکم انتقاد کند و هر کسی هم که انتقاد کند مارک

وهابی و سنی و کافر و آمریکایی می خورد؟ اگر سیاست شما عین دیانت شماسست پس چطور در فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر ناگهان سیاست از دین جدا می شود؟ و هرکس اینکار را بکند ضد دین، مرتد، محارب با خدا، مفسد فی الارض و ضد ولایت فقیه می شود؟

۱۰۵- شما برخی از سخنان ائمه را که در تایید و ستایش حضرت عمر و ابوبکر وارد شده، حمل بر تقیه می کنید. شما معتقدید ائمه علم غیب داشته و دقیقاً می دانسته اند در کجا و کی و توسط چه شخصی به شهادت می رسند. پس با داشتن این علم غیب، تقیه، چه معنایی داشته است؟ در کتاب کافی حدیثی هست مبنی بر اینکه امامان از زمان شهادت خود باخبرند و حتی به اختیار خویش می میرند، پس با این وجود تقیه به چه معناست؟ چون تقیه برای حفظ جان است و چنانچه کسی بداند فرد مقابلش قاتل نیست پس دیگر تقیه ندارد.

۱۰۶- در قرآن صریحاً ذکر شده که مومنین می گویند که بین هیچیک از پیامبران فرقی قائل نمی شویم (لا نفرق) چرا شما ائمه را از همه انبیاء حتی پیامبران اولی العزم بالاتر می دانید.

۱۰۷- چرا نبی اکرم ﷺ با وجود حضور حضرت فاطمه و حضرت علی احادیثی دارند که به اصحاب گفته اند قرآن را از برخی از اصحاب فرابگیرند؟ و چرا ایشان افرادی به جز خاندان خود را برای تبلیغ اسلام به سایر قبایل می فرستادند؟ مگر نه اینکه فقط اهل بیت صلاحیت این کارها را دارند؟ یعنی فقط: حضرت فاطمه ۱۵ ساله و حضرت علی ۲۵ ساله و حسن و حسین ۷ و ۸ ساله؟؟

۱۰۸- تمامی استنادات و تنها برگ برنده شما این است که می گویند: دلایل ما در کتب اهل سنت نیز وجود دارد! لطفاً بیان بفرمایید اشاره به وجود ۱۳ امام و اشاره به تحریف قرآن در کتب شیعه آیا می تواند علیه شیعه بکار رود؟ و اینکه بگوییم: شیعه به این مسائل معتقد است؟ به هر حال تفاوت شما با اسلام شناسان مغرض غربی (که با

استناد به روایات و افسانه های دروغین موجود در کتب تاریخی مسلمانها) اسلام را می کوبند در چیست؟

۱۰۹- آیا این شیعه نبود که با توهین به همسر مورد علاقه پیامبر ﷺ و خلفای اول و دوم و سوم مورد علاقه یک میلیارد مسلمان، بی احترامی و هتک مقدسات را باب کرد تا اینکه غربی ها کاریکاتور نبی اکرم را بکشند. پس: خدا لعنت کند کسانی را که اساس این کار را بنیان نهادند! (پس: اللهم لعن أسس الظلم والكذب والخرافة في إيران والإسلام)

قبر پرستی

۱۱۰- نظر شما (یا بهتر بگوییم: سفسطه و توجیه شما) در خصوص این احادیث که در کتب معتبر و اصلی و قدیمی شیعه آمده چیست؟ در کتاب تهذیب و وسائل الشیعه بنقل از جراح مدائنی آمده که جعفر صادق فرمود: (لا تبنوا علی القبور ولا تصوروا سقفوف البيوت، فإن رسول الله صلى الله عليه وسلم كره ذلك) بر قبرها بنا نسازید و سقف خانه ها را پر از تصویر نکنید که رسول خدا صلی الله علیه وسلم اینکار را ناپسند شمرده است. همچنین در مآخذ فوق و نیز در کتاب «من لا يحضره الفقيه» (از کتب اربعه شیعه) باب مناهی پیامبر صلی الله علیه وسلم بنقل از یونس بن ظبیان آمده که جعفر صادق فرمود: (نهی رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يصلي علي قبر أو يقعد عليه أو يبنی عليه) «رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی فرمود از این که بر قبری نماز گزارند یا بر آن بنشینند و یا بر آن بنا سازند». (عن أبي الهياج الأسدي قال: قال لي علي بن ابي طالب: ألا أبعثك علي ما بعثني عليه رسول الله صلى الله عليه وسلم أن لا تدع تمثالا إلا طمسته ولا قبراً مشرفاً إلا سويته). «از ابوالهياج اسدی روایت شده که گفت: علی بن ابی طالب به من گفت: آیا تو را بآن چیزی که رسول الله ﷺ مرا فرستاده بود نفرستم؟ و آن این است که هیچ عکس و تصویر و مجسمه ای را فرونگذاری جز آنکه آن را پاک نمایی و از بین ببری و هیچ قبری را

فرونگذاری جز آنکه آن را تخت نمایی». در کتاب وسائل الشیعه چاپ سنگی جلد اول ص / ۲۰۹ از کلینی بدین صورت نقل شده است: (عن أبي عبد الله قال: قال الإمام علي عليه السلام: بعثني رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى المدينة في هدم القبور و كسر الصور) «جعفر صادق گفت: امام علی فرمود، رسول خدا صلی الله علیه وسلم من را جهت تخریب (بنا و گنبد) روی قبور و شکستن تصاویر و مجسمه‌ها به سوی مدینه مامور و رهسپار کرد». همچنین امام نووی در شرح مسلم (ج ۴، ص ۳۰۱/۳۰۴ ارشاد الساری) آورده است: (قال الشافعي في الأم: و رأيت الأئمة بمكة يأمرؤن بهدم ما بيني و يؤيد الهدم قوله صلى الله عليه وسلم (ولا قبرا مشرفا إلا سويته ...)). امام نووی می‌فرماید: امام شافعی در کتاب الام فرموده است: در مکه مشاهده نمودم که ائمه دستور دادند بنای روی قبور را ویران نمایند و این عمل را فرموده‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم که فرموده: (و لا قبرا مشرفا إلا سويته) تأیید می‌کند.

چرا وصیت به اهل بیت

۱۱۱- این سوال مهم را دوباره می‌آوریم: عده ای از سقیفه بر می‌گشتند حضرت علی از آنها می‌پرسد: مهاجرین چگونه بر انصار غلبه یافتند؟ می‌گویند: با حدیث: «الأئمة من قریش». حضرت علی می‌فرماید: چرا از این حدیث استفاده نکردند که پیامبر اکرم مرتب سفارش انصار را به مهاجرین می‌کردند؟ می‌گویند: از کجای این حدیث، ریاست و خلافت مهاجرین، معلوم می‌شود. حضرت علی می‌گوید: از آنجا که اگر خلافت در انصار بود پیامبر اکرم، سفارش مهاجرین را به انصار می‌کردند و نه سفارش انصار را به مهاجرین. اکنون سؤال من اینجاست: آیا آنهمه که پیامبر اکرم، سفارش اهل بیت و خاندان خود را به دیگر مردم می‌کردند دلیل بر این نبوده که خلافت در خاندان ایشان نبوده است. به دیگر سخن: اگر مردم می‌دانسته‌اند که خلافت به صورت موروثی در خاندان علی است آیا نباید یک نفر تعجب کند و بلند شود و بگوید:

یا رسول الله، شما باید سفارش ما را به دستگاه خلافت بکنید که هوای ما را داشته باشند و نه سفارش آنها را به ما؟!!! (ضمن اینکه چرا حضرت علی نمی گویند منظور از الأئمة: من و فرزندان من هستند؟)

خطبه فدکیه

۱۱۲- محققین تاریخ می دانند چیزی به نام خطبه فدکیه وجود نداشته است (زیرا در کتاب بلاغات النساء شخصی که دارد روایت را برای مولف می گوید ۱۲۰ سال قبل مرده بوده است!!!) حمله ای نیز به خانه فاطمه صورت نگرفته است و حسن و حسین را نیز ام البنین و... بزرگ کردند. علت فضیلت تراشی و غلو شما برای برخی شخصیت‌های تاریخی چیست؟ براستی آیا حضرت خدیجه و سمیه بانوهای اول اسلام نبوده‌اند؟ یا دختری که علیرغم محبت فراوان پیامبر نسبت به او و فرزندانش در سن ۱۸ سالگی (یا ۲۸ سالگی) وفات می کند؟ و تاثیری آن چنانی در وقایع صدر اسلام نداشته است. براستی بهترین کتاب در این مورد کتاب فاطمه فاطمه است اثر دکتر شریعتی می باشد من هر چه این کتاب را خواندم علیرغم نثر قوی و مطالب آموزنده آن، چیزی در خصوص فضیلت و برتری حضرت فاطمه، دستگیرم نشد. شما اگر متوجه شدید برای من هم بیان نمایید. (البته به خداوندی خدا قسم اگر در زمان پیامبر زنده بودم حاضر بودم جان خودم و خانواده ام را در راه خدا و به پای پیامبر و حتی دختر بزرگوار ایشان حضرت فاطمه فدا کنم ولی منظور من شرک و غلو و دروغ‌گویی است که خود آن بزرگواران نیز راضی به آن نیستند).

روایت خوارج

۱۱۳- چرا شیعه برخی از احادیث عکرمه و سويد ابن غفله را قبول دارد و برخی را نه؟ (به عنوان نمونه، خطبه شقشقیه از عکرمه را قبول دارد ولی روایتی که می‌گوید: اهل بیت مشمول همسران پیامبر نیز می شده اند را چون راوی عکرمه است قبول ندارد. یا

حدیثی که حضرت علی فرموده: هر کس مرا بر ابوبکر و عمر برتری داد بر او حد مفتری می زنم چون راوی، سوید ابن غفله است را قبول ندارد در صورتی که بسیاری از احادیثی که مورد علاقه شیعه است متعلق به همین سوید ابن غفله است).

تحقیقی بدتر از تقلید

۱۱۴- شما می گوئید: اصول دین، تحقیقی است و نه تقلیدی. پس چرا همه مردم باید در تحقیقات خودشان، پیرامون اصول دین (یعنی توحید و نبوت و معاد و اصول مذهب شما: عدل و امامت) دقیقاً به همان نتایجی برسند که شما بر اساس تقلید و تلقین و تعصب و کینه و پیروی از گذشته گان گمراه خود، رسیده اید؟ و آیا نام چنین روشی، تقلید است یا تحقیق؟!!!^{۳۵}

کشاف العیوب

۱۱۵- شما و همه مسلمانان، خداوند را ستارالعیوب می دانند. چرا عقیده دارید نامه اعمال شما هر هفته به ملاحظه امامان می رسد؟ اینگونه آیا دارالسلام برای آنها دارالحزن نمی شود؟ یا نامه اعمال هر هفته به حضور امام زمان می رسد؟ و اینگونه ستارالعیوبی خداوند چه می شود؟

شرک در صفات

۱۱۶- آشکارترین نوع شرک آن است که صفات خالق را برای مخلوق قائل شویم چرا وقتی در متون و سخنرانی های شما دقیق شویم به چنین عقایدی برمی خوریم: (عدم امکان خطا و اشتباه برای ائمه - داشتن علم غیب و علم لدنی کامل - حی و حاضر بودن در همه جا و همه ساعتها - شنوایی و بینایی در ممات و حیات).

^{۳۵} و چرا سایتهای اینترنتی اهل سنت را بسته اید؟ تا مبدا مردم بتوانند تحقیق کنند.

یا ایها الذین آمنوا علی است!

۱۱۷- شما طی حدیثی معتقدید که هر کجا از قرآن آیه ای با یا ایها الذین آمنوا شروع شده مصداق اتم و اکمل آن حضرت علی هستند آیا نعوذ بالله حضرت علی مصداق این آیات هستند: ای کسانی که ایمان آورده اید ربا نخورید - ای کسانی که ایمان آورده اید صداقتان را جلوی پیامبر بلند نکنید - ای کسانی که ایمان آورده اید در حالت مستی نماز نخوانید - ای کسانی که ایمان آورده اید چرا می گوئید آنچه را عمل نمی کنید و... البته بر منکر اینکه حضرت علی یکی از بهترین مومنان و اصحاب نبی اکرم بوده اند لعنت ولی چرا دروغ و چرا جعل حدیث؟

امام قرآن است

۱۱۸- حضرت علی فرموده اند: آیات قرآن بعض آن مفسر و مبین بعض دیگر است. و قرآن را امام خود معرفی کرده اند. در قرآن کریم نیز کلمات متعددی دال بر این حقیقت وجود دارد. خطاب اکثر آیات: «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» است، و دعوت به تعقل و تفکر و تدبر و آن هم دقیقاً با همین واژه ها. بسیاری جاها گفته این کتاب نور است فرقان و وسیله جدایی حق از باطل است ذکر است تفصیل آن در خود آن است (با واژه های تفصیل، یفصل، بیان و...) روی چه حساب شیعه تنها مرجع توضیح قرآن را ائمه می داند؟^{۳۶} در حالیکه حتی همین ائمه به تواتر گفته اند اگر حدیثی از ما به شما

^{۳۶} شیعه شعارگونه ادعا می کنند که باید قرآن را تنها از امامان فرا گرفت. این در حالی است که کچکول روایتیشان از اقوال درست امامان بکلی تهی است! بطور مثال در سال ۲۰۰۲م دانشجویی شیعه پایان نامه دکتری خود را بعنوان - امام جعفر صادق و کوششهایش در تفسیر - به دانشکده الهیات تقدیم داشت. او توانسته بود تنها ۳۶۰ روایت را از امام در تفسیر بیابد که تنها ۱۱ روایت آن بنا به اصول روایت نزد شیعه درست بود. حال اگر از امام جعفر صادق که امام مذهب و دارای بیشترین روایات در مذهب است تنها ۱۱ روایت که برای تنها تفسیر چند آیه کافی نیست در دسترس است، چگونه می توان ادعای شیعه را مبنی بر فراگرفتن قرآن تنها از امامان، پذیرفت؟! (نگاه: کتاب: اسطوره المذهب

رسید و مخالف قرآن بود آنرا به سینه دیوار بزنید!! با همه اینها علامه بزرگوار سید مصطفی حسینی طباطبایی تفسیری دارد از حضرت علی در توضیح آیات قرآن کریم چرا شما به این کتاب اجازه چاپ نداده اید؟ و حتی سایت آنرا فیلتر کرده اید؟

گرمای سوزان روز غدیر

۱۱۹- جدلیون شیعه می گویند: مگر می شود پیامبر در آن گرمای شدید مردم را نگهدارد که بگوید علی را دوست داشته باشید؟
البته ما پاسخ علمی و عقلی می دهیم لطفاً با یک روایت و حدیث پاسخ ندهید و شما نیز تنها پاسخی علمی و منطقی و عقلی بدهید.

پاسخ:

- در غدیر، هیچگاه سرمای شدید حاکم نبوده و همه روزها گرما بوده هم قبل از آن و هم بعد از آن و مثل این است که بخواهیم مرتب بگوئیم: در آن سرمای شدید قطب جنوب!!! خوب مسلم است که هوا در قطب همیشه سرد است.
- قبایل عرب، همیشه زیر آفتاب سوزان عربستان در حال مسافرت و تجارت بوده یا در جستجوی آب مرتب در حال کوچ بوده اند. بعید است برای کسانی که بتها و خدایان خود را شکسته و مسلمان شده اند، ایستادن زیر آفتاب، خیلی ناراحت کننده بوده باشد.
- چطور شما معتقدید موضوع آنقدر مهم بوده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را در آن گرمای شدید نگه داشته ولی وقتی نوبت به بیان اصل مطلب می رسد این موضوع مهم را

الجعفری، از دکتر طه دلیمی) - اشاره به این نقطه هم مفید است که بدانید این کتاب به فارسی با عنوان - افسانه مذهب جعفری - ترجمه شده است. نگاه: ص ۵۲ و ۵۱ ترجمه فارسی کتاب. لینک آن در انترنت:

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=800

در پرده ای از ابهام و با واژه ای (مولی) اعلام می‌کنند که دارای ۲۷ معنی متفاوت است. و هیچکدام از آن ۲۷ معنی معنای خلافت را نمی‌دهد!!!

- رسم همیشگی عربها در مسافرتها این بوده است که پس از طی مسافتی برای استراحت، می‌ایستاده اند تا ضمن آن، کاروان پشت سر هم برسد. ولی شما با هیاهو می‌گویید: پیامبر گفت کاروان قبلی بیاید (نیازی به گفتن نبوده است خودش می‌آمده!!!) و کاروان رفته برگردد و گرمای شدید حاکم بود و... ولی بالاخره باید در جایی نماز ظهر خوانده می‌شد یا نه؟ ضمن اینکه پیامبر خطبه ای طولانی خوانده (که یک کلمه از آن سخن از خلافت و تعیین جانشین نیست) و در انتهای خطبه مردم را به دوستی با علی سفارش کرده پس هدف از توقف در غدیر: خواندن نماز، خواندن خطبه و آخرین سفارش به مردم و در انتها معرفی علی بوده و هدف از توقف فقط سفارش علی نبوده که بگویید چرا پیامبر در آن گرما مردم را نگهداشت.

- پیامبر اکرم ﷺ از آنجا که همیشه طبق شرایط واقعی (رئال) عمل می‌کرده و بر خلاف ما از خواب و خیالهای ایده آلیستی به کلی دور بوده برای همین در هر شرایطی موارد پیش آمده را به بعد موکول نمی‌کرده و طبق مدیریت زمان از هر لحظه برای بیان حقیقت یا عملی کردن طرحهای خودش استفاده می‌کرده است. اگر بنا بوده به کاروانی حمله کنند دستور حمله می‌داده اگر بنا بوده آیه ای در مذمت منافقان خوانده شود خوانده می‌شده و هیچگاه مسائلی مانند گرمای شدید یا غیره برای ایشان در بیان حقیقت هر قدر کوچک یا بزرگ تاثیری نداشته است. سؤال مهمتر اینکه: حقیقت، حقیقت است و کوچک و بزرگ و کم اهمیت و پراهمیت، ندارد و بیان آن نیز واجب است (به خصوص از سوی پیامبر) ضمن اینکه آن سال، آخرین سال حیات پیامبر ﷺ بوده و موقعیت دیگری برای بیان حقانیت علی وجود نداشته است. برای نمونه به قرآن کریم نگاه کنید که مثلاً برای دعوای زن و شوهر آیه نازل می‌شود! برای اینکه اعراب صدایشان را جلوی پیامبر بلند نکنند آیه نازل می‌شده! برای یک اخم پیامبر به یک شخص کور، آیه نازل

شده و پیامبر به شدت در آن توبیخ شده اند.^{۳۷} پس کم اهمیت یا پر اهمیت بودن وقایع از دید ما صحیح نیست و باید وقایع را طبق شرایط همان زمان و آن هم از دید الهی بررسی کرد.

- پیامبر ﷺ در آخرین سالهای حیات خود به تبوک، سرزمینی با فاصله زیاد لشکر کشی کرده و ضمن صرف هزینه ای سنگین بدون هیچگونه درگیری و نبردی باز می گردند. بله این عمل ایشان در نگاه ما (در قرن ۲۰) تعجب آور است. ولی آیا باید بگوییم: ایشان اهداف و نیت دیگری، مطابق با علایق و سلايق امروزی ما داشتند؟ و چرا در آن گرمای شدید هیچ جنگی صورت نگرفت؟ و اینهمه هزینه بیهوده شد! و هدف پیامبر چیز دیگری بود! آری، چنین رفتارهای خارق العاده ای پیش از این نیز از پیامبر دیده شده ایشان دو بار دستور هجرت به حبشه می دهد با ۳۰۰ نفر در بدر مقابل سپاه ۱۰۰۰ نفری کفار می ایستد، مسجد ضرار را تخریب می کند. با کفار در حدیبیه صلح می کند و... پس می تواند برای احقاق حق علی و جلوگیری از شایعه پراکنی علیه او و سفارش به دوستی با او در گرمای شدید هم مردم را نگهدارد و حتی از آنها بیعت دوستی با علی را بگیرد.

- وقتی بناست مردم در آن گرمای شدید حرکت کنند و آنرا تحمل نمایند آیا چند دقیقه کمتر و بیشتر تفاوتی می کند.

- اگر از نرم افزارهای رایانه ای برای محاسبه زمان واقعه غدیر استفاده کنید^{۳۸} متوجه می شوید ۱۸ ذی الحجه یعنی واقعه غدیرخیم در روز ۲۹ اسفند بوده و نمی توانسته

^{۳۷} البته شیعه این اعتقاد را ندارد، برای درک بهتر قضیه به تفسیر نوین جزء ۳۰ نوشته محمد تقی شریعتی مراجعه کنید.

^{۳۸} نمونه ای از نرم افزار تبدیل تاریخ در سایت www.andishe.net موجود است. سایت هواشناسی عربستان : www.pme.gov.sa البته اگر مشاهده کردید این دو سایت، فیلتر شده است بدانید که ریگی به کفش آخوندهاست زیرا این دو سایت نه مطالب اخلاقی دارد و نه مطالب دینی. البته کلک

چندان گرمای شدیدی در محیط وجود داشته باشد. من مدت ۲ سال، سایت هواشناسی عربستان را در این خصوص، بررسی کردم و متوجه شدم از فاصله زمانی ۲۵ اسفندماه تا ۱۰ فروردین ماه این دوسال (سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ شمسی) درجه هوای منطقه رابغ (که غدیر در آن واقع است) در گرمترین ساعات روز از ۳۰ درجه بیشتر نمی‌شود و با توجه به اینکه هوای زمین طی هزار سال گذشته دو درجه گرمتر شده^{۳۹} با اطمینان قریب به یقین، می‌توان گفت: درجه هوای غدیر خم در ۲۹ اسفند سال ۱۰ هجری: ۲۸ درجه یا چیزی نزدیک به آن، بوده است و چنین درجه حرارتی نه تنها گرمای شدید و حتی گرمای معمولی نیست بلکه بسیار فرح انگیز و روح بخش است. (جالب است که طی این محاسبه رایانه ای معلوم می‌شود غدیر خم روز سه‌شنبه یا چهارشنبه بوده و براحتی حادثی که می‌گوید غدیر در روز پنجشنبه و یا جمعه بوده دروغ محض است هر چند به اشتباه در کتب اهل سنت هم آمده باشد).

- و به عنوان تلنگر آخر به مغز شما: چرا راوی آن حدیث جعلی که می‌گوید هوا گرم بود این همه روی گرمی هوا تاکید داشته مگر گرمای هوا برای عربها چیز تازه و جدیدی بوده پس متوجه می‌شویم که ریگی به کفش راوی بوده....

۱۲۰- چه پاسخی برای احادیث زیر دارید که تمامی آنها از قدیمی ترین و معتبرترین کتب نویسندگان شیعه هستند:

جدید آن است که اینگونه سایتها را به سمت سایتی دیگر، منحرف می‌کنند که بعضا سایتهای خلاف اخلاق و عفت عمومی است. عجیب است که حاضرند مردم اخلاقشان فاسد بشود ولی اعتقاداتشان اصلاح نشود!

^{۳۹} به علل گوناگونی دمای فعلی کره زمین گرمتر شده است، دلایلی چون شکافته شدن جو و لایه بیرونی زمین.

احادیث تلخ در مذهب حیران

۱- مردگان، رفته گان همسایگانی هستند که هر گاه آنان را بخوانند پاسخی نمی دهند و ظلم و ستمی را دفع نمی کنند و متوجه نوحه سرایی و مداحی نمی شوند اگر در حق ایشان نیکی شود شاد نگردند و اگر قحطی شود نا امید نمی شوند با هم هستند در حالی که تنها هستند و همسایه اند در حالی که از هم دورند به زیارت یکدیگر نمی روند. (نهج البلاغه خطبه ۱۱۱)

۲- هروی از امام رضا می پرسد: یا ابن رسول الله، در کوفه گروهی هستند که می پندارند که بر رسول خدا سهو و اشتباهی در نمازش واقع نمی شد. امام رضا فرمودند: خدا ایشان را لعنت کند دروغ گفته اند. آنکه سهو نمی کند فقط خدای تعالی است که جز او خدایی نیست. (جلد ۷ بحارالانوار و عیون اخبار الرضا) (همچنین: آیه قرآن: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾: ای پیامبر، بگو من نیز بشری مانند شما هستم) نیز موید این مطلب است).

۳- حضرت علی در نامه ای به منذر ابن جارود می فرماید: همانا نیکوکاری پدرت مرا فریفت و پنداشتم که هدایت او را پیروی می کنی و به راه او می روی. (نهج البلاغه نامه ۷۱)

۴- در مقدمه تفسیر البرهان در باب دهم منقول است: کسانی بعضی آیات را به ائمه تفسیر می کردند. مفضل ابن عمر این معنی را خدمت حضرت صادق عرض نمود آن بزرگوار فرمود: کسی که چنین عقیده ای که تو از آن پرسش نمودی دارد در نزد من مشرک به خداست! (چشم مفسران و محققان و مداحان روشن!)

- ۵- حضرت علی: «از غلو و مبالغه درباره ما برحذر باشید»^{۴۰} ما بندگانی پرورده خداییم درباره فضایل ما آنچه می خواهید بگویید. کسی که ما را دوست بدارد باید عمل ما را انجام دهد و از پرهیزگاری مدد بگیرد». (تحف العقول)
- ۶- حضرت علی: لا تفضحوا أنفسکم عند عدوکم يوم القيامة: با این عقاید سخیفه موجب روشنی چشم دشمن و رسوایی خودتان در روز قیامت نشوید. (زیارت قبور - حیدرعلی قلمداران ص ۱۶۲).
- ۷- من دیروز همنشین شما بودم و امروز برای شما عبرتم و فردا از شما جدا می شوم. (نهج البلاغه خطبه ۱۴۹)
- ۸- رفته گان، گورشان خانه هایشان شد و اموالشان به میراث رفت کسی را که بر سر گورشان می آید نمی شناسند و به کسی که برایشان گریه می کند توجهی ندارند و هر کس که ایشان را بخواند جواب نمی دهند. (نهج البلاغه خطبه ۲۳۵)
- ۹- حضرت علی پس از خواندن سوره تکاثر می فرماید: عجب مقصد دوری است و چه زیارت غافلانه ای اگر (قبور بزرگان) باعث عبرت باشد سزاوارتر از آن است که مایه فخر گردد و اگر با دیده فروتنی به قبر نگاه کنند خردمندانه تر از آن است که آنها را وسیله فخر قرار دهند بی درنگ که با دیده ای تار به آنها نگاه می کنند و بدین سبب به دریای جهل و نادانی فرو رفته اند. به اهل قبور جامی نوشانده اند که قوه گویایشان را به گنگی و شنوایشان را به کری و حرکاتشان را به سکون تبدیل کرده است. (نهج البلاغه خطبه ۲۲۱)

^{۴۰} ای کاش می فهمیدم غلو در نظر شیعیان به چه معناست؟ شیعیان تنها چیزی را که غلو می دانند این است که شما بگوئید حضرت علی خود خداست، ولی دادن صفات خالق به مخلوق را غلو نمی دانند، صفاتی چون حاضر و ناظر بودن در هر جا و صدا کردن ائمه در دعاها و جاهای دیگر و دادن صفاتی چون علم غیب و عصمت به ائمه و غیره...

۱۰- مرا با ثنای پسندیده ثنا خوانی نکنید تا خود را نسبت به خداوند آماده کنم و از عهده حقوقی که هنوز ادا نکرده ام برآیم و من خود را از خطا مصون نمی دانم و در کارم از خطا ایمن نیستم مگر اینکه خداوند مرا در برابر نفسم ننگه فرماید که از من بر این کار توانا تر است، همانا من و شما بندگان و مملوک پروردگاری هستیم که جز او پروردگاری نیست. پروردگاری که ما را از آنچه در آن بودیم بیرون آورد و به آنچه صلاح ما بود وارد ساخت و گمراهی ما را به هدایت و نا بینایی ما را به بینایی مبدل ساخت. (نهج البلاغه خطبه ۲۱۶)

۱۱- به روی مداحان خاک بپاشید. رسول اکرم (وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۱۳۲ حدیث اول)

۱۲- قبرم را قبله گاه و محل توجه و مسجد قرار ندهید همانا خدای متعال یهود را لعنت نمود زیرا قبور پیامبران خود را مساجد قرار داده اند. پیامبر اکرم (وسائل الشیعه ج ۲ باب ۶۵ ص ۸۸۷)^{۴۱}

۱۳- پیامبر ﷺ از گچ کاری قبر و نوشتن روی آن نهی فرموده. (مستدرک الوسائل محدث نوری از علامه حلی در کتاب النهایه. مستدرک چاپ سنگی ۱۲۷/۱).

۱۴- علی فرمود: شنیدم که رسول خدا می فرماید: قبرم را محل رفت و آمد قرار ندهید و قبرهایتان را مساجد خویش قرار ندهید و خانه هایتان را محل دفن مرده هایتان قرار ندهید. (مستدرک الوسائل ج ۱ باب ۵۵ از ابواب دفن ص ۱۳۲)

۱۵- موسی ابن جعفر: قبر مرا بیش از چهار انگشت باز از هم بیشتر بالا نبرید. (وسائل الشیعه ج ۲ باب ۳۱ از ابواب دفن ص ۸۵۸)

۱۶- امام صادق: هرگز ایستاده آب منوش و هیچ قبری را طواف مکن و در آب پاک ادرار مکن. (وسائل الشیعه ج ۱۰ باب ۹۲ سفینه البحار ج ۲ ص ۹۹)

^{۴۱} توجه شیعیان به قبرستان باعث کمرنگ شدن مساجد شده و عظمت مساجد از بین رفته است و جمعیت مسلمین بجای مساجد در قبرستان است.

- ۱۷- حضرت علی علیه السلام: رسول خدا ما را از ذخیره کردن گوشت‌های قربانی بیش از سه روز نهی فرمود و... و ما را از زیارت قبور نهی نمود. (مسند امام زید کتاب الحج)
- ۱۸- پیامبر اکرم: خداوند فرموده: من نزد دل‌های شکسته و قبرهای ویرانم.
- ۱۹- امام صادق: قبر رسول خدا از شن قرمز رنگ است. (وسائل الشیعه ج ۲ باب ۳۷ ص ۸۶۴) پس تا آن زمان قبر رسول الله بنا و زینت و... نشده بوده!
- ۲۰- عبدالرزاق صنعانی از قدمای شیعه از ابن طاووس روایت کرده: پیامبر صلی الله علیه و آله از اینکه بر قبر مسلمین بنایی ساخته شود و یا گچ کاری و یا بر روی آن زراعت شود نهی نموده و فرمودند: بهترین قبور شما قبری است که شناخته نشود. (المصنف، ۵۰۶/۳)
- ۲۱- ذکری: رسول خدا قبر فرزندش ابراهیم را مسطح نمود و قاسم ابن محمد گوید: قبر نبی اکرم و شیخین را در حالی دیدم که مسطح بود و نیز می‌گوید: قبر مهاجرین و انصار در مدینه منوره مسطح بود. (توحید عبادت سنگلجی انتشارات دانش ص ۱۴۹)
- ۲۲- امام صادق: قبر مرا از گل غیر خودش گل کاری نکنید (وسائل الشیعه ج ۲ باب ۱۶ از ابواب دفن ص ۸۶۴).
- ۲۳- حضرت علی علیه السلام: رسول خدا از اینکه بر قبر، خاکی ریخته شود که از خودش نیست نهی فرمود. (مستدرک ج ۱ باب ۳۴ از ابواب دفن ص ۱۲۶)
- ۲۴- رسول خدا در آخرین لحظات عمر شریف: اللهم لا تجعل قبری وثنا یعبد: خدایا، قبرم را بتی قرار مده که عبادت شود.
- ۲۵- شهید اول در کتاب ذکری گذاشتن یک قطیفه بر مرقد مطهر نبی اکرم را فاقد دلیل شرعی و ترک این کار را اولی دانست.
- ۲۶- (جالب است در مفاتیح و سایر کتب جعلی آمده که وقتی قبه قبر ما را دیدی چنان و چنین بگو و وقتی به ضریح رسیدی چنین و چنان بکن و این در حالی است که تا سالها پس از رحلت ائمه، ساختمان و قبه و ضریحی بر مزار آنها نبوده است!!!)

- ۲۷- حضرت علی علیه السلام: شایسته است کسی که جلال پروردگار بر خود بزرگ می بیند و مقام حق در دلش عظمت دارد همه چیز جز حق در نظرش به سبب عظمت الهی کوچک آید. و من نمی پسندم که از ذهن تان بگذرد که مدح و ستایش خویش و شنیدن ثنای خود را دوست دارم. سپاس آن خدایی را که چنین نیستم. (نهج البلاغه خطبه ۲۱۶)
- ۲۸- رسول خدا: پروردگارا، هیچ پناهگاه و گریزگاهی جز به سوی تو وجود ندارد.
- ۲۹- امام سجاد: ستایش سزاوار آن خدایی است که تمام درهای طلب حاجت را بروی ما بست مگر آن دری که فقط به سوی او منتهی می شود. (صحیفه سجادیه دعای اول) امام سجاد: خدایا، جز از تو طلب گشایش را نخواهم کرد. (مفاتیح الجنان اواخر دعای ابوحمزه ثمالی)
- ۳۰- (یکی از دعاها کتاب جعلی مفاتیح: یا محمد و یا علی احفظانی فإنکما حافظانی اکفیانی فإنکما کافیان). ای محمد و ای علی، شما دو نفر مرا حفظ کنید و شما دو نفر مرا کفایت کنید که شما مرا کافی هستید. ولی در سوره توبه می خوانیم: برای شما غیر خدا سرپرست و یآوری نیست. و در سوره نساء: ﴿وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا﴾ ﴿١٥٠﴾: «و کافی است که خدا ولی و سرپرست شما باشد و کافی است که خدا یاور شما باشد». و در سوره زمر (آیه ۳۶): ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾: «آیا خداوند برای بنده خود کافی نیست؟». البته نبی اکرم و حضرت علی و سایر اصحاب بلندقدر ایشان باید برای ما الگو و سرمشق باشند، ولی تفاوت است میان اسوه بودن تا داشتن عقاید شرک آمیز. سوره توبه (آیه ۱۱۸): ﴿أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ﴾ «هیچ پناهگاهی در برابر خداوند نیست مگر به سوی خود او». سوره انعام آیه ۵۰ و سوره هود آیه ۳۱: ﴿قُلْ ... وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ﴾ «بگو... من غیب نمی دانم». (براستی این آیات چقدر برای شیعیان، عجیب و جدید و تازه و غیر قابل فهم، خواهد بود!).

۳۱- حضرت علی علیه السلام: «فقط از خدا حاجت را بخواه زیرا عطا کردن و محروم ساختن فقط به دست خداست، و فقط خداست که تو را از گرفتاری رهایی می بخشد پس باید تعبد و بندگیت فقط برای او و رغبت تو فقط به سوی او باشد». (نهج البلاغه نامه ۳۱) که دقیقاً با آیات قرآنی موافق است مانند: أَمَّنْ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ. (نمل / ۶۲) «چه کسی [دعای شخص] درمانده را، چون او را بخواند، می پذیرد و سختی را بر می دارد».

۳۲- انجیل متی باب ۲۳: عیسی فرمود: وای به حال شما ای علمای دینی و فریسیان ریاکار، شما برای پیامبرانی که اجدادتان آنها را کشته اند با دست خود بنای یادبود درست می کنید!!!!

۳۳- ابوعمر عامر ابن شراحیل الکوفی متوفای ۱۰۴ هجری که بیش از ۱۵۰ تن از صحابه رسول خدا را دیده و از آنان حدیث اخذ کرده به قول ابن بطال همواره می گفت: اگر نه این بود که رسول خدا از زیارت قبور نهی فرموده است من قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت می کردم.

۳۴- عبدالرزاق الصنعانی شیعی در کتاب خود المصنف: کسی که قبرها را زیارت کند از ما نیست. (رسول خدا) المصنف ۵۶۹/۳ حدیث ۶۷۰۵).

۳۵- حاکم نیشابوری از عبدالله ابن عمرو ابن عاص روایت می کند: ما با رسول خدا مردی را که مرده بود در قبر گذاشتیم چون برگشتیم و برابر خانه آن میت رسیدیم ناگاه با زنی برخورد کردیم که گمان می کنم رسول خدا او را شناخت. پس فرمود: ای فاطمه، از کجا می آیی؟ آن زن گفت: از نزد خانواده این میت. رسول خدا فرمود: مبدا با ایشان به قبرستان رفته باشی؟ زن گفت: معاذالله که من با ایشان تا قبرستان رفته باشم در حالی که تو در این باب آنچه را که باید تذکر داده ای! رسول خدا فرمود: اگر با ایشان به قبرستان رفته بودی دیگر بهشت را نمی دیدی تا آنگاه که جد پدرت که بت پرست بود را ببینی!

۳۶- پیامبر ﷺ ما را از زیارت قبور نهی فرمود. (مسند امام زید دار مكتبة الحياة، ص ۲۴۶).

۳۷- رسول خدا: خدا لعنت کند زائرات قبور را. و کسانی که بر قبرها مسجد می سازند. (التاج الجامع الأصول فی أحادیث الرسول ۳۸۲/۱)

۳۸- رسول خدا: قبرم را محل آمد و شد قرار ندهید. (حدیث متواتر مورد اتفاق)

۳۹- حدیث عطاء ابن یسار از رسول خدا: بار خدایا، قبر مرا بتی قرار مده که پرستیده شود.

۴۰- حضرت صادق: بالای قبر ابراهیم پسر رسول خدا (که در سن ۲ سالگی فوت کرد) شاخه نخل خرمایی بود که چون خشک شد قبر نیز گم شد و دیگر معلوم نشد (حتماً پسر رسول خدا نیز با ابوبکر و عمر دشمن بوده و برای نشان دادن این دشمنی به آیندگان، خواسته است محل قبرش مانند حضرت فاطمه نامعلوم باشد!) (کتاب کافی و کتاب من لایحضر الفقیه).

۴۱- رسول خدا: اگر نه این بود که جنازه حمزه با این وضع زنان ما را اندوهگین می کند ما او را وامی گذاشتیم تا درندگان و مرغان جسدش را بخورند و در روز قیامت از شکم درندگان و چینه دان مرغان محشور شود. (سیره ابن هشام و تفسیر علی ابن ابراهیم قمی و جلد ششم بحارالانوار و ...).

۴۲- دستور حضرت علی به ابی الهیاج: قبری را باقی مگذار مگر آنکه آن را با خاک یکسان سازی و تندیزی باقی مگذار مگر آنکه خرابش کنی.

۴۳- حضرت علی علیه السلام: هر که قبری را تجدید بنا کند و یا مجسمه ای بسازد از اسلام خارج شده است. (من لایحضره الفقیه صدوق و المحاسن برقی و جلد ۱۸ بحارالانوار و وسائل الشیعة باب ۴۳).

۴۴- جناب حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی گروهی را در نزد قبر پیامبر دید. پس ایشان را از این عمل نهی نمود و فرمود: همانا پیامبر خدا فرمود: قبر مرا عید (محل آمد و

شد) مگیرید و خانه هایتان را قبرستان نکنید. (المصنف صنعانی و وفاء الوفاء سمهودی ص ۱۳۶۰).

۴۵- در کتاب کافی از ابی القداح روایت شده که امام جعفر صادق فرمود: علی فرمود: رسول خدا مرا به مدینه گسیل داشت برای خرابی گورستانها و شکستن صورتها و فرمود: هیچ تصویری مگذار مگر اینکه آنرا محو کنی و هرچه قبری را مگذار مگر آنکه آنرا با زمین مساوی گردانی.

۴۶- در کتاب تهذیب شیخ طوسی و وسائل الشیعة باب ۴۴ از ابواب دفن آورده: علی ابن جعفر می گوید: از برادرم موسی بن جعفر سؤال کردم: آیا ساختمان روی قبر و نشستن بر روی آن خوب است؟ فرمود: نه ساختمان روی قبر خوب است و نه نشستن بر روی آن، و نه گچ کاری آن و نه گل مالی نمودن آن.

۴۷- در مجالس شیخ صدوق از حضرت امام صادق روایت شده که آن حضرت از اجداد بزرگوارش روایت نموده و گفت: رسول خدا از گچ مالی نمودن قبر و نماز خواندن در آن نهی فرمود.

۴۸- در محاسن برقی از جراح مدائنی از ابی عبدالله صادق روایت شده که فرمود: بر قبرها بنا نکنید و سقف های خانه ها را نقاشی نکنید برای اینکه رسول خدا این عمل را مکروه دانست.

۴۹- در وسائل الشیعة باب ۴۴ ابواب دفن از امام صادق روایت شده: رسول خدا نهی فرمودند که بر قبری نمازگزاری شود یا روی آن بنشینند یا بر آن ساختمانی بنا کنند.

۵۰- در معانی الأخبار آمده: پیامبر از گچ کاری گورها نهی فرمود.

۵۱- فقه الرضا روایت کرده: علی به سوی مردم آمد و فرمود: آیا می دانید که رسول خدا کسی را که قبرها را مصلی و جای نمازخواندن قرار دهد لعنت کرده است و کسی که با خدا معبودی دیگر قرار دهد نیز لعنت فرموده یعنی هر دو مشرکند!

۵۲- در علل الشرایع امام صادق از پدران بزرگوارش نقل نموده: قبر پیامبر ﷺ فقط یک وجب از زمین بالا آمده بود. (و خود پیامبر نیز که فرموده بودند قبر مرا قبله قرار ندهید و مسجد نکنید زیرا خدای تعالی یهود را برای اینکه قبور پیامبران خود را مسجد کرده بودند لعنت فرمود. (احادیث فوق همه از کتب شیعه می باشد و نه از کتب وهابی ها و سنی ها!)).

۵۳- ام سلمه به رسول خدا یادآور شد وقتی که در مهاجرت اول در حبشه بوده معبدی را دیده به نام ماریه و برای نبی اکرم آنچه که در آن از نقش و نگارها و آئینه کاریها دیده بود تعریف کرد حضرت رسول فرمود: اینان گروهی بودند که چون بنده صالح و مرد خوبی در میان ایشان می مرد روی قبر او مسجد می ساختند و در آن نقش و نگارها به کار می بردند. این قبیل مردم بدترین خلق خدایند. (التاج الجامع الأصول ج ۱ ص ۲۴۳ و ۲۴۴)

۵۴- پروردگارا، تو اولی و قبل از مخلوقات بوده ای.... و شفیع آنانی. کسی برتر از تو نیست تا میان تو و آنان حائل شود (یعنی واسطه) و جای رفتن جایگاهشان در قبضه قدرت توست. حضرت علی - صحیفه علویه دعای روز ۱۴ هر ماه.

۵۵- حضرت علی خطاب به امام حسن: بدان، خداوندی که گنجهای آسمان و زمین در دست اوست به تو اجازه درخواست داده و اجابت آنرا به عهده گرفته است تو را فرمان داده که از او بخواهی تا عطا کند. درخواست رحمت کنی تا ببخشاید و خداوند بین تو و خودش کسی را قرار نداده تا حجاب و فاصله ایجاد کند و تو را مجبور نساخته که به شفیع و واسطه ای پناه ببری... (نهج البلاغه نامه ۳۱ در بازگشت از جنگ صفین).

۵۶- حضرت علی: تمت بنینا حجت. با پیامبر ما حجت تمام شد (و دیگری حجتی نداریم) خطبه ۹۰ نهج البلاغه خطبه اشباح (ولی در زیارات جعلی و احادیث خرافی شیعه با هزاران حجت و واسطه و شرک و کفر، روبرو می شویم) در هر حدیثی که

مشاهده کردید سخن از حجتی پس از پیامبر ﷺ شده طبق همین سخن حضرت علی آن را رد کنید.

۵۷- اگر شفاعت خواهم پس سزاوار شفاعت نیستم.... پروردگارا، کرم و بزرگواریت را در خطاهایم شفیع فرما... هیچ شفیعی در پیشگاهت ندارم پس بگذار فضل و کرم تو برایم شفاعت کند. امام سجاد: صحیفه سجادیه دعای توبه و طلب آن.

۵۸- و اینکه چرا اینهمه حدیث جعلی در کتابها وارد شده: رجال کشی از امام محمد باقر روایت شده: در نزد ایشان نام سلمان برده می شود می فرمایند: او سلمان محمدی است همانا سلمان از ما اهل بیت بود او بود که همواره به مردم می گفت: شما مردم از قرآن گریخته به احادیث پناه بردید (شاید برای همین در زمان حیات همین سلمان حضرت عمر اجازه کتابت احادیث را نداد و...) از آن جهت که قرآن را کتابی یافتید که شما را بر نقیر و قطمیر و خردل (یعنی به اندک چیزی چون پوسته هسته خرما و خال پشت هسته) به حساب می کشد. از این جهت بر شما پذیرش قرآن سخت آمد و به تنگنا افتادید. لذا به احادیث پناه بردید زیرا بر شما گشایش داد. (رجال کشی چاپ کربلا ص ۲۲ و ۲۳)

۵۹- ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾﴾. (بقره / ۱۵۵-۱۵۷) «ما شما را می آزمائیم به چیزی از خوف و گرسنگی و نقص در اموال و جانها و میوه ها، پس بشارت و مژده ده صابران را * آنانکه به هنگام برخورد با مصیبتی گویند: ما از آن خدا هستیم و بسوی او باز می گردیم * آنانند که مشمول صلوات و رحمت پروردگارشان هستند و همانها هستند هدایت شدگان و راه یافتگان».

- ۶۰- ﴿يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْاُمُوْرِ﴾ (لقمان ۱۷) «ای فرزند من، نماز را بپا دار و امر بمعروف و نهی از منکر نما و صبر کن بر آنچه بتو می‌رسد همانا که آن (صبر) از امور بسیار مهم است».
- ۶۱- ﴿فَالِلهِ كُـمِرْ اِلَهُ وَاَحَدٌ فَلهٗ اَسْلِمُوْا وَكَثِرَ الْمُخْبِتِيْنَ﴾ (الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَجَلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَالصَّابِرِيْنَ عَلٰى مَا اَصَابَهُمْ وَالْمُقِيْمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنْفِقُوْنَ) (حج ۳۴ و ۳۵) «پس اله شما معبود واحدی است، پس به او تسلیم شوید، بشارت ده صاحبان دل‌های آرام را * آنانکه چون یاد خدا شود دل‌هایشان بترسد و بر آنچه به ایشان رسد صابر باشند و آنانکه نماز را بپادارند و از آنچه روزی ایشان کردیم انفاق می‌کنند».
- ۶۲- قال رسول الله ﷺ: «النِّياحَةُ مِنْ عَمَلِ الْجَاهِلِيَّةِ». (من لا يحضره - شيخ صدوق - جزء ۴) پیامبر خدا فرمود: «نوحه‌خوانی از کارهای دوران جاهلیت است».
- ۶۳- قال رسول الله ﷺ: «ليس منا من ضرب الخدود وشق الجيوب». (مسكن الفواد، شهيد ثانی) پیامبر خدا فرمود: «از ما نیستند کسانی‌که (به هنگام مصیبت) برگونه‌ها بزنند و گریبانها پاره کنند».
- ۶۴- قال رسول الله ﷺ: «ضرب المسلم بيده على فخذة عند المصيبة إحباط لأجره». (فروع کافی) پیامبر خدا فرمود: مسلمان به هنگام مصیبت چون با دست خویش بران خود بکوبد مزدش نابود می‌شود.
- ۶۵- قال رسول الله ﷺ: «لعن الله الخامسة وجهها والشاقة جيبها والداعية بالويل والثبور». (مسكن الفواد) پیامبر خدا فرمود: خدا لعنت کند زنی را که چهره اش را در مصیبت بخراشد و گریبان‌ش بدرد و فغان و واویلا بگوید.
- ۶۶- در کتاب مسكن الفواد از ام سلمه روایت می‌کند: هنگامی که ابوسلمه (شوهر اولش) از دنیا رفت من با خود گفتم در این سرزمین من به این مصیبت گرفتار شدم گریه

و عزاداری برای او برپا کنم. اتفاقاً زنی که نوحه‌گر بود هم بر من وارد شد و می‌خواست مرا در آن مصیبت کمک کند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا می‌خواهید دوباره شیطان را که خدایتعالی از این خانه بیرون رانده است برگردانید؟!

۶۷- در صفحه ۵۶ کتاب مسکن الفواد از یوسف بن عبدالله بن سلام نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر وقت شدت و مصیبتی بر خانواده اش وارد می‌شد ایشان را امر می‌کرد به نماز خواندن و این آیه را قرائت می‌کرد: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر ادای آن شکیبا باش!».

۶۸- شیخ مفید در کتاب ارشاد جلد ۲ صفحه ۹۷ آورده که امام حسین به خواهرش زینب(س) فرمود: «ای خواهر جان من، تورا سوگند دادم و تو به سوگند من وفادار باش که چون کشته شدم گریبان بر من چاک مکن و چهره مخراش و در مرگ من واویلا واثبورا (عذاب بر من باد خدایم مرگ دهد) مگو»^{۴۲}.

۶۹- شیخ کلینی در فروع کافی ج ۳ ص ۲۲۵ از امام موسی بن جعفر آورده که فرمود: «مردی که به هنگام مصیبت دست خود بر رانش بکوبد موجب تباه کردن اجر خویش می‌شود».

۷۰- شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۵۲۰ از حضرت صادق آورده که فرمود: «هرکس به هنگام مصیبت دست خود بر رانش بکوبد اجرش تباه می‌شود».

البته بر قاتلین امام حسین لعنت ولی من سئوالی از شما دارم: اگر شما رحلت کردید (البته بعد از ۱۲۰ سال!) آیا بیشتر دوست دارید که انسانهای زنده از رفتار شما تبعیت کرده و عقاید شما را رواج دهند و عملی کنند یا هر سال برای جسم فانی شما بر سر و مغز خودشان بکوبند؟ براستی کدام شیعه یک حدیث از امام حسین بلد است؟ و کدام شیعه در برابر ظلم می‌ایستد و کدام شیعه رفتار و منش امام حسین را دارد؟ در مجمع

^{۴۲} این روایت، در تاریخ یعقوبی شیعه نیز وجود دارد.

علمای اهل سنت، شخصی از آقای ازغدی سؤال کرد چرا شما اینگونه عزاداری می کنید؟ ایشان پاسخ دادند «اینها جزو آداب و رسوم ماست!» واقعاً جای تعجب است مگر پیامبران نیامدند تا با همین آداب و رسوم شرک آمیز خرافی و شیطانی مبارزه کنند؟ و مگر زنده به گور کردن دختران، جزء آداب و رسوم اعراب جاهلی نبود؟

مورد دیگری که علمای شیعه مرتب به آن استناد می کنند حدیثی است مبنی بر اینکه در جهان آخرت پیامبر ﷺ سراغ اصحاب خویش را می گیرد و به او می گویند: تو نمی دانی اصحاب و یارانت پس از تو چه کردند و آنها پس از تو مرتد شدند.

سوال ما این است که چطور این حدیث مورد استناد شماست؟ مگر شما عقیده ندارید که پیامبر و امامان پس از مرگ نیز از احوال ما باخبرند و در واقع زنده اند، پس چطور در این حدیث پیامبر ﷺ از یاران خودش هم بی خبر است؟ و حتی از حوادث پس از رحلت خویش اطلاعی ندارد.

مگر شما نمی گوئید: حضرت فاطمه به کسانی که علیه او ظلم کرده بودند فرموده که شکایت شما را نزد پدرم خواهم برد، پس چطور پیامبر ﷺ بی اطلاع است.

و شما از کجا متوجه شده اید که منظور از اصحاب ابوبکر و عمر هستند؟ و از کجا فهمیدید که منظور از ارتداد غصب خلافت علی بوده؟ این خلافت الهی ادعای شماست که هنوز هم نتوانسته اید آنرا ثابت کنید.

افسانه سوختن در کلبه‌ی بی در!

سوالی در خصوص اینکه اتافک حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در بی نداشته و شهادت ایشان افسانه ای بیش نیست:

- در آیه ای از قرآن خطاب به اعراب آمده که پشت اتاقهای پیامبر، صدایتان را بلند نکنید. علت مشخص است چون دری وجود نداشته که آنها به در بزنند صدایشان را بلند کرده و به خاطر کوچک بودن اتاقها موجب آزار و اذیت دیگران را فراهم می آوردند.

- در آیه ۵۳ سوره احزاب آمده که ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾ «ای کسانی که ایمان آورده اید، داخل خانه های پیامبر نشوید مگر اینکه به شما اجازه داده شود». (و این آیه به خوبی نشان می دهد که اتاقهای (سوره حجرات: حجره = اتاق) نبی اکرم درب نداشته و به جای درب، پارچه آویزان می کرده اند.

- **درب خانه:** طبق تحقیق اینجانب اصلاً در آن زمان اتاقهای همسران پیامبر ﷺ دربی نداشته و اتاقهای زنان و حضرت فاطمه که داخل مسجد بوده اند درب نداشته است، و به جای درب از پرده استفاده می کرده اند. به این علت که وجود خود مسجد، حایل و حفاظ بوده است. ولی در جاهای دیگر مثل منازل یهودیان در خیبر یا اشخاص ثروتمند درب بوده است و اما دلایل دیگر:

- اگر شما حتی هم اینک به محلات قدیمی شهر یا به روستاها بروید و درهای چوبی را که همین ۵۰ یا ۸۰ سال قبل ساخته شده است ببینید متوجه می شوید که چقدر شرایط مکانیکی و اصولی این درها مسخره و معیوب است. (قفل، لولاها و...) حتی برخی مناطق فقیر به جای در، پارچه آویزان کرده اند! اکنون چگونه ممکن است ۱۴۰۰ سال قبل در محیطی که نه نجار داشته و نه درختی به جز درخت خرما، دری چنان محکم بر اتاقک محقر و فقیرانه ای نصب شده باشد که فقط با آتش زدن می شده آنرا از جا کند؟ و آیا کسی می تواند پشت دری که در حال سوختن و دود کرده است بایستد؟ و آیا مردی داخل آن اتاق نبوده (دقت کنید که خانه ای در کار نبوده و فاطمه و سایر زنان دارای حجره هایی کوچک یا همان اتاقک بوده اند) که حضرت فاطمه را از چنین شرایطی دور کند؟ (البته حتی در کتب اهل سنت چند حدیث معدود است که به وجود درب برای اتاق پیامبر اشاره دارند ولی دلایل نبودن درب بسیار بیشتر می باشند. البته حتی این احادیث نیز مربوط به اتاق عایشه است و نه اتاق حضرت فاطمه).

- دکتر ابوالقاسم پاینده (از نویسندگان شیعه) در مقدمه نهج الفصاحه نوشته: اتاق زنان پیامبر ﷺ از شدت فقر درب نداشته و جلوی آن پارچه آویزان می کرده اند (همچنین رجوع کنید به داستانهایی که می‌گوید: پیامبر از سفر برگشت و دید فاطمه پارچه ای رنگی جلوی اتاقش گرفته و... یا آیاتی که می‌فرماید از وراء حجاب یا پرده با زنان پیامبر سخن بگویند (احزاب/۵۳) دقت کنید که تمامی این آیات در مورد اتاق پیامبر و همسران پیامبر می‌باشند که مورد نظر ما است نه جاهای دیگر که ممکن است درب بوده باشد.

- مرتضی مطهری در کتاب مساله حجاب می نویسد: از نظر اسلام، هیچکس حق ندارد بدون اطلاع و اجازه قبلی به خانه دیگری داخل شود. در بین اعراب، در محیطی که قرآن نازل شده است معمول نبوده که کسی برای ورود در منزل دیگران اذن بخواهد. در خانه ها باز بوده همانطوری که الان در دهات دیده می شود.... اولین کسی که دستور داد برای خانه های مکه مصرعین یعنی دو لنگه در قرار دهند معاویه بود و هم او دستور داد که درها را ببندند. (خلافت معاویه هم که متعلق به ۳۰ سال پس از این وقایع است!).

در آیه ۲۷ سوره نور آمده: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا﴾ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید». و مسلماً اگر خانه ها در داشت خداوند می فرمود ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه هایتان را ببندید. (البته به احتمال فراوان، خانه های برخی از افراد یهودی متمول و برخی از مسلمانان پولدار، درب چوبی داشته است) مطهری در کتاب مساله حجاب ص ۱۷۰ در تفسیر آیه ۵۳ سوره احزاب چنین می نویسد: عربهای مسلمان بی‌پروا وارد اتاقهای پیامبر می شدند. زنهای پیامبر هم در خانه بودند. آیه نازل شد که اولاً سرزده و بدون اجازه وارد خانه پیغمبر نشوید و ثانیاً وقتی می‌خواهید چیزی از زنان پیامبر بگیرید از پشت پرده بخواهید بدون اینکه داخل اتاق شوید.

- در تاریخ طبری آمده: و چنان شد که دریا کشتی ای را که از آن یکی از بازرگانان رومی بود به جده انداخت که درهم شکست و چوب آنرا بگرفتند و برای سقف کعبه آماده کردند و یک مرد قبطی در مکه بود که نجاری می دانست و مقدمه کار فراهم آمد ص ۸۳۸ (یعنی در آن روزگار: کسانی مانند یهودیان و اشراف قریش و کلاً کسانی که وضعیت مالی خوبی داشته اند و داخل خانه نیز لوازم قیمتی، خانه آنها در چوبی داشته ولی اکثر خانه ها بدون درب بوده است. حتی برای ساختن سقف کعبه چوب وجود نداشته است، و نجار هم قبطی بوده و عربها، نجار هم نداشته اند.
- بعلت نبودن درختی به جز نخل^{۴۳}، جلوی اکثر درها پارچه آویزان می کرده اند و اصولاً اتاقک حضرت فاطمه که داخل مسجد بوده نیازی به درب نداشته است! و اصلاً دختر پیامبر ﷺ زاهدانه می زیسته و نیازی به گذاشتن درب و صرف هزینه اضافی نبوده است، و فراموش نکنید بودن درب در آن زمان برای افراد ثروتمند بوده نه برای اتاقک کوچک حضرت فاطمه (همچنین مراجعه کنید به آن داستانی که حضرت فاطمه پارچه رنگین آویزان کرده بودند و پیامبر از مشاهده آن ناراحت شدند و داستانی که رییس آن قبیله بدون اجازه وارد اتاق پیامبر و عایشه می شود و آیاتی که می گوید پیامبر را از پشت حجرات - اتاقکها - بلند صدا زنید و با اجازه وارد شوید و...).
- آتش زدن درب خانه دختر پیامبر و شهادت ایشان و سقط جنین داخل رحم و... موضوعی بسیار مهم است که باید همه متوجه آن شده و داستانها و شعرها پیرامون آن بسازند (در همان زمان نه در زمانهای بعدی) چگونه در هیچ سند تاریخی حتی اشاره مردم مدینه به این موضوع وجود ندارد. کتاب سلیم ابن قیس که برای اولین بار به این افسانه اشاره می کند در اوایل قرن چهارم هجری سر و کله اش پیدا می شود و علمای بسیاری مانند ابن غضائری، لویی ماسینیون و شیخ مفید معتقدند در این کتاب خلط و تدلیس صورت گرفته و این کتاب جعلی است.

^{۴۳} چوب درخت نخل برای نجاری مناسب نیست.

- آیات قرآن: برخی از اعراب می آمدند و پیامبر را از پشت خانه بلند صدا می کردند و با سر و صدا موجب آزار دیگران می شده اند. در آیه ای دیگر می فرماید بدون اجازه وارد اتاق نشوید و یا ماجرای آن رئیس قبیله ای که بدون اجازه در حضور نبی اکرم، وارد اتاق عایشه می شود و... همه اینها بیانگر آن است که اتاقها درب نداشته است.

- خود پیامبر ﷺ که هنگام ورود می گفته اند: «السلام علیک یا اهل بیت النبوة و...» زیرا دربی وجود نداشته که بخواهند با کوبیدن بر آن درب، اعلام ورود کنند! و به جای آن، این سخن را می گفته اند.

تنها آیه ای که به درب و کلید اشاره دارد آیه ۶۱ از سوره نور می باشد ۱- همانطور که قبلاً نیز گفتیم، بحث ما فقط پیرامون اتاق حضرت فاطمه و اتاقهای همسران پیامبر ﷺ است نه جایی دیگر، و این آیه به طور عام برای کل مسلمین آمده تا بدانند در صورت داشتن کلید حق ورود دارند مثل منازل یهودیان در جنگهای با یهودیان و جنگ خیبر و... و یا حتی پس از فتح ایران و روم و مصر که در آن کشورها به طور حتم درب بوده است، و آیاتی که ما برای عدم وجود درب آوردیم مربوط به خانه پیامبر و همسران او است. ۲- از ابتدای آیه تا انتها ۹ مرتبه از کلمه بیت و بیوت استفاده شده ولی در موردی که کلمه کلید آمده (مفاتحه) به جای بیوت کلمه ملکتم آمده و ملکتم را می توان به چیزی که مالک آن هستی معنی کرد همچون صندوقچه. ۳- شما برای جایی درب به همراه کلید می گذارید (آن هم در ۱۴۰۰ پیش) که شیء یا چیزی قیمتی در آن باشد نه اتاق حضرت فاطمه و همسران پیامبر ﷺ که به طور حتم از جواهرات و چیزهای قیمتی خالی بوده و زندگی زاهدانه ای داشته اند. حضرت علی در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه در مورد راه و رسم زندگی پیامبر ﷺ فرموده: بر روی زمین می نشست و و غذا می خورد و چون برده ساده می نشست و با دست خود کفش خود را وصله می زد و جامه خود را می دوخت و بر الاغ برهنه می نشست و دیگری را بر پشت سر خویش سوار می کرد پرده ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود به یکی از

همسرانش فرمود: این پرده را از جلوی چشمانم دور کن که هرگاه نگاهم بدان می افتد به یاد دنیا و زینتهای آن می افتم.

ما می پرسیم: مگر چه چیز درون اتاق حضرت فاطمه بوده که بخواهد برای آن درب بگذارد، چون گذاشتن درب چوبی در آن زمان هزینه ساز و مشکل بوده و هزینه آن درب چوبی از مجموع اشیاء اتاق حضرت فاطمه بیشتر می شده است، و مثل این می ماند که هم اکنون شما برای خرید خانه پولی نداشته باشید ولی بخواهید بروید و یک بنز آخرین مدل را خریداری کنید، آیا این امر معقول و منطقی است؟

و برای حسن ختام به این حدیث از حضرت علی علیه السلام دقت کنید:

«خوشا به حال کسی که از پندگویی که هدایتش می کند اطاعت کند و از فریبکاری که او را به گودال گمراهی می افکند بپرهیزد». (غرر الحکم جلد ۲ ص ۴۶۵)

امیدوارم طرح این سوالات باعث ایجاد تعقل و تفکر در شما گردد تا شاید به فکر تحقیق بیشتر در مذهب وراثتی و تقلیدی خود باشید ^{۴۴}.

^{۴۴} لازم به تذکر است که برخی از اهل سنت به هنگام مواجه شدن با تبلیغات شیعیان فوری به مذهب شیعه روی می آورند و علت این است که تصور می کنند این مذهب شیعیان فعلی همان مذهب اهل بیت و شیعیان حضرت علی است و فکر می کنند شیعه تنها سخنش پیروی از اهل بیت و دوستی ایشان است و هیچ نوع گمراهی ندارد، در صورتیکه امثال اینجانب که از بدو تولد در میان شیعیان بوده اند با عقاید شرک آمیز و خرافاتی ایشان به خوبی آشنا هستند و این دسته از اهل سنت می بایست مدتی در ایران و میان عوام شیعه باشند تا پی به حقیقت ببرند و یا حتی از اهل سنت داخل ایران همچون مردم زاهدان سوال و تحقیق کنند نه اینکه چشم بسته شیعه شوند و البته آخوندهای مبلغ تشیع در کار خود استاد هستند و مطمئن باشید در مرحله اول تبلیغات خود زیارت عاشورا و لعن ابوبکر و عمر را تدریس نمی کنند، بلکه تنها از دوستی اهل بیت صحبت می کنند و قدم به قدم جلو می روند و به آرامی ذهن اهل سنت را آماده می کنند برای لعن صحابه، قبرپرستی، غلو، خواندن غیرخدا و شرک و خرافات دیگر، امیدوارم این کتاب برای روشن شدن ذهن اهل سنت ناآگاه و همینطور شیعیان مفید واقع شود.

نکته ای بسیار مهم:

از آنجا که به احتمال فراوان مانند همیشه به این پرسشها پاسخهای جدلی و کلامی داده خواهد شد توجه خواننده عزیز را به نکات زیر جلب می‌کنم:

تمامی مباحث و اختلافاتی که بین شیعه و سنی در گرفته در این نکته ساده نهفته است که شیعه اعتبار عجیبی برای علوم نقلی قائل است. (علوم نقلی یعنی حدیث و تاریخ و کلاً آنچه دیگران گفته‌اند و عده‌ای نوشته‌اند) و این آخر ماجرا نیست زیرا همین عقاید بر اساس گزینش و طبقه‌بندی یک سری خاص از بین احادیث و وقایع و روایات تاریخی صورت گرفته است. درست است که قرآن نیز به نوعی در حوزه علوم نقلی واقع می‌شود ولی نظر به اعجاز آن و اجماع تمامی فرق مسلمین بر حجیت و قطعی‌الصدور بودن آن، انسان می‌تواند به راحتی و آرامش خیال، عقایدش را بر مبنای قرآن پایه‌ریزی کند ولی اگر روز قیامت خداوند از تو سؤال کرد که چرا بر مبنای فلان عقیده، فلان سخن را گفתי یا فلان کار را کردی آیا می‌گویی به خاطر وجود احادیث و روایات؟! هر چند مثل روز روشن است که روایت و حدیث، جایگاه مطمئنی برای پایه‌ریزی عقیده و جهنمی یا بهشتی شدن نیست. (به خصوص اگر با مباحث جدلی و کلامی و تحلیلهای امروز پسند مخلوط شود) ولی ما با همین چند سؤال ساده؛ دروغ بودن اندیشه‌های باطل را ثابت می‌کنیم.

دامنه کلام در اینجا بسیار گسترده است ولی نظر به اهمیت موضوع به طور بسیار خلاصه توجه شما را به چند نکته جلب می‌کنم:

۱- علمای شیعه و سنی متفق القولند که قرآن قطعی‌الثبوت و احادیث ظنی‌الثبوت اند. یعنی می‌توان بر روی تمامی آیات قرآن، قسم خورد و مطمئن بود که از جانب خداست ولی روی هیچ حدیثی حتی متواتر با سلسله راویان درست، نمی‌توان قسم صد در صد خورد و اطمینان و علم کامل داشت.

۲- آیات متعددی در قرآن وجود دارد که در آنها خداوند می فرماید: ظن و گمان در پیشگاه خدا جایگاهی ندارد و برخی گمانها گناه است و آنچه را بر آن علم نداری پیروی نکن. (اسراء/۳۶، نجم/۲۸)

۳- بیشترین عقاید شیعه بر مبنای حدیث و شان نزول گزینشی برخی آیات و برخی قصه های انتخاب شده تاریخی است. البته شیعه حتی تعداد زیادی از احادیثی که در کتب قدیمی علمای طراز اول خودش هم وجود دارد را قبول نمی کند (مانند احادیث متعددی که ساخت و ساز روی قبرها را مساوی شرک دانسته و...) یا آنها را حمل بر تقیه می کند و...

۴- یک نمونه ساده که خواننده عزیز متوجه شود چقدر می توان به حدیث دل بست: محدث نوری عالم شیعه کتابی می نویسد با نام: فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الأرباب. او قصد داشته در این کتاب ثابت کند که قرآن تحریف و کم و زیاد و دستکاری و... شده است. او در این کتاب در اثبات این عقیده خود دو هزار حدیث از بین منابع شیعه جمع آوری می کند!! سؤال اینجاست: وقتی می توان برای اثبات هر اعتقاد فاسدی دوهزار حدیث از بین متون مختلف جمع آوری کرد ما از کجا می توانیم به سایر عقاید خرافی شیعه که تمامی آنها بر مبنای حدیث و قصه است اعتماد کنیم و قرآن را رها کنیم؟ (ضمن این نکته را نیز متذکر شوم که سلسله روات بسیاری از این دو هزار حدیث، درست و معتبر است. مانند آن حدیث دروغ که در اصول کافی قدیمی ترین و معتبرترین منبع روایی شیعه آمده که می گوید: قرآن دارای هفده هزار آیه بوده که فقط شش هزار آیه آن باقی مانده و تمامی روات این حدیث نیز درست و خوب بوده اند!! ممکن است آخوندها بگویند: این احادیث مخالف آن آیه است که می فرماید خداوند وعده حفظ قرآن را داده ولی اگر بنا به توجیهات مسخره شما باشد می توان گفت: بله ولی وعده حفظ آنرا در لوح محفوظ داده یا اینکه قرآن اصلی نزد امام زمان است و وقتی ظهور

کردند آشکار می شود و... مطالبی که بسیاری از شیعیان تا یک قرن پیش کاملاً با آن موافق بودند).

برخی ادعا می کنند که ایشان از قول خودش برگشته است در حالی که اینطور نیست و یکی از علمای اهل سنت بر ایشان رد نوشتند و بعد ایشان دوباره بر عقیده خویش اصرار کرده و رد آن ردیه را نوشته اند.

۵- نمونه دیگر: همانگونه که در بالا اشاره شد اصول کافی قدیمی ترین و معتبرترین منبع روایی شیعه است و حدود ۱۵ هزار حدیث دارد (و عجیب است که آخرین منبع روایی شیعه یعنی بحار الانوار دارای هفتصد هزار حدیث است! که این خود جای تامل و تحقیق دیگری دارد) در بین سلسله راویان ۱۲۰۰ حدیث از احادیث اصول کافی نام عثمان بن عیسی وجود دارد که از نظر علم رجال مطرود می باشد! علامه برقی نیز در کتاب بت شکن خود (که در ایران اجازه چاپ ندارد) ضعیف بودن و مخالف قرآن بودن بسیاری دیگر از احادیث اصول کافی را اثبات کرده و حتی بسیاری از این احادیث را که محمدباقر مجلسی! و محمدباقر بهبودی آنها را ضعیف دانسته اند تک تک ذکر نموده است!! به این ترتیب چه اعتمادی بر حدیث (شیعیان) است؟ ضمناً ذکر این نکته خالی از لطف نیست که محال است شما یک حدیث پیدا کنید و بعد حدیثی کاملاً ضد و مخالف آنرا پیدا نکنید.^{۴۵} بگذریم.

۶- مکتب و مدرسه اخباری گری (یعنی اعتماد صرف به حدیث) سالها قبل در برابر مدرسه اصولی شکست کامل و مفتضح خورد و بساطش به یکباره از روی کره زمین، برچیده شد ولی متأسفانه مانند غده ای در بطن جامعه شیعی پخش شد و بر سر هر کوی و برزن بر زبان مداحان و آخوندهای نادان در قالب حدیث جاری و در مغز عوام

^{۴۵} البته در اسلام جایگاه احادیث صحیح محفوظ است و پیروی از سنت پیامبر ﷺ واجب است، ولی هر حدیث جعلی، ضدقرآنی، خرافی و مورد میل دکانداران مذهبی را نمی توان پذیرفت.

کالانعام فرو رفت و جا خوش کرد. و اثراتش اینهمه شعر و دروغ و کفر و خرافه در جامعه ایرانی است که می بینید!!

۷- نه تنها من و یا تمامی محققان غیر مسلمان و علمای سنی و بسیاری از اساتید شیعه و همینطور کسانی چون علامه برقی، سیدمصطفی حسینی طباطبایی، غروی، سیدمحمدباقر دُرچه ای، صالحی نجف آبادی و... بر همین اعتقادند که حدیث و روایت هیچ جایگاه مطمئنی برای بنا کردن اصول اعتقادی نیست.

۸- ممکن است توسط روحانیون در اینجا شبهه ای مطرح شود که پس تکلیف سنت و پیروی از نبی اکرم ﷺ و یا امامان چه می شود؟ پاسخ:

- ما احادیث و روایاتی که منطبق با قرآن و عقل و سیره شناخته شده آن بزرگواران باشد را قبول داریم. ولی چه کسی می تواند باور کند که مثلاً وقتی در قرآن خداوند می فرماید به بتهای کافران توهین نکنید و حضرت علی در جنگ صفین به یاران خود می فرماید به جای توهین به سپاه معاویه آنها را دعا کنید همین انسانهای بزرگوار زیارت عاشورا می خوانده اند؟! زیارتی که در آن ۱۸ بار کلمه لعن آمده و همچنین سایر احادیثی که از آن بوی شرک و تفرقه و خرافه می آید؟ (البته لعنت بر قاتلان امام حسین، ولی منظور من چیز دیگری است).

- فرق است بین پیروی کردن از سیره آن بزرگواران تا دنبال هر حدیث و روایت و قصه دورغین تاریخی و زیارتنامه جعلی رفتن و دست زدن به اعمال شرک آمیز چون گنبد و قبه ساختن. ما طبق متون معتبر و قدیمی تاریخی می دانیم که آن بزرگواران بیشتر طالب صلح بوده اند تا جنگ، ولی به عنوان مثال سردمداران روحانی جمهوری اسلامی چهار سال جنگ با عراق را بیهوده کش دادند آقایان همیشه جنگ امام حسین را که یک جنگ کاملاً تحمیلی به ایشان بود را عنوان می کنند و صلح حدیبیه و صلح امام حسن و همکاری حضرت علی با خلفاء و... در روش ایشان هیچ جایگاهی ندارد!! برای نمونه به این سخن آیت الله خامنه ای دقت کنید: امروز دشمن قادر نیست... نه آمریکا و نه بزرگتر

از آمریکا - اگر در قدرتهای مادی باشد - قادر نیستند حادثه ای مثل حادثه صلح امام حسن را بر دنیای اسلام تحمیل کنند اینجا اگر دشمن خیلی فشار بیاورد حادثه کربلا اتفاق خواهد افتاد!! (سخنرانی مورخ ۱۳۷۹/۲/۳ کتاب حامیان وابستگی، محمد صدیقی، انتشارات اصفهان شهید حسین فهمیده چاپ اول تابستان ۱۳۸۱) سیره آن بزرگواران بر گذشت و مدارا و اجازه سخن به مخالفین دادن (مانند سئوالات منکرین خدا از امام صادق و...) توجه کامل به حقوق زنان، کمک به فقرا، قرآن را امام خود قرار دادن، تزکیه نفس و صفای باطن و عبادت خداوند، همکاری و مشورت و کمک به خلفاء (تا وقتی که آنها طبق قرآن و سنت پیامبر عمل می کرده اند) و امر به معروف و حتی قیام علیه آنها وقتی که آنها دست از قرآن می کشند و جامعه رو به مادیات و فساد می رود (مانند امام حسین) اهتمام به علم و دانش و نظافت و پاکیزه گی و... براستی آیا برادران اهل سنت و حتی سایر ادیان در اینگونه موارد با ما اختلافی دارند؟ آری، اختلاف آنجا پیدا می شود که شما بر خلاف سیره آن بزرگواران لعن و نفرین می کنید و روی قبرها قصر می سازید و امام شما به جای قرآن، حدیث و قصه می شود و روایات و احادیث و وقایع تاریخی که مخالف عقاید شماست را دروغ می دانید!! براستی شما پیرو علی هستید؟ علی در جنگ صفین سپاهیان خود را از دشنام و لعن سپاه معاویه بر حذر داشت، علی نام سه فرزند خود را عمر و ابوبکر و عثمان گذاشت، علی هرگاه بر منبر می رفت برای خلفای قبلی طلب آمرزش می کرد، علی با همسر ابوبکر ازدواج کرد و دخترش را به ازدواج عمر درآورد، دوبار جانشین عمر در مدینه شد، براستی مگر علی نگفته: افراد و اشخاص، ملاک حق نیستند و مگر علی نگفته: الزموا بالسواد الاعظم: ملتزم شوید به گروه بیشتر مسلمانها ... پس ما متوجه می شویم که مشکل، جای دیگری است. اگر تعداد اندکی از روحانیون و مداحان از روی نادانی عربده کشی می کنند مسلما بسیاری نیز برای گرمی دکان و برقراری سنت غلط دریافت خمس و داشتن مقلد و کینه توزی با اهل سنت و دست نکشیدن از روش غلط آباء و اجداد خود، حاضر به پذیرش حق نیستند، بگذریم.

۹- به عنوان یک نمونه دیگر از تحلیلهای غلط و سوء برداشت از احادیث به نفع مقاصد سیاسی خود: شیعه معتقد است که نبی اکرم فرموده اند شیعیان علی رستگارانند. هر چند شیعیان واقعی علی رستگارانند ولی صحت این حدیث بسیار بعید است زیرا حضرت علی در هیچیک از خطبه ها و نامه های خود و همچنین یاران ایشان در همان زمان در هیچیک از شعرها و رجزخوانی ها و مناظرات و مباحثات به این حدیث و سایر احادیث مورد نظر شیعه اشاره ای نمی کنند. بگذریم. به فرض صحت: ۱- نبی اکرم نظر شخصی خود را بیان داشته اند و نفرموده اند این سخن من وحی و سخن خداوند است زیرا ما می دانیم طبق آیه ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ ۱- پیامبر اکرم فقط در مقام دریافت و ابلاغ وحی عصمت کامل و محض داشته اند. ۲- منظور نبی اکرم صلی الله علیه و آله دوستان حضرت علی در زمان حیات ایشان بوده اند و نه اینکه کسانی بیایند و سالها بعد به بهانه این حدیث در کنار دین برای خود دکانی به نام مذهب باز کنند. ۳- کجای قرآن نوشته که پیروی از علی یعنی اینکه او حتما باید خلیفه باشد؟ ۴- همانطور که در بالا اشاره شد شما در هیچیک از روشهای خود پیرو علی نیستید. ۵- این حدیث درست یا غلط، نمونه بسیار جالبی است از اینکه احادیث چگونه می توانند قرآن را از موضوعیت و اثر بیندازند خداوند در قرآن می فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾: «دین نزد خدا اسلام است» و نفرموده دین یعنی سنی و شیعه و... ولی متأسفانه چنین آیات واضح و وحدت آفرینی به دست یک مشت انسان احمق و با استناد احمقانه به چند حدیث از کاربرد افتاده است. ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ ۶. «و ستمکاران به زودی خواهند دانست که به چه مکانی باز می گردند».

۱۰- نتیجه: هر گاه ملت ما بتواند این نکته بسیار ساده را بفهمد که تاریخ با احادیث شیعیان (نه احادیث اهل سنت) فرق دارد که این دو چیز جدا از هم هستند. که علم تاریخ به حقیقت نزدیکتر است تا کتابهای حدیثی اهل تشیع. که اگر تاریخ، دروغگوی بزرگی

است احادیث اهل تشیع پدر او و علم کلام مادر اوست. که با بررسی علمی و بی طرفانه متون تاریخی (یعنی با بی پدر و مادر کردن آن) می توان مشت احادیث دروغ شیعیان را باز کرد. که احادیث شیعه یک قطعه کوچک از جریانی مبهم و شاید جعلی ولی تاریخ، قطعه کاملی از یک جریان ممتد است. و در این راه عقائد موروثی و تقدسات ساختگی و سفسطه های آخوندی در تجزیه و تحلیل ما تاثیر نگذارد. آنگاه است که بسیاری از مشکلات ما حل می شود و دیگر کسی نمی تواند با پیچاندن آیات قرآن، خمس منافع سالیانه ما را بگیرد و به جای انتخابات آزاد، یک عمر با چماق دین و با عنوان ولایت بر ما حکومت کند و یا قلاده به گردن ما بگذارد تا مثل سگ دنبال او عو عو کنیم و نام خود را مقلد بگذاریم و... سخن خود را با دو حدیث پیامبر به پایان می رسانم برای کسانی که به حدیث خیلی علاقه دارند البته اگر راست می گویند:

- «حلال آن است که خداوند در قرآن حلال کرده است و حرام آن است که خداوند در قرآن حرام کرده است و هر چه را مسکوت گذاشته مورد عفو و گذشت می باشد» (نهج الفصاحه و سنن الترمذی ۱۷۸۰/۱۳۴/۳)

- «ای مردم، هیچ چیز را به من ارتباط ندهید زیرا من چیزی را حلال یا حرام نکردم جز اینکه خدای تعالی آنرا حلال یا حرام گردانید». (نهج الفصاحه)

توضیحی پیرامون نام این کتاب

عوام و بازاریها در ایران در پاسخ مدعی، مثلی می آورند با این مضمون:
اگر چنین و چنان شد من ریش و سبیل را می تراشم و به جای آن سرخاب و سفیدآب می مالم. هر چند من در تمامی این تحقیق از مراتب ادب اسلامی خارج نشدم ولی با کمال معذرت از آقایان خوارج حزب الهی من نیز در صورتی که آخوندها فقط به ۱۰٪. سئوالات این تحقیق، پاسخی عقلی و منطقی و قرآنی و منطبق با شواهد مسلم تاریخی بدهند، حاضرم چنین کنم!!

پایان

پائیز ۱۳۸۷ هجری شمسی